



## پژوهشنامه مطالعات قرآنی- روایی دو فصلنامه آموزشی - تخصصی

سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۴۰۱

- \* بازتاب گفتمان قرآنی انقلاب اسلامی ایران در سبک زندگی شبه قاره هند
- \* تسلیم همگانی در حکومت مهدوی از دیدگاه مفسران فریقین و روایات
- \* عوامل دنیاگرایی از منظر آیات قرآن کریم و عواقب آن در سبک زندگی فردی
- \* گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی در مواجهه با جریان‌های تکفیری
- \* هویت بخشی به زنان مسلمان با تأکید بر جامعیت قرآن



۳

اسلام

## پژوهشنامه مطالعات قرآنی- روایی دو فصلنامه آموزشی - تخصصی

سال دوم، شماره ۳، زمستان ۱۴۰۱

انجمن علمی گروه علوم قرآن

صاحب امتیاز: جامعه المصطفی العالمیه

مدیر مسؤول: سید امیررضا طاهایی

سر دبیر: دکتر رضوان زمانی

شورای تحریریه:

حمید الهی دوست

محسن برقی کار

دکتر مرتضی فدایی

دکتر رضوان زمانی

آزاده ابراهیمی فخاری

مریم سادات حسینی

مینا سادات حسینی

کنیز فاطمه

مدیر اجرایی: آزاده ابراهیمی فخاری

ویراستاری، طراحی و صفحه‌آرایی: ریحانه همدانی

بازتاب گفتمان قرآنی انقلاب اسلامی ایران در سبک  
زندگی شبه قاره هند

انعام زهرا ..... ۶

تسلیم همگانی در حکومت مهدوی از دیدگاه مفسران  
فریقین و روایات

آزاده ابراهیمی فخاری ..... ۲۲

عوامل دنیاگرایی از منظر آیات قرآن کریم و عواقب آن  
در سبک زندگی فردی

سلیمه احمدی ..... ۳۲

گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی در مواجهه با جریان‌های تکفیری

طاهره کاظمی ..... ۵۲

هویت‌بخشی به زنان مسلمان با تأکید بر جامعیت قرآن

رضوان زمانی ..... ۷۲

نشانی: اصفهان، خیابان عبدالرزاق، انتهای بازارچه حاج محمدجعفر، سمت راست، بن‌بست جماله،

مدرسه عالی بنت‌المصطفی- انجمن علمی گروه علوم قرآن

تلفن: ۰۳۱۳۷۱۷۳۱۳۱

پست الکترونیک: zamani558@gmail.com



## نحوه نگارش مقالات دوفصلنامه «پژوهشنامه مطالعات قرآنی - روایی»

پژوهشگران محترم، لطفاً برای سهولت ارزیابی و چاپ مقالات، نکات زیر را مورد توجه قرار دهند:

- ۱) حجم مقالات ارسالی نباید بیش از ۸۰۰۰ کلمه باشد.
- ۲) مقالات در برنامه word 2010/2007 با خط B Nazanin13 و با رعایت قواعد تایپ استاندارد از جمله «نیم‌فاصله» ارسال شود.
- ۳) شماره‌گذاری داخل متن از راست به چپ و با خط تیره مشخص شوند.  
مثال: ۱-۱- و  
۱-۲- و...
- ۴) مشخصات نویسنده/ نویسندگان، درجه علمی، نام مرکز علمی، رشته و گرایش، شماره تلفن و آدرس ایمیل به صورت کامل ذکر شود.
- ۵) ارجاعات داخل متن به صورت (نام خانوادگی نویسنده، سال نشر، شماره جلد: صفحه) مشخص شود. مثال: (قرائتی، ۱۹۳۱، ج ۳: ۱۱)
- ۶) فهرست انتهایی منابع به ترتیب زیر قرار گیرد:  
- کتاب:  
نام خانوادگی، نام، سال انتشار، نام کتاب، شماره جلد، نام مترجم یا مصحح، محل نشر، ناشر.  
- مقاله:  
نام خانوادگی، نام، سال انتشار، نام مقاله، نام مجله، شماره دوره.

\*\*\* پژوهشگران می‌توانند مقالات خود را به آدرس ایمیل زیر ارسال نمایند:

[zamani558@gmail.com](mailto:zamani558@gmail.com)

## بازتاب گفتمان قرآنی انقلاب اسلامی ایران در سبک زندگی شبه قاره هند

انعام زهرا\*

دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن. مدرسه عالی بنت المصطفی

### چکیده

نوشتار حاضر دستاورد پژوهشی است که در آن سبک زندگی و گفتمان قرآنی انقلاب اسلامی با هدف بررسی اثر انقلاب اسلامی بر سایر جنبش‌ها و بیداری اسلامی انجام گرفته است. نتایج این مقاله که به روش اسنادی و کتابخانه‌ای و با مصاحبه گردآوری شده است، به‌طور مختصر گویای آن است که به عقیده بسیاری از صاحب‌نظران، هر چند انقلاب اسلامی ایران به رهبری حضرت امام خمینی علیه السلام، خدادهی سیاسی بود که در درون جامعه ایران صورت گرفت اما ویژگی عام و جهانی آن که برخاسته از عنصر مذهب و خصلت دینی بودن آن است، موجب می‌شود که این تحول تاریخی در مرزهای جغرافیایی ایران اسلامی محدود نماند و تا اقصی نقاط جهان اسلام و بلکه جوامع بشری و جنبش‌های درونی آن‌ها، تأثیرات عمیق و جدی از خود بر جای بگذارد. این انقلاب دست کم در دو سطح بر جنبش‌های اسلامی در جهان اسلام اثر گذاشته است؛ در جوامعی که جنبش‌های اسلامی وجود نداشته، این انقلاب باعث به وجود آمدن آن می‌شود. در جوامعی که جنبش‌های اسلامی وجود داشته اما فعال نبوده‌اند، این انقلاب باعث تحرک، پویایی و فعال شدن آن‌ها می‌شود. تأثیرات انقلاب اسلامی ایران بر شبه قاره هند، در بعضی شهرهای آن مانند کارگیل، له و کشمیر نمود بیشتری دارد که ما در این مقاله به آن اشاره کردیم؛ مثلاً علاقه آن‌ها به زبان فارسی، خواندن سرود به زبان فارسی در مدرسه، تسلط کامل بعضی از مردم بر زبان فارسی، نصب نمادهای اسلامی و عکس مجتهدین مانند تمثال امام خامنه‌ای علیه السلام از اثرپذیری‌های این شهرهاست. همچنین موسسه امام خمینی علیه السلام که الان در حال فعالیت است، برگزاری پرشور. راهپیمایی روز قدس یا سالگرد امام خمینی علیه السلام و حاج قاسم سلیمانی.

کلیدواژه: سبک زندگی توحیدی، انقلاب اسلامی ایران، هند

## مقدمه

شهید مطهری معتقد است طلب خدا، خواستن و جستجوی او، در طبیعت و سرشت انسان هست. در این صورت، حالت پیغمبران در دعوت مردم به پرستش خدا، حالت باغبانی است که گل یا درختی را پرورش می‌دهند که در خود این درخت یا گل، یک استعدادی، یعنی یک طلبی برای یک شیء خاص هست. در انسان نیز یک فطرتی، به معنای یک تقاضایی وجود دارد. بعثت پیغمبران، پاسخگویی به تقاضایی است که در سرشت بشر وجود دارد. (مطهری، ۱۳۷۶: ۶۰۲)

انبیا آمدند تا مصداق و فرد شایسته بندگی و پرستش را معین کنند و انسان‌ها را به سوی او راهنمایی کنند. در بیان کیفیت و شیوه‌های بندگی و دلایل نفی اطاعت و بندگی غیر خدا، با زبان برهان و حکمت سخن گفتند و در برابر انحرافات در موضوع پرستش به جدال احسن پرداختند. (نحل/ ۱۲۵) همه پیامبران و از جمله خاتم آنان حضرت محمد ﷺ، مردم را دعوت به پروردگار می‌کردند و برای آن‌ها از شیوه برهان‌های استوار و قانع‌کننده عقل و موعظه و جدال نیکو با مخالفان دستگاه بندگی توحیدی بهره می‌گرفتند.

انقلاب اسلامی یکی از انواع فرهنگی انقلاب‌های اجتماعی است. واژه انقلاب، در واقع حکایت از برجستگی و اهمیت عناصری چون فرهنگ، دین، ایدئولوژی و رهبری مذهبی این انقلاب است. انقلاب اسلامی ایران مهم‌ترین انقلاب در جهان است که بر کشورهای زیادی اثر گذاشته است.

## ۱- مفهوم شناسی

در این بخش به بررسی مفاهیمی می‌پردازیم که در درک بهتر مطالب مؤثر است.

### ۱-۱- سبک زندگی

سبک زندگی یا «Life Style» به معنای شیوه زندگی خاص یک فرد، گروه یا جامعه است. سبک‌های زندگی مجموعه‌ای از ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، حالت‌ها و سلیقه‌ها در هر چیزی را در برمی‌گیرد و می‌تواند به علایق، نظرات، رفتارها و جهت‌گیری رفتاری یک فرد، گروه یا فرهنگ اشاره کند. سبک زندگی افراد و راهی که برای خود انتخاب می‌کنند، ارتباط عمیقی با موفقیت آنان در زندگی دارد. از آنجا که مشاهده رفتار انسان‌ها، همیشه و همه جا امکان‌پذیر نیست، بسیاری از محققان، ترجیح می‌دهند به جای رفتارهای افراد، انتخاب‌های آنان در زندگی روزمره را به عنوان نشانه دست دوم از انواع سبک زندگی مورد بررسی قرار دهند. در واقع، سبک زندگی مفهومی گسترده است که تعیین یک چارچوب دقیق برای آن تقریباً دشوار است. کارشناسان حوزه‌های مختلف علوم انسانی، آن را مجموعه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد

می‌دانند که در طول عمر و به‌صورت روزانه، انجام می‌دهد. البته الگوی خاصی در انجام این رفتارها وجود دارد که متأثر از افکار، باورها، ارزش‌های محیط زندگی و تربیت فرد است. (فاضل قانع، ۱۳۹۱: ۱۷۸)

سبک زندگی واژه فراگیری است که از سلیقه فرد در زمینه آرایش مو و لباس، سرگرمی و تفریح، کار و شغل، تاهنر و غیره، همگی را شامل می‌شود. موسیقی عامه، تلویزیون و آگهی‌ها، همگی تصورها و تصویرهایی بالقوه از سبک زندگی فراهم می‌کنند. (دلک آبادی، ۱۴۰۰)

#### ۱-۲- هند

جمهوری هندوستان واقع در جنوب آسیا، از شمال غربی با پاکستان، از شمال با چین، یونان، نپال و تبت و از شمال شرقی با برمن و بنگلادش همسایه است. جغرافیای هند به طور کلی به سه بخش تقسیم می‌شود: فلات بلند هیمالیا، جلگه گنگا و شبه جزیره جنوب هند که مناطق مختلف کوهستانی، دره رودخانه‌ای، کویر، دشت و جنگل را در برمی‌گیرد.

پایین‌ترین سطح هند در اقیانوس هند با ارتفاع صفر و بلندترین نقطه این کشور قله کانچن چونگا با ارتفاع ۸۵۶۸ متر در هیمالیا قرار دارد که دومین قله مرتفع جهان است. مساحت آن ۳۲۸۷۵۹۰ کیلومترمربع است که ۲۹۷۳۱۹۰ کیلومترمربع آن را خشکی تشکیل می‌دهد.

هندوستان بعد از چین، دومین کشور پرجمعیت دنیاست. با بیش از یک میلیارد (۱۰۲۹۹۹۱۱۴۵) نفر جمعیت قریب به یک ششم جمعیت جهان را در خود جای داده است.

هند سرزمین هزار ادیان و معجونی از ادیان مختلف و فرقه‌های مذهبی گوناگون است که اکثراً از هندوئیسم، اسلام و بودیسم نشأت گرفته‌اند. حدود ۸۰/۵ درصد مردم هند پیرو آئین هندو و حدود ۱۳/۴ درصد مسلمان هستند. همچنین بیش از ۲/۲ درصد مسیحی و ۱/۹ درصد سیک دارد. هند اگرچه زادگاه آئین بودا بود اما جمعیت بودائیان هند در حال حاضر، حدود ۸ درصد برآورد می‌شود. البته به اعتقاد برخی از علما، دولت هند آمار صحیحی از مسلمانان ارائه نمی‌دهد و در هند تعداد مسلمانان بیشتر از این ارقام است.

از میان جمعیت ۱۴ درصدی مسلمانان، حدود ۴۰ میلیون نفر آن‌ها را شیعیان تشکیل می‌دهند که در نقاط مختلف این کشور پراکنده شده‌اند. شیعیان هند به مراسم‌های مذهبی، به‌خصوص عزاداری بسیار پایبند هستند؛ به‌طوری که شیعیان با این مراسم، تشخص اجتماعی پیدا کرده و با این مراسم‌ها شناخته می‌شوند. شیعیان با وجود محدودیت‌های مالی، در اجرای



این مراسم بسیار کوشا و فعال هستند؛ به گونه‌ای که به جرأت می‌توان گفت شیعیان هند در اجرای مراسم دینی به‌ویژه مجالس مربوط به اهل بیت (علیهم‌السلام) از سایر شیعیان جهان فعال‌تر هستند. (محمدی؛ مهدوی، ۱۳۹۷: ۳۰)

ایران در چشم هندی‌ها از یک سابقه تاریخی و الهام‌بخش برخوردار بوده و این امر به‌طور خاص نزد مسلمانان هند، به‌خصوص شیعیان این کشور برجسته است. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران به‌عنوان یک پدیده بزرگ و شگرف که توجه کلیه جهانیان به پتانسیل دینی و سیاسی اسلام جلب شده و اخبار آن در سراسر جهان منتشر شد، مسلمانان هند نیز به‌عنوان اقلیت تحت فشار در کشور هند، از این جریان تاثیر گرفتند. شاهد این مدعا حضور تعداد زیاد طلبه‌های علوم دینی از کشور هند در ایران است. دلایل استقبال آن‌ها از انقلاب اسلامی را می‌توان چنین بیان کرد: از یک سو، عرضه انقلاب و تقاضای تاریخی و معنوی مسلمانان و از سوی دیگر، مسلمانان محروم و مستضعف همانند هندی‌هایی که خود را مستحق دریافت حمایت‌های مادی از مسلمانان ثروتمند همانند ایران و سایر کشورهای خاورمیانه می‌دانند.

تفکر انقلابی امام خمینی (ره) برگرفته از تعالیم راستین اسلامی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران گردید، باعث پیدایش موجی از بیداری مبتنی بر اسلام ناب محمدی و تفکر آزادی‌خواهی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در سراسر گیتی گردید. این موج که همراه با امید و نگاه امیدوارانه به آینده بوده و هست، در جوامع تحت ستم و به‌اصطلاح جهان سوم، چشمگیرتر و در میان ملل اسلامی پویاتر و فزون‌تر می‌باشد. امروزه بیداری اسلامی که در کشورهای مختلف اسلامی شاهد آن هستیم، نتیجه این حرکت عظیم الهی و نورانی است.

یکی از خطه‌های اسلامی که این تاثیر را به‌خوبی می‌توان در آن مشاهده کرد، کشمیر در شبه قاره هند است که انتساب وطن اجدادی امام خمینی (ره) به آن سرزمین می‌باشد. (www.imam-khomeini.ir)

### ۱-۳- گفتمان قرآنی انقلاب اسلامی

واژه گفتمان (dialogue – discourse) واژه جدیدی است که بیشتر برای همایش‌ها و نشستهای رسمی به کار می‌رود. از نظر «جانسون» گفتمان به‌معنای روشهای خاص سخن گفتن است که منعکس‌کننده طرز فکرهای خاص می‌باشد. این روشهای به هم پیوسته، طرز تفکر، سخن گفتن و ایدئولوژی‌ها را می‌سازند.

«گفتمان» از نظر «مفرکلاف» مفهومی است که هم توسط نظریه‌پردازان و تحلیلگران اجتماعی و هم توسط زبان‌شناسان بکار می‌رود. به عقیده او گفتمان

به معنای کاربرد زبان به صورت گفتاری یا نوشتاری است که می‌تواند فعالیت‌های نشانه‌ای مثل تصاویر دیداری و ارتباطات غیرکلامی را نیز در برگیرد. همان چیزی که در زبان‌شناسی سنتی با عنوان کنش گفتار یا همان کاربرد زبان تعبیر می‌شود. بنا بر تعاریف ذکر شده، مقصود از گفتمان قرآنی شیوه‌های خاص سخن گفتن قرآن کریم در تبیین شاخصه‌های اصلی ارتباط مؤثر میان فردی و جهت‌دهی آن به سوی کارآمدی و تأثیرگذاری است.

مسئله سبک زندگی یکی از ارکان اصلی حرکت به سوی خداوند و سیر و سلوک الهی می‌باشد و تا این مهم اصلاح نشود، سالک الی الله سیری صحیح و درست را تجربه نخواهد کرد.

گفتمان انقلاب اسلامی که به نوعی تداوم حرکت انبیاء و متصل به تعالیم آسمانی است، از ریشه و اساس با گفتمان‌های رقیب خود مانند سوسیالیسم، کاپیتالیسم و صهیونیسم تفاوت دارد.

چنانچه شاخصه اصلی گفتمان انقلاب اسلامی را اسلام و هویت اسلامی بدانیم، کاملاً واضح است که جنس آن با شاخصه‌های سایر گفتمان‌های معاصر و ماقبل آن فرق می‌کند. البته نمی‌توان بر این اساس و با این مقدمه که گفتمان انقلاب اسلامی اصالت فطری و الهی دارد، از آسیب‌شناسی گزاره‌های آن و موقعیت تاریخی گفتمان‌های رقیب غافل شد، بلکه باید اولاً به بسط کامل گفتمان انقلاب اسلامی دل سپرد و به این گام‌های پیموده دلخوش نبود و ثانیاً همواره در تکاپوی بازتولید و روزآمد کردن آن برآمد تا از اعتبار نیفتد و از دسترس خارج نگردد.

البته نباید انتظار داشت گفتمان معنوی انقلاب اسلامی، به سرعت و به درستی در سطح جهان درک و فهمیده شود و چنان‌که در چهل سال گذشته نیز عده بسیاری، به ویژه غربی‌ها، از فهم درست گفتمان انقلاب اسلامی عاجز بوده‌اند، زمان و اهتمام بیشتری برای مفاهیم و گسترش این گفتمان در سطوح بالاتر تاریخی و جغرافیایی نیاز است.

در ادامه با توجه به اهمیت بازتاب گفتمان انقلاب اسلامی در شهرهای هند به بیان آن‌ها می‌پردازیم:

## ۲- بازتاب انقلاب اسلامی در شهر «له»

شهر له در مرز هند و چین قرار دارد. این شهر حدود هشتاد هزار نفر جمعیت دارد که تقریباً ده هزار نفر آن‌ها را شیعیانی تشکیل می‌دهد که اظهار علاقه آن‌ها به انقلاب اسلامی، امام و رهبری عمیق به نظر می‌رسد. در حوزه تأثیرات فرهنگی و تمدنی انقلاب اسلامی به چند نمونه می‌توان اشاره کرد:

## ۲-۱- علاقه به زبان فارسی و رواج آن

مؤلفه زبان در تغییرات فرهنگی و تمدنی بسیار حائز اهمیت است، بلکه از ارکان اصلی فرهنگ و تمدن به شمار می‌رود. در شهر «له» اولاً علاقه به زبان فارسی کاملاً مشهود است و با توجه به آمد و شد مردم به کشور ایران برای یادگیری علوم اسلامی، این علاقه دوچندان شده است. بعضی از آن‌ها کاملاً با زبان فارسی آشنا هستند و سرودهای انقلابی نیز در بین بچه‌های مدارس آن‌ها رواج دارد. سرودها به زبان فارسی و با محتوای انقلابی اجرا می‌شود؛ از جمله سرود «سلام فرمانده» که در شهر «له» و «کارگیل» چند بار به زبان فارسی خوانده شده است. شعارهای انقلابی نیز به زبان فارسی در بین مردم بسیار رواج دارد.

## ۲-۲- لباس و پوشش مردم

در ساختار فرهنگ، پوشش مردم یک دیوار، نشان‌دهنده اعتقادات آن مردم به یک سبک و روش خاص است که برگرفته از آموزه‌های متأثر از یک مکتب یا فرهنگ دیگر ملل است. مردم شهر «له» با وجود اینکه در مرز چین زندگی می‌کنند و پوشش اکثر آن‌ها برگرفته از لباس مردمان قدیم آن دیار است ولی از آنجایی که تحت تأثیر ایران و انقلاب اسلامی آن بوده‌اند، نوعی پوشش اسلامی ایرانی را در بین شیعیان آنجا می‌توان مشاهده کرد.

## ۲-۳- ساخت مرکز آموزشی

در این شهر مدرسه «امامیه میشن» وجود دارد که توسط شخصی به نام سید علی نقی شاه مدیریت می‌شود. وی از دانشجویانی بود که به‌خاطر آشنایی با دانشجویان ایرانی و انقلابی مشغول به تحصیل در بعضی از دانشگاه‌های خارج از ایران، با افکار امام خمینی علیه السلام و اهداف انقلاب اسلامی آشنا شد و تحت تأثیر آن به تأسیس این مرکز آموزشی پرداخت. در دو قسمت آموزشی و پرورشی، تأثیر مستقیم انقلاب اسلامی در این مرکز کاملاً مشهود است.

## ۲-۴- گروه‌های سرود مدرسه

مشکل از بچه‌های محصل که اولاً متن سرودها به زبان فارسی است و ثانیاً اشعار آن دارای محتوای انقلابی است.

## ۲-۵- تشکیل گروه‌های رژه با الهام از بسیج

## ۲-۶- محتوای آموزشی

محتوای دروس آن مدرسه بیشتر و گاهی به‌طور کامل، برگرفته از احکام امام و اندیشمندان انقلاب اسلامی ایران مانند شهید مطهری است.

### ۲-۷- نصب نمادها

نمادهای تمدنی در یک فرهنگ، نمود قبول یک فرهنگ از ناحیه افراد آن جامعه است. در شهر له با توجه به تأثیرات انقلاب ایران، تصویر امام و رهبری در بعضی از خانه‌ها یا مراکز عمومی و حتی در بعضی از مغازه‌های بین راهی نصب شده است. باید این نکته را هم متذکر شد که شعار، نمادی از اعتقاد به یک مسئله و ابراز حمایت یا تنفر از یک جریان است. در این شهر شعارهای مردم در حمایت از انقلاب اسلامی و علاقه به امام و رهبری بسیار دیده می‌شود.

آنچه مهم‌تر به نظر می‌رسد و به‌عنوان یک نماد اجتماعی می‌توان آن را بیان کرد، برپایی مراسم انقلابی و اسلامی مهمی است که در این شهر برگزار می‌شود و مردم با شور و شوق فراوان در آن‌ها شرکت می‌کنند. هر ساله مانند ایران، مراسم بزرگداشت ارتحال امام خمینی علیه السلام، راهپیمایی روز قدس و مراسم گرامیداشت پیروزی انقلاب اسلامی برگزار می‌شود، زنان و مردان در آن شرکت می‌کنند. (کلثوم بانو و دیگران، مصاحبه، ۲۵ مرداد ۴۰۱۱)

### ۳- بازتاب انقلاب اسلامی در شهر «کارگیل»

شهر کارگیل در مرز هند و پاکستان شهری است کوچک با جمعیت ۱۵۰ هزار نفر که بیش از ۹۵ درصد مردم این شهر شیعه هستند. از جمله نکات قابل توجه در این شهر می‌توان به علاقه و ارادت فراوان آنان به انقلاب اسلامی و رهبران آن اشاره کرد.

#### ۳-۱- توجه فراوان به زبان فارسی

با توجه به علاقه مردم کارگیل به انقلاب اسلامی، بسیاری از آنان به زبان فارسی صحبت می‌کنند. بعضی بسیار مسلط هستند و بعضی از آن‌ها آشنا به زبان فارسی هستند. در بین شعارهای متداول آن‌ها شعارهای بسیاری به زبان فارسی دیده می‌شود.

### ۳-۲- نصب نمادها

تمثال امام خمینی علیه السلام و مقام معظم رهبری دامت باریکات در هرکوی و برزن، از محیط‌های خصوصی تا عمومی مثل بعضی از پارک‌ها نصب است. اهتزاز پرچم جمهوری اسلامی در آن دیوار، شعارهای انقلابی، اجرای مراسمات مختلف و بزرگ مثل بزرگداشت ارتحال امام علیه السلام و برگزاری جشن پیروزی انقلاب اسلامی، راهپیمایی‌های مختلف در حمایت از انقلاب بر علیه دشمنان اسلام و برنامه‌های فراوان دیگر، نشان از تأثیر عمیق انقلاب اسلامی و آموزه‌های آن بر مردم این دیار دارد.

### ۳-۳- مؤسسه یادبود امام خمینی رحمته الله علیه

در این شهر یک مؤسسه بزرگ با نام «مؤسسه یادبود امام خمینی» وجود دارد که هم بسیار فعال است و هم حوزه کاری آن بسیار گسترده است. این مؤسسه تأثیر زیادی در انتقال فرهنگ انقلاب اسلامی به مردم کارگیل داشته است. لازم به ذکر است که این مرکز توسط یکی از ارادتمندان به انقلاب اسلامی ایران به نام شیخ حسین ذاکری بعد از ارتحال امام خمینی رحمته الله علیه تأسیس شده است. وی در کارگیل به عنوان «خمینی کارگیل» معروف بوده که متأسفانه حدود ۶ سال از رحلت وی می‌گذرد.

#### ۳-۳-۱- اقدامات مؤسسه

- تأسیس مراکز آموزشی و بهداشتی: از جمله فعالیت‌های این مؤسسه تأسیس ۱۵ مرکز آموزشی است که همه با نام «شهید مطهری» مزین شده‌اند و در آن دانش‌آموزان علاوه بر یادگیری دروس کلاسیک و تحت برنامه دولت هند با افکار و اندیشه‌های امام خمینی رحمته الله علیه و مقام معظم رهبری حفظه الله و همچنین استاد شهید مرتضی مطهری آشنا می‌شوند و آن‌ها را به کار می‌گیرند. اکنون در این مدارس حدود ۵ هزار نفر مشغول به تحصیل هستند که از پایه ابتدایی شروع می‌شود.

- تأسیس حوزه علمیه: در کارگیل حوزه‌های علمیه وجود دارد که برادران و خواهران طلبه در آنجا مشغول به تحصیل هستند.

- دارالقرآن: در این شهر و روستاهای مجاور آن، ۷۰ دارالقرآن توسط مؤسسه یادبود امام خمینی بوجود آمده است که بالای ۱۰۰ نفر روحانی و بعضی از روحانیون محلی در آن فعالیت می‌کنند.

- تشکیل بسیج روحانیون و بسیج امام: با توجه به آموزه‌های انقلاب اسلامی و ابتکار حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در تشکیل بسیج ۲۰ میلیونی، در کارگیل نیز بسیج زیر نظر مؤسسه یادبود امام خمینی تشکیل شده و برای همه مردم کارگیل کار می‌کند.

- تأسیس مرکز بهداشتی و خدماتی باقریه: از نکات قابل توجه در کارگیل که نشان‌دهنده عمق تأثیر انقلاب اسلامی در ایجاد فرهنگ کمک به مظلومین و محرومین است، ایجاد مرکز کمک‌رسانی همه جانبه به درماندگان و بیچارگان آن دیار با نام «باقریه» است. در روزهای تعطیل پزشکان متخصص و عمومی در آنجا جمع می‌شوند و چند صد نفر از بیماران را به‌طور رایگان مداوا می‌کنند. شایان ذکر است که بیماران، دارای مذاهب مختلف هستند و معالجه آنان برای پزشکان تفاوتی ندارد. از فعالیت‌های دیگر این مرکز، ارائه مشاوره و خدمات

رایگان مهندسی و معماری در ساخت منزل برای محرومان است. همه این کارها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی انجام شده است.

- تشکیل زینبیه خواهران: با تشکیل «زینبیه»، خواهران نیز فعالیت‌های مذهبی و انقلابی بسیار منسجمی دارند تا جایی که مراسم‌های فراوانی از طرف آنان تشکیل می‌شود که از باب نمونه به مراسم روز مادر و دختر که مصادف با ولادت حضرت زهرا و حضرت معصومه علیها السلام است می‌توان اشاره کرد. وگرنه قبل از انقلاب اسلامی هیچ پدر و مادری حتی اجازه نمی‌داد دخترشان درس بخواند یا جایی برود ولی الان بیشتر دختران کارگیل در ایران در حال تحصیل‌اند. همه این موارد بعد از پیروز شدن انقلاب اسلامی است. (کلثوم بانو و دیگران، مصاحبه، ۲۵ مرداد ۱۴۰۱)

#### ۴- بازتاب انقلاب اسلامی در سرسی «سَنَبَهَل»

منطقه سرسی در غرب هند قرار دارد. مساحت آن ۲۱۰ کیلومتر است. تعداد کل مردم سرسی ۷۰ هزار نفر است. ۷۲ درصد آن‌ها مسلمانان هستند، ۲۷ درصد کافران، ۰،۵ درصد جین و ۰،۵ درصد باقی مذاهب. ۶۵ درصد مسلمانان شیعه و سید هستند که به همین خاطر، این منطقه به‌نام سرسی سادات شهرت دارد. بنیانگذار این منطقه سید جمال الدین است.



آب و هوای سرسی از ۵،۶ درجه تا ۴۳،۵ درجه متغیر است. اقتصاد سرسی بر کشاورزی استوار است. در آنجا انبه، گندم، شکر، سبزیجات و میوه‌های مختلف کشت می‌شود. دو تا بانک به نام‌های پرتیما بانک و State bank of INDIA در این منطقه قرار دارد. اداره‌های پست نیز در مراد آباد قرار دارد.

#### ۴-۱- وضعیت آموزشی

زبان مردم این منطقه بیشتر هندی است. اگر بخواهیم درباره سطح تحصیلات این منطقه صحبت کنیم، ۷۵ درصد زنان و ۶۷ درصد مردان باسواد هستند. در منطقه «سرسی» علمای بزرگ و شاعران معروف هم از بین بانوان وجود دارد

که در سفر به ایران، خدمت آیت‌الله خامنه‌ای دامنه‌السلام نیز حاضر شدند و در رحلت امام تسلیت گفته‌اند. مثل تهذیب الحسن سرسوی که در کشور آفریقا تبلیغ می‌کردند (پدر بزرگ بنده)، علامه قمر سرسوی، رضا سرسوی شاعر بزرگ منطقه، علامه علی نقی (نقن) که مجتهد بودند و غیره.

مراکز آموزشی این منطقه شامل سه دانشگاه است؛ به‌اسم سادات دگری کالج، SBM و کالج دیگری که کافران و مسلمانان در آنجا با هم تحصیل می‌کنند. در منطقه «سرسی» چون شیعیان زیاد هستند، هر دو دانشگاه در خدمت مسلمانان و شیعیان هستند. حجاب در دانشگاه اجباری نیست و کافران بدون حجاب یا باحجاب در مدرسه شرکت می‌کنند. در بعضی مدارس و دانشگاه‌ها که باید همه شال سفید داشته باشند، به دلیل هماهنگی ظاهری و زیبایی است. اگر کسانی حجاب هم داشته باشند، موهای خود را به یک شکل می‌بافند. در برنامه صبحگاه مدرسه‌ها درباره اعتقادات کافران مطلبی خوانده نمی‌شود، بلکه فقط برای مسلمانان است که گواهی یگانگی خدا و دعایی برای یکتایی خدا می‌خوانند و کافران با آن مشکلی ندارند. در منطقه سرسی پیشرفت مسلمانان و رشد آن‌ها خیلی خوب است.

#### ۴-۲- وضعیت فرهنگی

مراسمات مسلمانان مثلاً عزاداری محرم و سینه‌زنی برگزار می‌شود که کافران زیادی برای دیدن آن‌ها در مراسم شیعیان شرکت می‌کنند. وقتی مراسم یا عزاداری تمام می‌شود، آن‌ها با احترام نذری می‌گیرند و با احترام می‌خورند و اهل سنت هم در عزاداری شرکت می‌کنند ولی سینه نمی‌زنند و فقط نگاه می‌کنند و تعزیه و شبیه که شیعیان درست کرده‌اند را می‌بوسند و خیلی احترام می‌گذارند. خیلی جالب است که سینه نمی‌زنند ولی به امام حسین علیه‌السلام اعتقاد دارند.

در منطقه سرسی مکان‌هایی تاریخی وجود دارد که آنجا مثل حرم امام حسین و حضرت رقیه و امام علی علیه‌السلام و غیره درست کرده‌اند که خیلی از کافران آنجا حاضر شده و زیارت می‌کنند ولی جالب این است که نزدیک آن حرم نمی‌شوند؛ زیرا خود معتقدند که «ما کافریم و این‌ها اهل بیت هستند و خیلی پاک‌اند» ولی نذریهای آماده می‌خورند و آنجا می‌گذارند و دست به آن نمی‌گذارند تا مسلمانان بتوانند بخورند. آن‌ها به مقدسات شیعه‌ها بسیار احترام می‌گذارند.

کافران برای خود مراسم گوناگون دارند. برای هر خدایشان یک مراسم می‌گیرند و مسلمانان هم برای آن‌ها احترام قائل‌اند. آن‌ها برای خدای خودشان هم نذری می‌دهند و آن‌ها را یک وسیله برای پرستش می‌دانند.

آن‌ها به میمون، موش، فیل، گاو و... خیلی احترام می‌گذارند و به همین خاطر کشتن گاو در هند حرام شده است. به فتوای مجتهدین اسلام خوردن گوشت گاو در هند حرام است. حتی در برخی مناطق هند کشتن گاو و مصرف آن غیرقانونی محسوب می‌شود.

آن‌ها به میمون هم خیلی احترام می‌گذارند و به آن‌ها غذا می‌دهند و هر کس با آن‌ها تصادف کند و باعث مرگشان شود، حکومت هند او را زندانی می‌کند. کافرها برای خداهای مخصوص مراسم می‌گیرند و برای همه آن‌ها خوردنی و نوشیدنی مخصوص می‌برند.

کافران مناطق مختلف هند از لحاظ معاشرت و اخلاق متفاوت‌اند؛ یعنی نمی‌توان گفت همه آن‌ها مهربان هستند یا بد هستند. بعضی‌ها خوب هستند و بعضی‌ها هم نسبت به مسلمانان تعصب دارند اما هندوهای منطقه سرسی خیلی خوب و مهربان هستند. آن‌ها خیلی به مسلمانان و مقدسات و مراسماتشان احترام می‌گذارند و این از آثار ترویج اسلام توسط انقلاب ایران است.

از تأثیرات انقلاب اسلامی بین شیعیان این است که الان مراسم سالگرد امام علیه السلام و سالگرد شهید حاج قاسم سلیمانی را پرشور برگزار می‌کنند. در روز قدس مثل مردم ایران راهپیمایی شرکت می‌کنند. مردم در همه ستون‌های خیابان عکس مجتهدین، به خصوص آقای خامنه‌ای دامنه‌ای و امام علیه السلام را نصب می‌کنند و همیشه سخنان امام خمینی علیه السلام دربارهٔ عزاداری بر روی بنرها در همه خیابان‌ها دیده می‌شود.

## ۵- بازتاب انقلاب اسلامی در کشمیر

تأثیر شخصیت امام خمینی علیه السلام و انقلاب اسلامی ایران در کشمیر به‌وضوح قابل مشاهده است. اگرچه انقلاب اسلامی و نهضت امام خمینی علیه السلام در محدودهٔ مرزهای جغرافیایی ایران پیروز شده و موجب سقوط رژیم طاغوتی پهلوی و جایگزینی نظام اسلامی شد اما نفوذ آن فراتر از مرزها بوده و توانست بر مسلمانان و شیعیان کشمیر نیز تأثیرات عمیقی بگذارد. استقلال‌طلبی، آزادی‌خواهی، ظلم‌ستیزی و مبارزه با استبداد، از جمله شعارهای اساسی انقلاب اسلامی ایران بود که همهٔ آزادی‌خواهان را متوجه خود کرد.

### ۵-۱- الگوپذیری از امام خمینی علیه السلام

کشمیر به‌شدت تحت تأثیر انقلاب ایران و بیش از آن متأثر از شخصیت و روش و منش حضرت امام خمینی علیه السلام بوده و هست. مردم کشمیر زمانی که هیچ کشور مستقل شیعه‌ای وجود نداشت و همهٔ کشورها تحت تأثیر شرق و یا غرب بودند، امام خمینی علیه السلام را به‌عنوان الگوی خود انتخاب کردند و با



برگزاری مجالس و محافل دینی و انقلابی، به ترویج فرهنگ انقلاب و شیعه پرداختند. به گفته طلبه‌های کشمیر که با آن‌ها مصاحبه شد، در ابتدا یک روحانی به نام افتخار حسین انصاری امام خمینی را الگوی خود دانست، قبل از آن کسی حق نداشت که خود را شیعه معرفی کند.

زمانی که امام خمینی رحمته الله علیه در نجف اشرف، سلسله دروس و مباحث حکومت اسلامی را ارائه نمودند و با عنوان «ولایت فقیه» تدوین و منتشر گردید، مرحوم آقا سید محمدحسین، نوه دختری آیت‌الله سید یوسف الموسوی از علمای کشمیری مقیم عراق، آن کتاب را از نجف برای مردم کشمیر ارسال نمود.

مردم کشمیر پیش از امام خمینی رحمته الله علیه مقلد آیت‌الله‌العظمی سید محسن حکیم بودند و زمانی که ایشان در سال ۱۳۴۸ شمسی دار فانی را وداع گفتند، آیت‌الله سید یوسف الموسوی، رساله عملیه امام خمینی رحمته الله علیه را به زبان کشمیری با نام «سرمايه نجات» ترجمه نموده و خدمت امام رحمته الله علیه فرستاد و پس از تأیید معظم‌له، آن رساله را منتشر کرده و در دسترس مردم کشمیر قرار دادند. همچنین پس از پیروزی انقلاب اسلامی، خبر این پیروزی بزرگ ملت مسلمان ایران توسط خانواده الموسوی به گوش همه مردم کشمیر رسید و مسلمانان آن خطه نیز مانند ملت ایران، جشن پیروزی برگزار نمودند. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، هیئت‌های سیاسی و مذهبی از سوی امام خمینی رحمته الله علیه به کشمیر اعزام گردید که عموماً مهمان آیت‌الله سید یوسف الموسوی بودند و در بیت ایشان اقامت می‌نمودند؛ از افراد برجسته‌ای که به نمایندگی امام خمینی رحمته الله علیه به کشمیر مسافرت نمودند، رهبر معظم انقلاب آیت‌الله‌العظمی سید علی خامنه‌ای و آیت‌الله محمدرضا مهدوی کنی می‌باشند.

مسلمانان کشمیر همیشه سعی در هماهنگی با سیاست‌های عزت‌طلبانه نظام جمهوری اسلامی داشته‌اند؛ برای مثال زمانی که امام خمینی رحمته الله علیه به دلیل اوضاع نامساعد و رفتار غیرانسانی عربستان، از رفتن حجاج ایرانی به حج مانعت نمودند، مردم کشمیر هم از ایشان متابعت کرده و از رفتن به حج پرهیز نمودند. همچنین در کشمیر برای اولین بار با حکم امام خمینی نماز جمعه برگزار گردید.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، نهضت آزادی‌خواه کشمیر، این انقلاب را برای خود الگو دانسته و علناً افراد برجسته و آزاده، در نشست خبری خود به‌طور واضح اعلام می‌کردند که ما مانند امام خمینی رحمته الله علیه می‌خواهیم انقلاب برپا کنیم. اگر ایشان شاه ستمگر را از سرزمین خود حذف نمود، ما هم می‌خواهیم اشغالگران هند را از سرزمین خود بیرون برانیم. حتی از آن زمان تا امروز شعارهای ورد زبان جوانان کشمیری این است: «لا شرقیه و لا غربیه اسلامیة اسلامیة»، «الله اکبر خمینی رهبر»، «نظام فقط نظام مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم». در

آنجا بسیاری از شعارهای انقلاب اسلامی ایران به چشم می‌خورد و اهالی دره کشمیر به شدت طرفدار انقلاب اسلامی هستند. ایران نیز همواره ظلم و تعدی کشور هند نسبت به مسلمانان این کشور را محکوم کرده است.

### ۵-۲- نصب نمادها

همچنین تأثیر انقلاب اسلامی بر آن‌ها در انتخاب مساجد به‌عنوان پایگاه‌های مبارزه، به‌وضوح قابل مشاهده بوده است. امام خمینی رحمته‌الله‌علیه و انقلاب نورانی ایشان تا این حد بر قلب مردم کشمیر تأثیر گذاشته که در همه خانه‌ها و حسینیه‌های آنان عکس امام خمینی رحمته‌الله‌علیه نصب شده است. این مسئله نظر خبرگزاری‌های غربی را به خود جلب نموده است؛ چنان‌که خبرنگار خبرگزاری بی‌بی‌سی اردو، گزارش داده بود: «در بعضی از خانه‌های کشمیر برق نیست ولی عکس امام خمینی رحمته‌الله‌علیه هست.»

جوانان کشمیری با کتاب‌های امام خمینی رحمته‌الله‌علیه مأنوس‌اند و از بیانات و فرمایشات ایشان استفاده وافر می‌نمایند و در مقالات خود از فرمایشات امام استفاده می‌کنند.

در مجموع، وجود عوامل قوی هم‌گرایی بین ایران و مردم کشمیر، از جمله دین، مذهب، فرهنگ، زبان، جغرافیا و... به‌گونه‌ای نافذ و جاذب از زمینه‌های تأثیرگذاری انقلاب اسلامی بر ساکنان مظلوم کشمیر بوده و هست.

### ۵-۳- انجمن شرعی شیعیان کشمیر

از اثرات ماندگار امام خمینی رحمته‌الله‌علیه و انقلاب اسلامی بر کشمیر، احیای پایگاه‌های دینی و مذهبی و به‌ویژه حوزه‌های علمیه است که امیدآفرین نسل حال و آینده آن‌هاست.

از جمله پایگاه‌های دینی و مذهبی کشمیر، «انجمن شرعی شیعیان کشمیر» است که به توضیح مختصر آن می‌پردازیم:

انجمن شرعی شیعیان یک حزب تاریخی، مذهبی و سیاسی شیعی در کشمیر است که در اغلب بخش‌های علمی، آموزشی، سیاسی و فرهنگی، نقش فعال و مؤثر ایفا می‌کند و در راستای خدمت به مکتب و مردم، شهیدانی هم تقدیم کرده است.

### ۵-۳-۱- نهاد علمی آموزشی انجمن

یکی از بارزترین نهادهای این حزب، نهاد علمی آموزشی «باب‌العلم» است. باب‌العلم اولین و تنها حوزه علمیه‌ای است که طلاب فارغ‌التحصیل آن می‌توانند از دانشگاه کشمیر مدارک عالی رسمی اخذ نمایند. همچنین یکی از

ویژگی‌های این حوزه داشتن ارتباط با «جامعه المصطفی العالمیه» در ایران (قم) می‌باشد.

### ۵-۳-۲- فعالیت‌های باب العلم کشمیر

باب العلم نهاد علمی-آموزشی انجمن شرعی شیعیان، هم اکنون به صورت مرکز علمی شیعیان کشمیر در دره کشمیر، به شرح ذیل فعالیت دارد:

- باب العلم مهد قرآن صبحگاهی
- باب العلم مهد قرآن شامگاهی
- باب العلم مهد کودک کلاسیک
- باب العلم دبستان کلاسیک
- باب العلم دبیرستان کلاسیک
- باب العلم پیش دانشگاهی
- باب العلم کالج زبان شرقی
- حوزه علمیه جامعه باب العلم ویژه برادران
- حوزه علمیه مکتبه الزهراء ویژه خواهران\*

در میان مدارس کلاسیک و حوزوی باب العلم، «حوزه علمیه جامعه باب العلم» عمده‌ترین مرکز آموزشی انجمن می‌باشد که متشکل از حوزه علمیه جامعه باب العلم (ویژه برادران)، حوزه علمیه مکتبه الزهراء (ویژه خواهران)، مدارس ابتدایی صبحگاهی و مدارس ابتدایی شامگاهی در سراسر دره کشمیر می‌باشد.

الحمدالله اساتید برجسته و باتجربه‌ای در این مدارس در حال تدریس هستند. بیشتر اساتید بومی بوده و از فارغ‌التحصیلان حوزه علمیه قم و جامعه الزهراء(س) می‌باشند. شایان ذکر است که تنها ۳۰ استاد خانم و آقا در زمره معلمان حوزه علمیه هستند.

در جامعه باب العلم ۱۵۰ طلبه مرد و در مکتب الزهراء ۷۰ طلبه زن، مشغول تحصیل علم و تزکیه نفس هستند و اکثر این طلاب از امکانات خوابگاهی استفاده می‌کنند.

جای شگفتی است که مردم کشمیر به گونه‌ای عاشق اهل بیت علیهم‌السلام هستند که با کمترین حقوق، کار دینی و تبلیغی انجام می‌دهند. حدوداً ۵۰ نفر کارمند شبانه‌روزی مشغول خدمت به این مرکز علمی-حوزوی هستند. ترویج علم و تبلیغ دین برای انجمن شرعی شیعیان محور اصلی محسوب می‌شود.

\* مصاحبه‌شوندگان در این مدرسه درس خوانده‌اند.

علاوه بر این، شعبه قضایی، شعبه سیاست، شعبه رفاه عامه و غیره نیز فعال می‌باشد. قابل ذکر است که ماهیانه ده‌ها مسئله از قبیل ازدواج، طلاق، میراث، دعوی، ادای دین و غیره در این مرکز حوزوی حل و فصل می‌شود و تمامی مسائلی که توسط این شعبه حل و فصل شود، دادگاه رسمی کشمیر هم آن را به رسمیت می‌شناسد.

#### ۵-۴- نشر مذهب شیعه در کشمیر توسط مجلات

مجله الارشاد که تنها مجله اسلامی در کشمیر است، بین همه مسلمانان در تمام کشمیر پخش می‌شود. نویسندگان این مجله از یک قشر نبوده و علاوه بر مقالات علمی، مسائل روز نیز در آن گنجانده می‌شود ولی به جهت کمبود وسایل و امکانات، از میزان نشر آن در حال حاضر کاسته شده است.

امید است به برکت بیداری دینی و اسلامی و انقلاب اسلامی، شاهد میراث هر چه بیشتر امام خمینی رحمته الله علیه در کشورهای اسلامی باشیم و روزی فرا رسد که کشمیر به‌عنوان پایگاه اسلامی و شیعی و اسلام ناب محمدی در شبه قاره هند، نقش تاریخی خود را ایفا کند. (روزبه بانو و دیگران، مصاحبه، ۲۷ مرداد ۱۴۰۱)

#### نتیجه

تفکر انقلابی امام خمینی رحمته الله علیه برگرفته از تعالیم راستین اسلامی که منجر به پیروزی انقلاب اسلامی در ایران گردید، باعث پیدایش موجی از بیداری مبتنی بر اسلام ناب محمدی صلوات الله علیه و تفکر آزادی‌خواهی، عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی در سراسر گیتی گردید. این موج که همراه با امید و نگاه امیدوارانه به آینده بوده و هست، در جوامع تحت ستم و به‌اصطلاح جهان سوم، چشمگیرتر و در میان ملل اسلامی پویاتر و فزون‌تر می‌باشد. امروزه بیداری اسلامی که در کشورهای مختلف اسلامی شاهد آن هستیم، نتیجه این حرکت عظیم الهی و نورانی است.

از خطه‌های اسلامی که به‌خوبی می‌توان این تأثیر را در آن مشاهده کرد، بعضی از شهرهای هند هستند که در این مقاله به آن اشاره شده است. مثلاً به‌گفته یکی از طلاب اهل کارگیل المصطفی، خانم نرگس هاشمی که الان در ایران در حال تحصیل‌اند، قبل از انقلاب اسلامی دخترها اصلاً حق نداشتند از خانه بیرون بروند و درس بخوانند ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و رفتن مرحوم شیخ ذاکری از اینجا، تعداد زیادی در ایران و در جاهای مختلف درس می‌خوانند. الان در بیشتر جاهای هند بوی ولایت فقیه و انقلاب ایران استشمام می‌شود؛ الگوپذیری از اخلاق و منش ایشان، علاقه مردم به زبان فارسی، اجرای سرود در مناسبت‌های گوناگون به زبان فارسی، تسلط کامل بعضی از مردم کارگیل به زبان فارسی، راهپیمایی مردم در روز قدس، نصب نمادها

و عکس امام خمینی رحمته الله علیه و امام خامنه‌ای دامنه الله و سایر مجتهدین در خانه‌ها و ستون‌های شهرها.

### منابع

۱. دلک‌آبادی، طاهره، ۱۴۰۰، بررسی سبک زندگی دینی، اولین کنفرانس بین‌المللی سیمای پیامبر اکرم (ص)، تهران.
۲. روزیه بانو، یاسمین بانو، رومینه شاه و سکینه بانو، دانشجوی (اهل کشمیر) مدرسه عالی بنت المصطفی، مصاحبه، ۲۷ مرداد ۱۴۰۱.
۳. فاضل قانع، حمید، ۱۳۹۱، نقش و جایگاه سبک زندگی در فرآیند شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، مجموعه مقالات پانزدهمین جشنواره بین‌المللی پژوهشی شیخ طوسی، قم، مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی.
۴. قربانخانی، سمیرا؛ محسنی، طاهره، ۱۳۹۹، تحلیل گفتمان قرآنی در تبیین شاخصه‌های اصلی ارتباط موثر، مطالعات سبک شناختی قرآن کریم، دوره ۴، شماره ۷.
۵. کلثوم بانو، خیرالنسا، نرگس ناصری، آسیا بانو و نرگس هاشمی، دانشجوی مدرسه عالی بنت المصطفی، مصاحبه، ۲۵ مرداد ۱۴۰۱.
۶. محمدی، محسن؛ مهدوی، غلامرضا، ۱۳۹۷، تحلیل و بررسی اثرگذاری انقلاب اسلامی بر شیعیان هند، شماره ۲۳.

- [www.imam-khomeini.ir](http://www.imam-khomeini.ir)

## تسلیم همگانی در حکومت مهدوی

از دیدگاه مفسران فریقین و روایات (با محوریت آیه ۸۳ سوره آل عمران)

آزاده ابراهیمی فخاری\*

طلبه سطح ۴ تفسیر تطبیقی - مدرس گروه علوم قرآن. مدرسه عالی بنت المصطفی

### چکیده

در آیه ۸۳ سوره آل عمران، از یک تسلیم همگانی و محض در برابر خداوند سخن به میان آمده است. درک مصداق و موقعیت این امر برای ارائه تفسیر صحیح از این آیه شریفه و رسیدن به مراد خداوند ضروری می‌نماید. تفاسیر فریقین غالباً مصداق زمانی و مکانی برای این امر مطرح ننموده‌اند. تنها فخررازی از «یوم الميثاق» به‌عنوان یکی از وجوه اشاره می‌نماید. از طرف دیگر، روایات زیادی وجود دارد که بر فراگیری حکومت حضرت مهدی علیه السلام تأکید کرده است. تعدادی از این روایات ذیل آیه مورد بحث بیان شده است. در بعضی از این روایات، معصوم علیه السلام مصداق «لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا» را بعد از ظهور حضرت قائم علیه السلام و در حکومت مهدوی دانسته‌اند. با توجه به گونه‌شناسی این روایات که در زمره روایات «تأویل مصداقی» قرار می‌گیرد، نه تنها تناقضی بین مصداق قرار گرفتن تسلیم همگانی در حکومت مهدوی طبق این احادیث و نظرات مفسران وجود ندارد، بلکه قابل جمع و مکمل یکدیگر است.

**کلیدواژه:** تسلیم همگانی، مفسران فریقین، حکومت مهدوی، آیه ۸۳ سوره آل عمران

### مقدمه

از مختصات حکومت مهدوی که در روایات به آن اشاره شده، تسلیم همگانی در برابر دین مبین اسلام است که شامل معتقدان به همه ادیان دیگر و تمامی فرق مسلمان و حتی افراد بی‌دین می‌شود. آیه ۸۳ آل عمران نیز به تسلیم همگانی در برابر دین خدا اشاره دارد که یا به‌صورت اختیاری تحقق می‌پذیرد یا اینکه با اجبار و اکراه به‌سمت آن گرایش پیدا می‌کنند.

«أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْعُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ

يُرْجَعُونَ؛ آیا کافران، دینی غیر دین خدا را می‌طلبند؟ و حال آنکه هر که در آسمان‌ها و زمین است، خواه ناخواه مطیع امر خداست و همه به‌سوی او رجوع خواهند کرد.»

حال این سوال مطرح می‌شود که با توجه به روایاتی که حکومت امام زمان عجله الله تعالی فرجه را به‌عنوان یکی از مصادیق این آیه شریفه مطرح نموده است، دیدگاه مفسران فریقین در مصداق‌یابی تسلیم همگانی ذیل این آیه چیست؟

در این تحقیق ابتدا دیدگاه مفسران ذیل آیه شریفه مطرح و سپس به بیان تعدادی از روایات مربوط به تسلیم همگانی در حکومت مهدوی پرداخته می‌شود و سپس با تطبیق بین این نظرات و روایات نتیجه‌گیری انجام می‌گردد.

### پیشینه

در خصوص ارتباط آیه ۸۳ سوره آل عمران با مصادیق تسلیم همگانی در روایات مقاله‌ای یافت نشد اما مقاله‌ای با عنوان کلی «جهانی شدن و فرهنگ مهدویت از دیدگاه آیات قرآن کریم و روایات اسلامی» نوشته «حسین خنیفر، جواد زروندی و نفیسه زروندی» و مقاله‌ای با عنوان «مهدویت و جهانی شدن» نوشته «غلامرضا بهروزلک» وجود دارد که با نگاه کلی به آیات و روایات به این مسئله پرداخته است. در این تحقیق به‌نحو متمرکز به بررسی تطابق این آیه شریفه با روایات مهدویت پرداخته می‌شود.

### مفسران فریقین و تسلیم همگانی ذیل آیه ۸۳ سوره آل عمران

تفسیر نمونه مصداق تسلیم همگانی در این آیه شریفه را به زمان خاصی منحصر نمی‌داند و آن را برای همه زمان‌ها و درباره همه موجودات مطرح می‌نماید. نویسنده این کتاب از آنجا که آیات قبل مربوط به ادیان گذشته است، خطاب این آیه را متوجه اهل کتاب و پیروان ادیان گذشته می‌داند. بعد می‌نویسد تمام کسانی که در آسمان و زمین‌اند و تمام موجوداتی که در آن‌ها وجود دارند، مسلمان‌اند؛ یعنی در برابر فرمان او تسلیم‌اند، با این تفاوت که گروهی از روی اختیار (طوعاً) در برابر «قوانین تشریحی» او و گروهی بی‌اختیار (کرها) در برابر «قوانین تکوین» او سر تسلیم فرود می‌آورند. (مکارم، ۱۳۷۴، ج ۲: ۶۴۳)

علامه نیز بر همین عقیده است و مصداق خاصی را برای تسلیم همگانی مشخص نمی‌نماید، با این تفاوت که قبول این تسلیم را اگر با رضا و رغبت باشد، انقیاد طوعی می‌داند لکن اگر نسبت به آنچه خدا می‌خواهد، کراهت داشته باشند و غیر آن را بخواهند (مانند موت و فقر و...) امر، امر اوست و امر خود را به کره جاری می‌فرماید. (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۳: ۳۳۶)

طبرسی که معمولاً در جمع‌آوری آراء کوشیده است، مصادیق تسلیم را در موارد ذیل بیان می‌دارد:

- ۱- هر کس در زمین و آسمان‌هاست با حالت ناطقه خود تسلیم شد. (از ابن عباس)
  - ۲- اقرار به عبودیت کردند گرچه در میان آن‌ها مشرک هم بوده است. (از مجاهد و ابی‌العالیه)
  - ۳- مؤمن طوعاً و اختیاراً تسلیم شد و کافر کرهاً و اجباراً در موقع مرگ تسلیم میشود. (از قتاده و بلخی نیز آن را اختیار کرده است.)
  - ۴- با انقیاد اطاعت و ذکر خدا تسلیم او شده‌اند؛ یعنی تسلیم ایشان همان انقیاد و ذکر حق است. (از جبائی و شعبی و زجاج)
  - ۵- اقوامی با اکراه مسلمان شدند و اقوامی دیگر با رغبت (از حسن) و مروی از امام ششم علیه السلام و امام فرمود: کرهاً یعنی با شمشیر.
  - ۶- حسن و مفضل گویند: طوع و رغبت فقط مال اهل آسمان‌هاست ولی اهل زمین بعضی طوعاً و بعضی کرهاً اسلام آورده‌اند. (طبرسی، ۱۳۷۲، ج ۲: ۷۸۷)
- قول اصح نزد فخررازی این است که از آنجا که ما سوی الله ممکن الذات هستیم، در وجود و عدمشان خاضع و منقاد خداوندند. وی در اتخاذ این رأی اشاره‌ای به وجه «کرها» نمی‌نماید، در حالی که با قبول این قول توجیهی بر تسلیم از روی اکراه باقی نخواهد ماند.

اما رازی درباره این قسمت از آیه شریفه وجوه دیگری را نیز مطرح نموده است:

- ۱- مسلمانان شایسته در آنچه مربوط به دین است، از روی رغبت تسلیم می‌شوند اما به آنچه مخالف طبعشان است، با اکراه و اجبار گردن می‌نهند. لکن کافران در همه حالات از روی اجبار تسلیم امر خداوند می‌شوند.
  - ۲- مسلمانان از روی رغبت و کافران با اکراه هنگام مرگ.
  - ۳- همه مخلوقات از روی میل نسبت به الوهیت خداوند تسلیم هستند اما تکالیف و مکروهات را از روی اجبار می‌پذیرند.
  - ۴- تسلیم همگانی مربوط به یوم الميثاق است.
  - ۵- میل و رغبت مربوط به اهل آسمان است اما در زمین بعضی به طوع و برخی به اکراه تسلیم می‌گردند. (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۸: ۲۸۰)
- در بعضی از تفاسیر آمده است که او کسی است که همه بر امر او انقیاد می‌ورزند یا از روی رغبت یا از روی کراهت، حتی ملائکه و اجنه... مانند اول اسلام که عده‌ای با کراهت به اسلام گرویدند. (بلاغی نجفی، ۱۴۲۰ق، ج ۱: ۳۰۷؛ بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۲۶)



آلوسی معتقد است که اسلام از روی اطاعت یعنی اسلامی که با استدلال باشد مانند انسان‌ها و اسلام از روی اجبار یعنی اسلام بدون استدلال مثل ملائکه. (آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۰۵)

بنابراین مشخص می‌شود که از بین تفاسیر مطرح شده، به جز «یوم الميثاق» که به‌عنوان یکی از وجوه مطرح در تفسیر کبیر ذکر شد، بقیه موارد زمان مشخص و مصداق مشخصی برای نمود این انقیاد کلی، بیان ننموده و فقط به‌وجه کلی برای همه موجودات، تسلیم الهی را ترسیم کرده‌اند.

بعضی از تفاسیر روایی بعد از مطرح کردن تعدادی از اقوال فوق الذکر، یکی از مصادیق تسلیم همگانی را با توجه به روایات، مربوط به زمان قیام مهدی عج می‌داند. (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۶۴۹؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۶۴۹) که در بخش بعدی به ذکر روایات آن می‌پردازیم.

### تسلیم همگانی در حکومت مهدوی از منظر روایات

تعداد زیادی از احادیث اسلامی بر فراگیری حکومت حضرت مهدی عج تأکید کرده است که در ذیل به بیان تعدادی از آن‌ها می‌پردازیم.

پیامبر اکرم ص فرمود: «... یبایع له الناس بین الرکن و المقام، یرد الله به الدین و یفتح له فتوحا، فلا یبقی علی وجه الارض الا من یقول: لا اله الا الله؛ (مقدسی شافعی، ۱۴۲۴ق: ۳۲) مردم در میانه رکن و مقام [با مهدی عج] بیعت می‌کنند، خداوند به‌واسطه او، دین را برمی‌گرداند و پیروزی‌هایی برای او به وجود می‌آورد تا بدان‌جا که هیچ کس بر زمین باقی نمی‌ماند، مگر آنکه «لا اله الا الله» را می‌گوید.» عَنْ رُفَاعَةَ بْنِ مُوسَى، قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَام) يَقُولُ: وَ لَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا. قَالَ: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عَلَيْهِ السَّلَام) لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ؛ زمانی که قائم عج قیام کند، تمام سرزمین‌ها شهادت «لا اله الا الله و محمد رسول الله» سر خواهند داد.» (عیاشی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۸۳؛ بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۶۵۰)

«عَنْ ابْنِ بَكِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْجَسَنِ عَ عَنْ قَوْلِهِ وَ لَهُ أُسْلِمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا قَالَ أَنْزَلْتُ فِي الْقَائِمِ عَ إِذَا خَرَجَ بِالْيَهُودِ وَ النَّصَارَى وَ الصَّابِيِّينَ وَ الزَّنَادِقَةَ وَ أَهْلَ الرِّدَّةِ وَ الْكُفَّارِ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَعَرَضَ عَلَيْهِمُ الْإِسْلَامَ فَمَنْ أُسْلِمَ طَوْعًا أَمَرَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ مَا يُؤْمَرُ بِهِ الْمُسْلِمُ وَ يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ وَ مِنْ لَمْ يُسْلِمَ ضَرَبَ عُنُقَهُ حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْمَشَارِقِ وَ الْمَغَارِبِ أَحَدٌ إِلَّا وَجَدَ اللَّهُ قَلْبَ لَهُ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ الْخَلْقَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَ إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَرَادَ أَمْرًا قَلِلَ الْكَثِيرَ وَ كَثُرَ الْقَلِيلُ؛ (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۱: ۲۹۶) وقتی

خروج نماید حضرت قائم علیه السلام به یهود و نصاری و بت پرستان و زنادقه و اهل رده و کفار در شرق و غرب زمین، پس اسلام را بر ایشان عرضه فرماید. پس هر که اسلام آورد به طوع، امر فرماید او را به نماز و زکات و آنچه یک مسلمان به آن امر شده و خدا بر او واجب فرموده و هر که اسلام نیابد، گردنش را زند تا آنکه باقی نماند در مشارق و مغارب هیچ کس مگر به خدا موحد شود.»

عن رفاعه بن موسی، قال: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ: وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا. قَالَ: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ (عليه السلام) لَا تَبْقَى أَرْضٌ إِلَّا نُودِيَ فِيهَا بِشَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَ أَنِّي مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ». وَ هُوَ قَوْلُهُ تَعَالَى (وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعًا وَ كَرْهًا) وَ لَا يَقْبَلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الْجَزِيَّةَ كَمَا قَبِلَهَا رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ (وَ قَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً وَ يَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ)؛ (همان) هنگامی که قائم قیام نماید هیچ زمینی نخواهد ماند، مگر آنکه در آن ندای شهادتین (اشهد أن لا إله إلا الله و أن محمد رسول الله) سر داده خواهد شد.

روایات بسیاری ذیل آیه ۳۳ سوره مبارکه توبه مطرح گردیده است. «لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ» یعنی در زمان ظهور هیچ کافر و مشرکی باقی نمی ماند و همه تسلیم فرمان قائم آل محمد علیهم السلام خواهند شد.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: «أَمَّا تُحِبُّونَ أَنْ يُظْهِرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى الْحَقَّ وَ الْعَدْلَ فِي الْبِلَادِ وَ يَجْمَعَ اللَّهُ الْكَلِمَةَ وَ يُؤَلِّفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبٍ مُخْتَلَفَةٍ وَ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ فِي أَرْضِهِ؟!» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲: ۱۴۰) آیا دوست ندارید که خداوند متعال حق و عدالت را در همه سرزمین ها آشکار گرداند و وحدت کلمه (عقیده) به وجود آورد و بین دل های جدا و پراکنده الفت برقرار نماید و هیچ کس خداوند را در زمینش نافرمانی نکند؟!»

با ظهور حضرت بقیه الله علیه السلام ادیان و مذاهب ساختگی و منحرف همگی از بین می روند و مردمان بر محور دین حق - اسلام - اتفاق عقیده پیدا می کنند. خدای متعال فرموده است: «هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَ دِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ»؛ (برائت / ۳۳) اوست آنکه فرستاده خود را با هدایت و دین حق فرستاد تا او را بر تمامی دین ها چیره گرداند هر چند که مشرکان را خوش نیاید.»

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام در تفسیر قسمت اول آیه چنین فرمودند: «هُوَ الَّذِي أَمَرَ رَسُولَهُ بِالْوِلَايَةِ لِوَصِيِّهِ وَ الْوِلَايَةُ هِيَ دِينُ الْحَقِّ؛ اوست آنکه فرستاده خود را به ولایت وصی خویش فرمان داد و ولایت همان دین حق است.»

و در توضیح ادامه آن اضافه کردند: «يُظْهِرُهُ عَلَى جَمِيعِ الْأَدْيَانِ عِنْدَ قِيَامِ

القائم (علیه السلام)؛ (همان، ج ۲: ۴۱۴) غلبه بر همه ادیان هنگام قیام قائم اتفاق می افتد.»

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ السَّعْدِ أَبَادِي عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمَزَةَ عَنْ أَبِي بصير قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَقَالَ وَاللَّهِ مَا نَزَلَ تَأْوِيلُهَا يَعْدُ وَلَا يَنْزِلُ تَأْوِيلُهَا حَتَّىٰ يَخْرُجَ الْقَائِمُ ع فَإِذَا خَرَجَ الْقَائِمُ ع لَمْ يَبْقَ كَافِرٌ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَلَا مُشْرِكٌ بِالْإِمَامِ إِلَّا كِبْرَهُ خُرُوجَهُ حَتَّىٰ أَنْ لَوْ كَانَ كَافِرًا أَوْ مُشْرِكًا فِي بَطْنِ صَخْرَةٍ لَقَالَتْ يَا مُؤْمِنٌ فِي بَطْنِي كَافِرٌ فَكَاسَرْنِي وَاقْتَلَهُ؛ (ابن بابويه، ۱۳۹۵، ج ۲: ۶۷۰) به خدا سوگند که هنوز تأویل این آیه نازل نشده است و نازل نخواهد شد تا آنکه قائم علیه السلام قیام کند. پس هرگاه که قائم قیام کند، کافر به خدای بزرگ و مشرک به امام علیه السلام باقی نمی ماند، مگر اینکه قیام او را ناخوش دارد، تا آنکه اگر کافر یا مشرکی در دل صخره پنهان شده باشد، آن صخره ندا برمی آورد که: ای مؤمن، اندرون من کافری است. مرا خرد کن و آن کافر را به قتل برسان.

حضرت عیسی علیه السلام نیز پشت سر ایشان نماز می گذارد: «حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَسْرُورٍ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ عَامِرٍ عَنِ الْمُعَلَّى بْنِ مُحَمَّدِ الْبَصْرِيِّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ الْحَكَمِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعِيدِ بْنِ جُبَيْرٍ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبَّاسٍ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ خُلَفَائِي وَ أَوْصِيَائِي وَ حُجَّجَ اللَّهُ عَلَى الْخَلْقِ بَعْدِي اثْنَا عَشَرَ أُوْلَاهُمْ أَحْيَىٰ وَ آخِرُهُمْ وَ لَدِي قَيْلٍ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَ مَنْ أَخْوَكُ قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ قَيْلٍ فَمَنْ وَ لَدَكَ قَالَ الْمَهْدِيُّ الَّذِي يَمْلُؤُهَا قَسِطًا وَ عَدْلًا كَمَا مَلَأْتِ جَبْرًا وَ ظَلَمًا وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّىٰ يَخْرُجَ فِيهِ وَ لَدِي الْمَهْدِيُّ فَيَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عَيْسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ فَيُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَ تَشْرِقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانَهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛ (ابن بابويه، ۱۳۹۵، ج ۱: ۲۸۰) به راستی خلفاء من و اوصیاء من و حجج خدا بر خلق بعد از من دوازده کس اند، اولشان برادر من است و آخرشان پسر من. عرض شد: یا رسول الله، برادرت کیست؟ فرمود: علی بن ابی طالب. عرض شد: پسر من کیست؟ فرمود: مهدی، آن کسی که زمین را پر از عدل و داد کند؛ چنان که پر از جور و ظلم شده است. قسم به آن که مرا به حق بشیر مبعوث کرده، اگر از دنیا جز یک روز نمانده باشد، هر آینه خدا این یک روز را طولانی کند تا آنکه فرزندم مهدی ظهور کند و روح الله عیسی بن مریم فرود آید و پشت سرش نماز بخواند و زمین به نورش روشن گردد و حکومتش به مشرق و مغرب برسد.

مسلم است که وقتی پیامبر قومی به کسی اقتدا کند، تکلیف افراد آن قوم روشن است. امام باقر علیه السلام درباره وقایع بعد از ظهور و ایمان ادیان دیگر به آن حضرت می‌فرمایند: «فلا یبقی یهودی ولا نصرانی ولا أحد ممن یعبد غیر الله إلا آمن به وصدقہ، وتكون الملة واحدة، ملة الاسلام، وکلما کان فی الارض من معبود سوی الله فینزل علیه ناراً فیحرقه؛ دیگر یهودی و مسیحی یافت نمی‌شود، جز اینکه به او و قیام جهانی‌اش ایمان می‌آورند و او را تصدیق می‌کنند و همه یک ملت واحد می‌شوند که همان اسلام است و هر کس در زمین معبودی غیر از خداوند داشته باشد در آتش می‌سوزد.» (کوران‌العالمی، ۱۴۲۸ق، ج ۵: ۱۷۶)

روایات در این باب بسیار است لکن برای رعایت اختصار در اینجا به همین مقدار بسنده می‌کنیم.

### تطبیق روایات مهدویت و دیدگاه مفسران

به نظر می‌رسد که مصادیق مطرح شده در کتب تفسیر فریقین با روایات بیان شده در قسمت قبل، قابل جمع است. بدین صورت که باید گفت روایات فوق‌الذکر به لحاظ گونه‌شناسی در زمره احادیث «تأویل مصداقی»<sup>\*</sup> قرار می‌گیرند. یعنی معصوم علیه السلام در مقام بیان یکی از مصادیق تسلیم همگانی بوده‌اند، بنابراین مفسرانی که به بیان مصداق نپرداخته‌اند، تسلیم همگانی را به‌نحو کلی بیان کرده‌اند و زمان مشخصی برای آن لحاظ ننموده‌اند و درباره اکراه و رغبت نیز وجوه مختلفی را در نظر گرفته‌اند و فخررازی نیز «یوم الميثاق» در عالم ذر را به‌عنوان یکی از مصادیق مطرح می‌کند.

پس می‌توان گفت که بین نظرات مفسران فریقین با روایاتی که در صدد بیان یکی از مصادیق تسلیم همگانی هستند، نه‌تنها مغایرتی وجود ندارد، بلکه قابل جمع هستند و مفسران با استفاده از این روایات می‌توانند تفسیر کاملتری از آیات ارائه دهند. بنابراین سیطره وحدانیت و تسلیم در برابر خداوند در حکومت مهدوی را می‌توان به‌عنوان یکی از مصادیق بارز در آیه ۸۳ سوره آل عمران بیان نمود.

### نتیجه

«أَفَغَيْرَ دِينِ اللَّهِ يَبْتَغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ» (آل عمران / ۸۳)

\*. روایات تأویل مصداقی، روایات تفسیری غیر مستقیمی هستند که هر چند به‌طور مستقیم به تفسیر نپرداخته‌اند اما مطالبی در آن‌ها بیان شده که می‌توان از آن‌ها نتایج تفسیری گرفت و در تفسیر مورد بهره‌برداری قرار داد. مفسر از روایات تطبیقی استفاده می‌کند و بر اساس آن مصادیق، مراد آیه را بهتر می‌فهمد. (قمرزاده، ۱۳۹۷: ۵۴)

این آیه شریفه به تسلیم محض در همه کائنات اشاره دارد. غالب تفاسیر فریقین مصداق خاصی برای این تسلیم همگانی در زمان و مکان مشخص مطرح نموده‌اند و آن را به صورت کلی و با وجوه مختلفی از رغبت و اکراه بیان داشته‌اند. تنها فخر رازی در مفاتیح الغیب «یوم الميثاق» را به عنوان یکی از وجوه آورده است. بعضی از تفاسیر روایی نیز بعد از مطرح کردن تعدادی از اقوال فوق‌الذکر، یکی از مصادیق تسلیم همگانی را با توجه به روایات، مربوط به زمان قیام مهدی علیه السلام می‌داند.

تعداد زیادی از احادیث اسلامی بر فراگیری حکومت حضرت مهدی علیه السلام بر همه ادیان و همه جهانیان تأکید کرده که تعدادی از آن‌ها ذیل آیه مورد بحث مطرح شده است.

می‌توان گفت که بین نظرات مفسران فریقین با روایاتی که در صدد بیان یکی از مصادیق تسلیم همگانی هستند، نه تنها مغایرتی وجود ندارد، بلکه قابل جمع هستند و سیطره وحدانیت و تسلیم در برابر خداوند در حکومت مهدوی را می‌توان به عنوان یکی از مصادیق بارز در آیه ۸۳ سوره آل عمران بیان نمود.

## منابع

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، ۱۳۹۵، کمال الدین و تمام النعمه، تهران، اسلامیه.
۲. آلوسی، سید محمود، ۱۴۱۵ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳. بحرانی، سید هاشم، ۱۴۱۶ق، البرهان فی تفسیر القرآن، بنیاد بعثت، تهران.
۴. بلاغی نجفی، محمد جواد، ۱۴۲۰ق، آلاء الرحمن فی تفسیر القرآن، قم، بنیاد بعثت.
۵. بیضاوی، عبد الله بن عمر، ۱۴۱۸ق، انوار التنزیل و اسرار تأویل، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۶. طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷ق، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۷۲، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، چاپ سوم، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۸. عروسی حویزی، عبد العلی بن جمعه، ۱۴۱۵ق، نور الثقلین، قم، اسماعیلیان.
۹. عیاشی، محمد بن مسعود، ۱۳۸۰، تفسیر عیاشی، تهران، المطبعه العلمیه.
۱۰. فخر رازی، ابو عبدالله محمد عمر، ۱۴۲۰ق، مفاتیح الغیب، چاپ سوم، بیروت،

دار احیاء التراث العربی.

۱۱. قمرزاده، محسن و همکاران، ۱۳۹۷، تحلیل نظریه‌ها در کارکرد روایات تفسیری بر محور گونه‌شناسی روایات نورالثقلین، فصلنامه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۴.

۲۱. الکورانی العاملی، شیخ علی، ۱۴۲۸ق.، معجم احادیث امام مهدی علیه السلام، قم، مسجد مقدس جمکران.

۱۳. مقدس شافعی، یوسف بن یحیی، ۱۴۲۴ق.، عقد الدرر، قم، مسجد مقدس جمکران.

۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۴، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.



## عوامل دنیاگرایی از منظر آیات قرآن کریم و عواقب آن در سبک زندگی فردی

سلیمه احمدی\*

دانش‌آموخته کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن. مدرسه عالی بنت المصطفی

### چکیده

مقوله دنیا و دنیاگرایی و مفاهیمی همچون حب دنیا و دل بستگی یا بیزارگی از مظاهر حیات دنیوی و تأثیر دنیاگرایی بر سبک زندگی فردی و اجتماعی، همواره دغدغه انسان و جامعه اسلامی و نیز مورد توجه آیات و روایات و سیره و سنت معصومین (علیهم‌السلام) بوده است. بنابراین کشف مرزبندی‌ها و دیدگاه‌های دقیق قرآن درباره دنیاگرایی و نقش آن بر سبک زندگی فردی اهمیت می‌یابد و از طرفی، شناخت ابعاد مثبت دنیاگرایی اعتدالی و آثار منفی دنیاگرایی می‌تواند رهنمودهای ارزشمندی در جهت اصلاح امور فردی و به تبع آن جامعه اسلامی و قرار گرفتن در مسیر آموزه‌های کتاب و سنت ارائه نماید. لذا بر هر فردی که طالب زندگی طیب و طاهری است که دنیاگرایی منفی در آن نقشی نداشته باشد، لازم است زیر لوای دین اسلام و در سایه دستورات کتاب قرآن، روح و جان خود را صیقل داده، رنگ الهی به زندگی فردی خود ببخشد و از دنیا و مظاهر آن دوری گزیند. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی درصدد است که «دنیاگرایی و نقش و تأثیر آن بر سبک زندگی فردی» را به رشته تحریر درآورده و با تبیین دقیق دنیا و دنیاگرایی و ذکر آیات و روایات مربوطه، علل و عوامل دنیاگرایی و میل انسان به دنیا و پیامدهای دنیاگرایی در حوزه فردی را بررسی نماید. عوامل دنیاگرایی را میتوان لذت‌طلبی، حرص و طمع و غفلت از خداوند یافت و عواقب دنیاگرایی بر سبک زندگی فردی را غفلت از یاد خدا و حقیقت، خیانت به خدا و رسولش، اهمال در انجام تکالیف دینی، دین‌فروشی، لغزش و انحراف و ارتکاب به گناهان دانست.

**کلیدواژه:** دنیا، دنیاگرایی، قرآن کریم، سبک زندگی فردی

### مقدمه

قرآن کتابی است که در تمام ابعاد زندگی، برای افراد بشر برنامه و دستورالعمل‌هایی دارد که با عمل به آن، افراد جامعه از مطلوب‌ترین حد کیفیت زندگی در جنبه‌های ظاهری و باطنی برخوردار خواهند شد. حتی



افرادی که مدعی‌اند بدون قرآن زندگی کاملی دارند، اگر صادقانه در مورد زندگی‌شان به قضاوت بنشینند، قطعاً حتی به اندازه روزنه‌ای در زندگی خود احساس خلأ خواهند کرد که این خلأ جز با بکارگیری و بهره‌گیری از عالی‌ترین و کامل‌ترین منبع که قرآن است پر نخواهد شد و یقیناً آرامشی که در زندگی فردی به سبک قرآنی وجود دارد، هرگز با آرامشی که در زندگی این‌گونه افراد وجود دارد، برابر نخواهد بود؛ چنان‌که در آیات مختلف قرآن به این مورد اشاره شده است؛ مثل آیه ۱۶ سوره مبارکه رعد که می‌فرماید: «بگو آیا بینا و نابینا یکسان‌اند؟! یا ظلمت با نور برابرند!».

مقوله دنیا و دنیاگرایی و مفاهیمی همچون حب دنیا و دلبستگی یا بیزاری از مظاهر حیات دنیوی همواره دغدغه انسان و جامعه اسلامی و نیز مورد توجه آیات و سیره و سنت معصومین (علیهم‌السلام) بوده است. بنابراین کشف مرزبندی‌ها و دیدگاه‌های دقیق قرآن درباره محدوده گرایش و توجه به دنیا اهمیت می‌یابد و از طرفی، شناخت ابعاد و آثار مثبت دنیاگرایی اعتدالی و آثار منفی دنیاگرایی می‌تواند رهنمودهای ارزشمندی در جهت اصلاح امور زندگی فردی و قرار گرفتن در مسیر آموزه‌های قرآن کریم ارائه نماید.

از اهداف قرآن کریم، تعلیم سبک زندگی صحیح است؛ به‌گونه‌ای که می‌توان با شناسایی ارزش‌ها و هنجارها و ضد آن‌ها که در آیات قرآن به آن‌ها اشاره شده است، این سبک را شناسایی کرد و با انطباق روش زندگی با روش‌های قرآنی به قله سعادت و خوشبختی دست یافت. قرآن کریم در آیات متعدد از یک سو، سبک زندگی غیر الهی را مورد مذمت و تخطئه قرار می‌دهد و این مذمت هم ناظر به ساحت فردی و هم ساحت جمعی آدمی است که در ساحت فردی می‌توان به آیات مبارکه ذیل اشاره کرد: «إِنَّ الَّذِينَ لَا يُزُجُونَ لِقَاءَنَا وَ رَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ اطْمَأَنَّنُوا بِهَا وَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ؛ همانا آن‌ها که امید لقای ما [و رستاخیز] را ندارند و به زندگی دنیا خشنود شدند و بر آن تکیه کردند و آن‌ها که از آیات ما غافلند.» (یونس / ۷)

دنیاگرایی، چنان تأثیری بر روح انسان می‌گذارد که انسان این زندگی دو روزه دنیا را برای خود دلخوشی قرار می‌دهد و از یاد و ذکر خداوند غافل می‌گردد: «زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ يَسْحَرُونَ مِنَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ الَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ اللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ؛ زندگی دنیا برای کافران آراسته شده است و مؤمنان را ریشخند می‌کنند و [حال آنکه] کسانی که تقوا پیشه بوده‌اند، در روز رستاخیز، از آنان برترند و خدا به هر که بخواهد بی‌شمار روزی می‌دهد.» (بقره / ۲۱۲)

دلبستگی شدید به دنیا، بیماری روحی انسان را در پی دارد و باعث بروز ردایل اخلاقی مانند کبر، غرور، سرمستی و... می‌گردد و این کبر و تکبر بی‌اندازه، کار انسان را به جایی می‌رساند که به تمسخر دیگران

می‌پردازد و از حیطه انسانیت خارج می‌شود.

قرآن کریم از سوی دیگر، سبک زندگی صحیح و پذیرفته شده اسلام را بیان می‌کند و از سبک زندگی ایده‌آل اسلامی با عنوان حیات طیبه یاد می‌کند. اگرچه تنها یک بار در قرآن به‌صراحت از حیات طیبه سخن به میان آمده است اما در جای‌جای قرآن اشارات بسیاری به آن شده است که در میان مؤلفه‌هایی که قرآن برای زندگی سالم معرفی کرده است، می‌توان به آن دست یافت.

همچنین از متون نگارش یافته در زمینه دنیا و دنیاگرایی می‌توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱- آسیب‌شناسی فرهنگی دنیاگرایی از منظر قرآن، نوشته اکرم ابوالحسنی؛ این پایان‌نامه که به بررسی ابعاد فرهنگی دنیاگرایی پرداخته است، با فرضیه بیان باورهای فرهنگی، یعنی اعتقادات و ارزش‌های درونی و پذیرفته شده انسان و دنیاگرایی، رابطه‌ای مستقیم دارد. تحقیق مذکور دنیاگرایی را در سه بعد نگرشی، ارزشی و رفتاری مورد کنکاش قرار داده و برخی از آیات را نیز شاهد مثال آورده است، تکیه ایشان بیشتر بر آسیب‌هایی در حوزه فرهنگ است.

۲- پایان‌نامه آثار دنیاگرایی از منظر قرآن و حدیث، نوشته علی محمد پورلسانی؛ در این پژوهش مفهوم‌شناسی دنیا و دنیاگرایی، آثار و عواقب اخلاقی دنیاگرایی و همچنین آثار و عواقب سیاسی - اجتماعی دنیاگرایی مورد بررسی قرار گرفته است. تحقیق مذکور آثار دنیاگرایی را در دو بعد فردی و اجتماعی مورد بررسی قرار داده و آیات و روایات را نیز بیان نموده است. هدف ایشان پرداختن به بعد رضایتمندی از زندگی دنیایی و سپس آثار آن است.

۳- آسیب‌شناسی دنیازدگی از دیدگاه نهج البلاغه، نوشته زینب ریاض عبدالصاحب؛ در این اثر به معناشناسی و زمینه‌های دنیازدگی و همچنین آسیب‌های دنیازدگی و در انتها به راه‌های درمان و نجات از دنیازدگی پرداخته است. در این تحقیق زمینه‌ها و آسیب‌های دنیازدگی از دیدگاه نهج البلاغه مورد بررسی قرار گرفته است.

در مقاله حاضر ابتدا به مفاهیمی که در مقاله دخیل هستند اشاره شده و هر کدام از آن‌ها را به‌صورت جداگانه مورد بحث و بررسی قرار داده و مفاهیم دنیا، سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی توضیح داده شده‌اند. در ادامه نیز عوامل دنیاگرایی از منظر قرآن کریم بررسی و به آیات مرتبط اشاره شده است. همچنین نقش دنیاگرایی بر سبک زندگی فردی انسان را بررسی کرده و

آیات مربوطه ذکر شده است.

## ۱- مفاهیم

### ۱-۱- مفهوم دنیا

#### ۱-۱-۱- تعریف لغوی

آنچه در معنای لغوی «دنیا» می‌آید، اتفاق نظر بزرگان و واژه‌شناسان لغت عربی پیرامون واژه «دنیا» است؛ ابن منظور صاحب «لسان العرب» و خلیل بن احمد فراهیدی صاحب «ترتیب کتاب العین» و ابونصر اسماعیل بن حماد جوهری صاحب «الصحاح فی اللغة». علاوه بر سخن محققان مزبور، مراجعه به آراء صاحب «مقایس اللغة» (ابن فارس) نیز از نظر مغفول نمانده است که در طی سطور بعدی مستنداً خواهد آمد.

«جوهری در صحاح گفته: دنیا به علت نزدیک بودنش، دنیا نامیده شده و در قاموس و اقرب گفته شده دنیا نقیض آخرت است.» (جوهری، ۱۴۰۴ق: ۳۱۶)

ابن منظور در لسان العرب از «دنیا» ذیل سه حرف اصلی «دنا» یاد کرده و آن را غیر مهموز می‌داند و می‌گوید: «سمیت الدنیا لدنوها و لأنها دنت و تأخرت عن الآخرة؛ یعنی دنیا، دنیا نامیده شده به خاطر نزدیک بودنش و هم اینکه نسبت به آخرت به ما نزدیک‌تر است.» (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۵۶۲)

در کتاب «العین» ذیل ماده «دنو» همین معنا را می‌یابیم. (فراهیدی، ۱۴۱۴ق: ۲۷۴)

صاحب میزان الحکمه در کتاب دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، ذیل عنوان «دنیا» معنایی که ابن منظور و سایرین، همانند ابن فارس در مقایس اللغة و جوهری در الصحاح فی اللغة گفته‌اند، آورده است. (محمدی ری‌شهری، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۴)

راغب اصفهانی نیز واژه دنیا را از ماده «دنا» می‌داند. وی این ریشه را در نزدیکی مکانی، زمانی و منزلتی به کار می‌برد و آن‌گاه با استناد به آیه «خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ» (حج/ ۱۱) و آیه «وَأَتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً» (نحل/ ۱۲۲) دنیا را در مقابل آخرت معنا می‌کند. گاهی نیز «دنیا» به معنی نزدیک‌تر در مقابل «أقصى» یا «دورتر» ذکر شده است. (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۱۷۴)

#### ۱-۱-۲- تعریف اصطلاحی

زندگی انسان از تولد تا مرگ و آثار و لوازم و هر چه راجع به آن است را دنیا گویند. اما افعال اختیاری بشر که خدا به انجام آن‌ها امر کرده، مانند نماز، روزه و... یا از انجام آن‌ها نهی کرده، مانند خوردن شراب، زنا و... هر چند از

امور واقع در زندگی فانی دنیوی است ولی همان طور که خدا باقی است، هر کاری که بشر با نام و یاد او انجام دهد، اثرش باقی و اخروی خواهد بود تا جایی که مقدمات آن‌ها هم اگر خدایی باشد، آخرتی است. (دستغیب شیرازی، بی‌تا، ج ۱۵: ۷۲۲)

همچنین در متون شرعی، دنیا اصطلاحاً به سه معنا به کار می‌رود:

۱. در برابر آخرت استعمال می‌شود که عبارت است از هر چه در این جهان و قبل از مرگ به گونه‌ای به انسان مربوط می‌شود که عبارت‌اند از: گفتار، کردار، خوراک، پوشاک، مسکن، پست و مقام و...
۲. دنیایی ناپسند که از معنای اول اخص می‌شود.
۳. دنیای پسندیده. (مشکینی اردبیلی، ۱۳۸۷: ۲۱۴)

در همین راستا روایتی از وجود مقدس حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام داریم: «إِنَّمَا سُمِّيَتِ الدُّنْيَا دُنْيَا لِأَنَّهَا أُذُنِي مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَ سُمِّيَتِ الْآخِرَةُ آخِرَةً لِأَنَّ فِيهَا الْجَزَاءَ وَ الثَّوَابَ؛ دنیای از آن رو دنیا نام گرفته که پست‌ترین (نزدیک‌ترین) چیزهاست و آخرت از آن رو آخرت نامیده شده که سزا و پاداش در آن جاست.» (شیخ صدوق، ۱۳۶۶، ج ۱: ۲؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۱: ۵۶۰)

مفهومی که در روایات مشخص شده، به مفهوم اصطلاحی دنیا اشاره دارد و به توضیح آن می‌پردازد. شاید حکمت اینکه دنیا به معنی پست گرفته شده، این باشد که انسان را به پستی می‌کشد و به رسوب می‌افکند. چنین انسان‌هایی به زمین چسبیده، خشک، سفت و سخت‌اند، انبانی هستند از شکم و کیسه‌ای از شهوت.

## ۱-۲- مفهوم سبک زندگی

### ۱-۲-۱- معنای لغوی

معادل واژه سبک در عربی، تعبیر «اسلوب» است. الاسلوب: الطريق، الوجه و المذهب. گفته می‌شود: انتم فی اسلوب سوء و به أسالیب، جمع بسته می‌شود. همچنین به معنای فن می‌آید؛ چنان که گفته می‌شود: أخذ فلان فی اسالیب من القول، أي أفانین منه. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۳۶۹)

از مجموعه تعاریف این‌گونه برداشت می‌شود که سبک به شیوه‌ای خاص و روشی شناخته شده در کاری اطلاق می‌شود که هم بر ویژگی‌های زیبایی‌شناختی مانند سبک موسیقی، سبک بیان، سبک نوشتار تکیه دارد و همچنین بر رفتار فردی و اجتماعی و ابعاد زندگی انسان که موجب تمایز بخشی از عناصر دیگر می‌شود، تأکید دارد.

همچنین واژه زندگی در لغت به معنای «زنده بودن» و «زندگانی» است. (دهخدا، ۱۳۵۱: ۱۲۹۶۵) و نیز در فرهنگ فارسی به معانی ذیل آمده است: زنده بودن، زیست، حیات، مدت عمر، وضع مالی، مال و منال. (معین، ۱۳۸۰: ۲۵۶)

### ۱-۲-۲- معنای اصطلاحی

سبک زندگی (Life Style) نظام‌واره و سیستم خاص زندگی است که به یک فرد، خانواده یا جامعه با هویت خاص اختصاص دارد. این نظام‌واره هندسه کلی رفتار بیرونی و جوارحی است و افراد، خانواده‌ها و جوامع را از هم متمایز می‌سازد. سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای کم و بیش جامع و منسجم از عملکردهای روزمره یک فرد دانست که نه فقط نیازهای جاری او را برآورده می‌سازد، بلکه روایت خاصی را که وی برای هویت شخصی خویش برمی‌گزیند، در برابر دیگران مجسم می‌سازد.

سبک زندگی کاملاً قابل مشاهده یا قابل استنتاج از مشاهده است. اگر بخواهیم رابطه سبک زندگی را با آداب بیان کنیم، باید بگوییم هیئت ترکیبی آداب، یعنی رفتارهای ساده و جلوه‌های ظاهری ما وقتی به صورت یکپارچه در نظر گرفته می‌شود، سبک زندگی ما را رقم می‌زند. (فاضل، ۱۳۹۰: ۱۶۳-۱۳۹) مصرف، معاشرت، لباس پوشیدن، حرف زدن، تفریح، اوقات فراغت، آرایش ظاهری، طرز خوراک، معماری شهر و بازار و منازل، دکوراسیون منزل و امثال آن، در یک بسته کامل از سبک زندگی ما قرار دارند. این جلوه‌های رفتاری، ظهور خارجی شخصیت ما در محیط زندگی و نشانی از عقاید، باورها، ارزش‌ها و علاقه‌های ما است و ترکیب آن‌ها ترکیب شخصیت فردی و اجتماعی ما را می‌نمایند. (مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۷۸-۴۶)

سبک زندگی شامل نظام ارتباطی، نظام معیشتی، تفریح و شیوه‌های گذران اوقات فراغت، الگوی خرید و مصرف، توجه به مد، جلوه‌های عینی شأن و منزلت، استفاده از محصولات تکنولوژیک، نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، نقاط تمرکز علاقه‌مندی در فرهنگ مانند دین، خانواده، میهن، هنر، ورزش و امثال آن می‌شود. (همان) فهرست رفتارها، نوع چینش آن‌ها، نحوه تخصیص وقت، ضریب‌ها و تأکیدها از جمله متغیرهایی هستند که در شکل‌گیری سبک زندگی دخیل هستند. مثلاً سبک زندگی ثروتمندان و اشراف، سبک زندگی نظامی‌ها و کشاورزها، سبک زندگی آمریکایی، چینی، ایرانی، سبک زندگی دین‌داران یا حزب‌اللهی‌ها از لحاظ این متغیرها متفاوت است. (بنت، ۱۳۹۳: ۹۷)

### ۱-۳- مفهوم سبک زندگی اسلامی

سبک زندگی اسلامی با آنچه گذشت متفاوت است، از آن جهت که «سبک»

است، به رفتار می‌پردازد و با شناخت‌ها و عواطف ارتباط مستقیم ندارد ولی از آن جهت که «اسلامی» است، نمی‌تواند بی‌ارتباط با عواطف و شناخت‌ها باشد. بر این اساس، در سبک زندگی اسلامی عمق اعتقادات و عواطف و نگرش فرد سنجیده نمی‌شود، بلکه رفتارهای فرد مورد سنجش قرار می‌گیرد اما هر رفتاری که بخواهد مبنای اسلامی داشته باشد، باید حداقل‌هایی از شناخت‌ها و عواطف اسلامی را پشتوانه خود قرار دهد. در سبک زندگی از دیدگاه روانشناسی، جامعه‌شناسی، حقوق کیفری و... فقط به رفتار نگاه می‌شود؛ پزشک می‌خواهد بداند بیمار چگونه می‌نشیند، چگونه راه می‌رود، وضعیت ستون فقرات او چگونه قرار می‌گیرد؛ روان‌شناس و روان‌پزشک می‌خواهند بدانند خواب و بیداری فرد چگونه است، مقدار خواب او چقدر است و زمان خواب او چه هنگام است.

منظور از سبک زندگی اسلامی شیوه خاصی از زندگی فردی و اجتماعی است که بر اساس آموزه‌های مکتب اسلام نقشه آن برای زندگی بشر ترسیم شده است. در متون دینی تعبیری که از سبک زندگی دینی حکایت می‌کند، عبارت‌اند از: سیره، سنت و اسوه. (تقوی، ۱۳۹۰: ۱۱)

## ۲- عوامل دنیاگرایی از منظر آیات قرآن کریم

### ۲-۱- لذت‌طلبی

در قرآن کریم از اقسام چهارگانه لذت، یعنی معنوی، حسی، خیالی و وهمی سخن به میان آمده است. حدود ۸۵ بار در آیات مختلف به لذت‌های معنوی و عقلی اشاره شده است؛ به لذت‌های حسی شامل هفتاد مورد لذت مشروع و ده مورد لذت نامشروع دنیوی، اشاره شده است. لذت‌های خیالی حدود ۲۷ بار و لذت‌های وهمی یک‌بار در قرآن آمده‌اند. از لذات اخروی با فراوانی حدود ۱۵۲ مورد، تقریباً دو برابر لذات مشروع دنیوی (با فراوانی حدود ۷۰ بار)، سخن به میان آمده است. (احمدپور، ۱۳۹۹: ۲۰)

قرآن کریم در موارد متعددی زندگی دنیا را نوعی بازیچه کودکانه و لهُو و سرگرمی می‌شمرد و می‌فرماید: «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ؛ زندگی دنیا چیزی جز بازی و سرگرمی نیست.» (انعام/ ۳۲)

در جای دیگر می‌فرماید: «اعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ؛ بدانید زندگی دنیا فقط بازی و سرگرمی و تجمل‌پرستی و فخرفروشی در میان و شما افزون‌طلبی در اموال و فرزندان است.» (حدید/ ۲۰)

در حقیقت دنیاپرستان را به کودکانی تشبیه می‌کند که از همه چیز غافل و بی‌خبرند و تنها به سرگرمی و بازی مشغول‌اند و حتی خطراتی را که در یک

قدمی آن‌ها وجود دارد نمی‌بیند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ج ۲: ۱۰۶)

همچنین بر طبق آیه ۳۲ سوره انعام «وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ» گفته شده که یکی از ویژگی‌های لذات دنیا این است که انسان را سرگرم خویش می‌کند و در نتیجه از لذت همیشگی و حقیقی باز می‌دارد. (بیضاوی، ۱۴۱۸ق، ج ۲: ۱۵۹؛ فیض کاشانی، ۱۳۷۳، ج ۲: ۱۱۶)

و در آیه دیگری آمده است که «مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَّلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلِيهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا وَ مَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَ سَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا» آنان که طالب دنیا باشند، ما در دنیا هر آنچه که خود بخواهیم و برای آن کس که خود می‌خواهیم، پیش می‌فرستیم. سپس جهنم را قرار داده‌ایم تا او را در حالی که نكوهیده و مردود شده است، بسوزاند و آنان که آخرت را طلب نمودند و کوشش لازم را برای رسیدن به آن مبذول داشتند، در حالی که مؤمن بودند، سعیشان ارج نهاده می‌شود. (اسراء/ ۱۹-۱۸)

لذا مانوس بودن بیشتر انسان با لذات جسمانی، جذب لذات روحانی و به تبع، لذات اخروی که غیر محسوس هستند را با تلاش فراوان همراه کرده است.

## ۲-۲- حرص و طمع

حرص و طمع، حالاتی هستند که انسان را به ورطه محرمات می‌کشند و از رحمت واسعه حق محروم می‌کنند و ملکوت وجود آدمی را به ظلمت و تاریکی آلوده می‌نمایند و از انسان منبع شرّ و خطر می‌سازند و شقاوت دنیا و آخرت را برای بشر به ارمغان می‌آورند و انسان را تا سر حدّ دنیاطلبی می‌کشانند.

قرآن مجید در آیه ۳۲ سوره مبارکه احزاب، طمع را ثمره مرض قلب می‌داند. قلبی که از نور معرفت و ایمان به خدا و انبیا و اولیا محروم است، خواهی نخواهی گرفتار حالات ابلیسی گوناگون از جمله حالات خطرناک طمع است و هر چه بیشتر به سوی دنیا و دنیادوستی کشیده می‌شود.

قرآن مجید در سوره مبارکه مدثر می‌فرماید: این‌گونه افراد هر چه از نعمت‌های مادی برخوردار شوند، باز سیر نشده و طمع در اضافه شدنش دارند. البته این طمع باعث می‌شود که آدمی از حدود و مرزها و مقررات الهی تجاوز کرده و دست تعدی به حقوق حقّه مردم دراز کند و هر چه بیشتر به مادیات دنیا چنگ بزند و هرگز سیری نیابد. طمعکار حد و مرزی برای خود نمی‌شناسد و قانونی را محترم نمی‌داند و به هر کاری که شهوت او اقتضا کند دست می‌زند.

«وَ جَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَمْدُودًا وَ بَنِينَ شُهُودًا وَ مَهْدَتْ لَهُ تَمَهِيدًا ثُمَّ يَطْمَعُ أَنْ أَزِيدَ كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا» (مدثر/ ۱۶-۱۲) همان کسی که برای او مال

گسترده‌ای قرار دادم و پسران بسیار حاضر به خدمت نصیب گردانیدم و اقتدار و مکنّت و عزّت دادم، باز هم طمع دارد که بر او بیفزایم. هرگز چنین نخواهد شد؛ چرا که او نسبت به آیات ما دشمنی می‌ورزد.»

آیات دیگری نیز بیان‌کننده حرص و طمع در مال می‌باشد: «إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكٍ لَّشَهِيدٌ وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ؛ (عادیات/ ۸-۶) انسان در برابر نعمت‌های پروردگارش ناسپاس و بخیل است و او خود نیز بر این معنی گواه است، او علاقه شدیدی به مال دارد.»

آیه ۸ می‌فرماید که انسان علاقه شدیدی به مال و مادیات دارد و همین علاقه شدید و افراطی او به مال و ثروت، سبب حرص و طمع و بخل و ناسپاسی و کفران او می‌شود. «کنود» به زمینی می‌گویند که چیزی از آن نمی‌روید، (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵، ج ۳: ۳۸۱) و به انسان ناسپاس و بخیل نیز اطلاق می‌شود. (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۳: ۳۸۱)

امام خمینی رحمته الله فرموده است: «معلوم است خود حرص و لازم و ملزوم آن از احتجاب فطرت و از جنود جهل و ابلیس است و خود آن شرّ و از لوازم شرّ است و منتهی به شرّ شود و کمتر چیزی انسان را مثل آن به دنیا نزدیک کند و از حق تعالی و تمسک به ذات مقدّسش دور و مهجور نماید.» (موسوی خمینی، ۱۳۷۱: ۲۱۷) انسان وقتی زیاد طالب دنیا باشد و قناعت و مناعت طبع را از دست بدهد، برای به دست آوردن مال و منال حریص است و چون حرص نسبت به چیزی افزون بگیرد، محبت به آن چیز زیادتر می‌شود تا جایی که تمام قلب انسان را پر می‌کند، پس در قلبی که خانه دنیا شده است، خدا جایی نخواهد داشت و آن خیالی که به یاد خدا نباشد، مملو از افکار و عقاید شیطانی است و این خود منشأ بسیاری از گناهان است.

## ۲-۳- غفلت از خداوند

یکی از موضوعاتی که در علم اخلاق از آن بحث می‌شود، موضوع «غفلت» است. علمای اخلاق، در آثار و تألیفات خود مباحث مبسوطی را در این زمینه مطرح کرده‌اند. یکی از سر فصل‌هایی که در این رابطه به بحث گذاشته‌اند، اسباب و عوامل غفلت‌زا در انسان است.

غفلت چنان‌که در تعریف آن گفته‌اند؛ رفتن چیزی از ذهن، بعد از توجّه به آن است: «الْغَفْلَةُ السَّهُوُ عَنِ الشَّيْءِ» (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۲۸۰؛ طریحی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۴۳۵)

غفلت عبارت است از اینکه پرده‌ای بر فکر و قلب انسان بیفتد که او از یک واقعیت و حقیقتی دور بماند. قرآن کریم، در این باره می‌فرماید: «وَلَقَدْ



ذَرَأْنَا لِحَبَّتِهِمْ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ؛ (اعراف / ۱۷۹) برخی از انسان‌ها با آنکه دل دارند ولی نمی‌فهمند، چشم دارند اما بینایی ندارند، گوش دارند ولی با آن نمی‌شنوند، آن‌ها همان کسانی هستند که غافل‌اند.»

منظور از غفلت در اینجا می‌تواند اعم از غفلت از خدا، غفلت از آیات خدا یا غفلت از آخرت باشد. یا به تعبیر دیگر، غفلت از هر آنچه که انسان را به سوی کمال می‌برد: «وَ إِن كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ عَن آيَاتِنَا لَغَافِلُونَ؛ بسیاری از مردم از آیات و نشانه‌های ما غافل‌اند.» (یونس / ۹۲)

### ۳- عواقب دنیاگرایی در سبک زندگی فردی

#### ۳-۱- غفلت از یاد خدا و حقیقت

از آثار بارز دنیاگرایی، غفلت از مبدأ هستی و حقیقت است که هدف از خلقت انسان رسیدن به او است. بهترین پاداش مؤمنین لقاء الله است و این میسر نمی‌شود جز با عبادت و اطاعت حضرت حق. عاشقان خدا همه چیز را برای خدا می‌خواهند نه برای خود؛ چون برای اطاعت از او خلق شده‌اند. دنیا از جمله موانعی است که انسان را از یاد و ذکر او غافل می‌کند و مشغول ظواهر خود می‌سازد؛ همان‌طور که انسان در حین کسب و تجارت، با شنیدن صدای اذان به جای «فَأَسْعُوا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَ ذُرُوا الْبَيْعَ» (جمعه / ۹) به سوی تجارت می‌شتابید و از هدف اصلی غافل است. قرآن می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالِكُمْ وَلَا أَوْلَادِكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَ مَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ؛ (منافقون / ۹) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و فرزندان، شما را از یاد خدا غافل نکند و کسانی که چنین کنند زیانکاران هستند.»

مفسر بزرگ علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می‌نویسد: «در این آیه شریفه مال و اولاد را نهی کرده و فرموده: مال و اولادتان شما را از یاد خدا غافل نسازد، در حالی که باید فرموده باشد شما سرگرم به مال و اولاد نشوید و این به آن خاطر بوده است که اشاره کند به اینکه طبع مال و اولاد این است که انسان را از یاد خدا غافل سازد. پس مؤمنین نباید به آن‌ها دل ببندند و گرنه آن‌ها هم مانند سایرین از یاد خدا غافل می‌شوند. پس نهی در آیه نهی کنایه‌ای است که از تأکید مؤکدتر است.» (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۹: ۴۹۰)

«رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَ لَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَ إِقَامِ الصَّلَاةِ وَ إِيْتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ وَ الْأَبْصَارُ» (نور / ۳۷)

آیت الله مکارم شیرازی ذیل این آیه می‌نویسد: ذکر این نکته لازم است که در این آیه هم تجارت آمده و هم بیع، با اینکه به نظر می‌رسد هر دو یک معنی است ولی ممکن است تفاوت این دو از این نظر باشد که تجارت اشاره به یک کار مستمر و مداوم ولی بیع برای یک مرحله و به صورت گذرا است. توجه به این امر ضروری است که می‌فرماید: آن‌ها مردانی هستند که به سوی تجارت و بیع نمی‌روند، بلکه می‌گویند تجارت و بیع آن‌ها را از یاد خداوند و برپا داشتن نماز و ادای زکات غافل نمی‌کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱۴: ۴۸۲)

در مجمع البیان آمده است که از امام باقر و امام صادق علیهما السلام در ذیل آیه شریفه نقل شده که می‌فرماید: «أنهم قوم إذا حضرت الصلاة تركوا التجارة و انطلقوا إلى الصلاة و هم أعظم أجراً ممن يتجر؛ (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۷: ۲۲۸؛ طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۵: ۱۸۰؛ عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق.، ج ۳: ۶۰۹) آن‌ها قومی هستند که هنگام نماز تجارت را ترک می‌کنند و به سوی نماز می‌روند و اجرشان بیش از کسانی است که در وقت نماز تجارت می‌کنند.» این آیه اشاره دارد که آن‌ها در عین فعالیت سازنده اقتصادی، تمام فعالیت‌شان تحت الشعاع نام خدا است و چیزی را به آن مقدم نمی‌شمارند.

از برخی روایات استفاده می‌شود که حب دنیا و مال و ثروت با تقرب به سوی خداوند سازگار نیست و هر اندازه که حب دنیا زیادتر باشد، به همان اندازه از مقام ربوبی دورتر می‌افتد. خداوند خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «يَا أَحْمَدُ لَوْ صَلَّى الْعَبْدُ صَلَاةَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ وَ يَصُومُ صِيَامَ أَهْلِ السَّمَاءِ وَ الْأَرْضِ... ثُمَّ أَرَى فِي قَلْبِهِ مِنْ حُبِّ الدُّنْيَا... لَا يُجَاوِزُنِي فِي دَارِي وَ لَا نَزَعَنَ مِنْ قَلْبِهِ مَحَبَّتِي؛ (دیلمی، ۱۴۱۲ق.، ج ۱: ۲۰۶) اگر بنده‌ای به اندازه فرشتگان عالم نماز بخواند و روزه بگیرد ولی در قلب او ذره‌ای از محبت و علاقه دنیا وجود داشته باشد، به همان اندازه از من دورتر می‌گردد و او را وارد بهشت نخواهم کرد و دوستی خود را از دل او بر می‌کنم.»

### ۳-۲- خیانت به خدا و رسول صلی الله علیه و آله

از دیگر آثار و نتایج حب دنیا، خیانت به خدا و رسول خدا است. افراد برای حفظ موقعیت شخصی و احیاناً جیره‌خواری، دست به جاسوسی زده و یا اسرار نظام اسلامی را فاش می‌کنند و جامعه مسلمین را به خطر انداخته و آب در آسیاب دشمن می‌ریزند. این منافقان خود فروخته کم نبوده‌اند و آشکارا تظاهر به دین می‌کنند و از پشت سر خنجر می‌زنند. قرآن در این باره می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَ تَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ؛ (انفال / ۲۷) ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خدا و پیامبر خیانت

نکنید و در امانت‌های خود خیانت روا مدارید، در حالی که شما آگاهید.»

علامه طباطبایی می‌نویسد: «این جمله با آیه قیل متصل است و بی‌نیاز و مستقل از آن نیست و با این حال به خوبی معلوم می‌شود که موعظه مؤمنین درباره اموال و اولاد با اینکه قبلاً ایشان را از خیانت به امانت‌های خدا و رسول و امانت‌های خود ایشان نهی کرده بود، برای این بوده که آن فرد خیانت‌کار، اسرار و تصمیمات سری رسول خدا ﷺ را به مشرکین گزارش می‌داده تا به این وسیله محبت مشرکین را به خود جلب نموده و در نتیجه از اینکه به اموال و اولادش که در مکه مانده بود تجاوز کنند، جلوگیری به عمل آورد و خلاطه منظور آن فرد خیانت‌کار، حفظ مال و اولاد و امثال آن بوده است.» (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۹: ۸۴)

در شأن نزول آیه فوق نیز آمده است: «ابوسفیان با مال التجاره بسیاری از مکه بیرون آمد و جبرئیل جریان را به رسول خدا ﷺ خبر داد و سفارش کرد با نفرات خود بر سر راه ابوسفیان شده و تصمیم خود را نزد کسی اظهار نکند. بعضی از مسلمین از جریان خبردار شده و نامه‌ای به ابوسفیان نوشتند و او را از تصمیم پیامبر ﷺ باخبر ساختند.» (همان)

آیت الله مکارم شیرازی خیانت به خدا و رسول را چنین بیان فرموده است: «خیانت به خدا و پیامبر آن است که اسرار نظامی مسلمانان را در اختیار دیگران بگذارند و یا دشمنان را در مبارزه خود تقویت کنند و یا به‌طور کلی واجبات و محرمات و برنامه‌های الهی را پشت سر بيفکنند، لذا «از ابن عباس نقل شده که هر کس چیزی از برنامه‌های اسلام را ترک کند، یک نوع خیانت نسبت به خدا و پیامبر مرتکب شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۹: ۵۶۳)

### ۳-۳- اهمال مکلف از تکالیف دینی

دین‌گریزی و سستی و اهمال در تکالیف دینی از جمله آثار دنیاگرایی افراطی است. دنیاطلبان هرگاه دین و دنیا را در مقابل هم ببینند و منافع دنیوی آن‌ها در خطر باشد، به راحتی از کنار دین می‌گذرند. چه بسیار افراد ثروتمندی که اهل خمس و زکات و انفاق و حج نیستند و فکر می‌کنند از اموال آن‌ها کاسته می‌شود.

از جمله دین‌گریزانی که خداوند در قرآن به آن می‌پردازد، بازماندگان از جنگ تبوک هستند که می‌فرماید: «فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلَافَ رَسُولِ اللَّهِ وَ كَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ؛ (توبه/ ۸۱) (بازماندگان) که از جنگ تبوک از مخالفت با رسول خدا خوشحال شدند و کراهت داشتند که با اموال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کنند. (به یکدیگر و مؤمنان) گفتند: در این گرما به‌سوی میدان حرکت نکنید. به آنان بگو آتش دوزخ از این هم گرم‌تر

است، اگر می‌دانستند.» (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۹: ۵۶۳)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه می‌نویسد: «معنای آیه این است: منافقین که تو آنان را بعد از رفتنت به جای گذاشتی، خوشحال شدند که با تو بیرون نیامدند و تو را مخالفت کردند و یا بعد از تو بیرون نیامدند و کراهت داشتند که از اینکه با مال و جان‌های خود در راه خدا جهاد کنند و جمله «وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ» نقل خطاب منافقین است به دیگران که رسول خدا ﷺ را یاری نکنند و زحمات آن جناب را در حرکت دادن مردم به سوی جهاد خنثی سازند.»

در تفسیر نمونه ذیل آیه شریفه آمده است: «آن‌ها بر تخلف خودشان از شرکت در میدان جنگ قناعت نکردند، بلکه با وسوسه‌های شیطانی کوشش داشتند دیگران را نیز دلسرد یا منصرف سازند و به آن‌ها گفتند در این گرمای سوزان تابستان به سوی میدان نبرد حرکت نکنید. در حقیقت آن‌ها می‌خواستند هم اراده مسلمانان را تضعیف کنند و هم شریک‌های بیشتری برای جرم‌شان فراهم سازند. پس روی سخن را به پیامبر ﷺ کرده و با لحن قاطع و کوبنده‌ای به آن‌ها چنین پاسخ می‌گوید: به آن‌ها بگو آتش سوزان دوزخ از این هم گرم‌تر است و سوزان‌تر، اگر بفهمند. «قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۸: ۶۳)

### ۳-۴- دین‌فروشی

ثمرات و نتایج دلبستگی به دنیا و عاشق و شیفته دنیای فانی گشتن، دین‌فروشی است. در طول تاریخ فراوان هستند کسانی که دینشان را به‌خاطر ریاست و مال دنیا از دست دادند و آن را به بهای اندکی فروختند. نمونه بارز این گروه، یهود است که چندین آیه در قرآن کریم در شأن آن‌ها است: «وَأَمْنُوا بِمَا أَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِمَا مَعَكُمْ وَلَا تَكُونُوا أُولَ كَافِرٍ بِهِ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَإِنِّي فَاتِّقُونَ؛ (بقره/ ۴۱) و به آنچه نازل کرده‌ام [قرآن] ایمان بیاورید! که نشانه‌های آن، با آنچه در کتاب‌های شماست، مطابقت دارد و نخستین کافر به آن نباشید و آیات مرا به بهای ناچیزی نفروشید. (و به‌خاطر درآمد مختصری، نشانه‌های قرآن و پیامبر اسلام را که در کتب شما موجود است، پنهان نکنید.) و تنها از من (و مخالفت دستورهایم) بترسید (نه از مردم).»

در تفسیر نمونه ذیل آیه آمده است: «بعضی از مفسران بزرگ از امام باقر علیه السلام در شأن نزول این آیه چنین نقل کرده‌اند که حیی بن اخطب و کعب بن اشرف و جمعی دیگر از یهود، هر سال مجلسی مهمانی از طرف یهودیان برای آن‌ها ترتیب داده می‌شد. آن‌ها حتی راضی نبودند که این منفعت کوچک به‌خاطر قیام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم از میان برود. به این دلیل آیات تورات را که در زمینه اوصاف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

بود تحریف کردند.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۰، ج ۱: ۲۰۷)

آیت‌الله جوادی آملی می‌نویسد: «قید قلیل احترازی نیست تا با تقسیم دنیا به قلیل و کثیر وهم این باشد که اگر ثمن زیاد بود، دین فروشی روا است و تنها تجارت با متاع قلیل ممنوع است، بلکه قید توضیحی است و می‌رساند که اساساً همه دنیا متاع ناچیز است.» (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ج ۴: ۱۷)

همچنین در آیه ۷۹ سوره مبارکه بقره مجدداً دین‌فروشی یهود را گوشزد کرده و عامل آن را دنیاطلبی و دنیاپرستی و عشق به دنیا می‌داند، همچنین آن‌ها را تهدید می‌کند و می‌فرماید: «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيُشْتَرَوْا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلاً فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ؛ (بقره / ۷۹) پس وای بر آن‌ها که نوشته‌ای با دست خود می‌نویسند، سپس می‌گویند: «این، از طرف خداست.» تا آن را به بهای کمی بفروشند. پس وای بر آن‌ها از آنچه با دست خود نوشتند و وای بر آنان از آنچه از این راه به دست می‌آورند.» در تفسیر مجمع البیان ذیل آیه آمده است: «عده‌ای از علمای یهود نشانه‌های پیامبر را در تورات تغییر می‌دادند تا عوام یهود را از ایمان به او باز دارند؛ زیرا می‌ترسیدند که منافع شخصی آنان به خطر افتد.» (طبرسی، ۱۳۸۰، ج ۱: ۱۴۶)

این‌ها نمونه‌هایی از دین‌فروشی است که ریشه آن حبّ دنیا و دنیاگرایی می‌باشد. در زمان ما هم مواردی شبیه به این موارد کم نیست. چه بسا افرادی که شهادت دروغ می‌دهند و برای منافع اندک و ناچیز دنیا حق دیگران را پایمال می‌کنند.

### ۳-۵- لغزش و انحراف

حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «الولءُ بال دنیا أعظم فتنه؛ شیفته شدن به دنیا عظیم‌ترین فتنه است.» (تمیمی آمدی، ۱۳۷۸: ۳۶۴)

راه به دست آوردن و چگونگی هزینه کردن اموال و ثروت و نگهداری آنان و میزان دلبستگی و علاقه به آن همگی میدان آزمایش است. بسیار کسانی که از نظر عبادات معمولی و تظاهر بر دین و مذهب و حتی از نظر انجام مستحبات بسیار سخت‌گیر و وفادارند ولی زمانی که بحث امور مادی به میدان می‌آید، همه چیز کنار می‌رود و تمام قوانین الهی و مسائل انسانی و حق و عدالت به دست فراموشی سپرده می‌شود. خداوند در سوره انفال می‌فرماید: «وَاعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ؛ (انفال / ۲۸) و بدانید که مال‌ها و ثروت‌های شما و فرزندانان وسیله آزمایش شما هستند.»

در مورد فرزندان که میوه‌های قلب انسان و شکوفه‌های حیات او هستند نیز غالباً چنین است و بسیاری از کسانی را که به ظاهر پایبند به امور دینی

و مسائل انسانی و اخلاقی هستند، می‌بینیم هنگامی که پای فرزندانشان به میان می‌آید، گویی پرده‌ای بر افکارشان می‌افتد و همه این مسائل را فراموش می‌کنند و عشق به فرزند سبب می‌شود که حرام را حلال و حلال را حرام شمارند و برای تأمین آینده خیالی او تن به هر کاری بزنند و هر حقی را زیر پا گذارند. باید خود را در این دو میدان امتحان بزرگ به خدا بسپاریم و به هوش باشیم که بسیار کسانی در این دو میدان لغزیدند و سقوط کردند. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ مِمَّنْ أَرْوَأَجِكُمْ وَ أَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُوهُمْ وَ إِن تَعْفُوا وَ تَصْفَحُوا وَ تَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ؛ (تغابن/۱۴) ای کسانی که ایمان آوردید، همسران و اولاد شما دشمنان شمایند. از آن‌ها دوری جویند.»

به‌خاطر ثروت دیگران و ناداری خود اندوه نخوریم؛ زیرا همه اینها موجب آزمایش است و خداوند می‌فرماید همه را برای امتحان به آن‌ها دادیم.

### ۳-۶- ارتکاب گناهان

مبحث گناه، از زمان آغاز حیات بشر مورد توجه مردم به‌خصوص پیامبران الهی قرار گرفته است. قرآن دستورالعمل‌هایی را برای سعادت انسان صادر کرده است، انسان را موجود برتری می‌داند که می‌تواند خود را به جایگاهی که در نظام هستی برای او در نظر گرفته شده برساند و برای رسیدن به چنین هدفی، راه‌هایی را مطرح می‌نماید و عوامل و موانع رشد را بیان می‌کند که انسان حتی می‌تواند در شرایط نامناسب از گناه سرباز زند و اگر بر اثر غفلت و عوامل دیگر به گناه آلوده شود، راه توبه را توصیه می‌کند.

لذا با تبیین قبح و زشتی گناه و بصیرت‌دهی افراد در مبارزه و از بین بردن زمینه‌های گناه و عوامل تحریک‌کننده و ترویج فضائل اخلاقی می‌توان به پیشگیری دست زد و این کنترل درونی و پایدار، جز با اعتقاد به مبدأ و معاد و حس مسئولیت در برابر خالق و پروردگار خویش امکان‌پذیر نمی‌باشد. از آنچه گفته شد معلوم می‌شود که گناهان از عواقب دنیادوستی است. از طرفی، چنان‌که در روایات آمده است، هر گناه کدورتی را در قلب انسان ایجاد می‌کند و اگر پس از انجام گناه، توبه و انابه نباشد، تیرگی گناه ماندگار می‌شود و اگر گناهان دیگری مرتکب شود، کدورت رو به فزونی می‌رود، تا جایی که سراسر قلب آدمی را احاطه می‌نماید و چون ظلمت روی ظلمت حاصل شد، قلب انسان را چنان سیاهی می‌گیرد که با توبه و استغفار به راحتی پاک نمی‌شود و هیچ خیری از او انتظار نمی‌رود. این قلب منشأ مفاسد و گناهان بسیاری است که اولین آن عشق به دنیاست و چون دوستی

دنیا علت هر گناهی است، ولیده این پیوند نامبارک چیزی جز عصیان و سرکشی نیست. «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ» (علق / ۷-۶) (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۱۹: ۶۶-۶۵) بی تردید قلبی که از گناه آکنده شده، هیچ اقبالی به آخرت و خدا در او دیده نمی‌شود و به یقین وجهه او رو به سوی دنیا و جمع زخارف و مادیات دنیاست. حب مقام، حب ریاست، حب شهوت، حب شهرت و... همه معلول توجه به دنیاست.

«وَأَلْوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِيَنَّهُمْ مَاءً غَدَقًا لَنَفْتَنَهُمْ فِيهِ وَ مَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا» (جن / ۲۷) اگر در راه مستقیم پایداری کنید، به آب فراوان سیرابشان می‌کنیم تا در آن آزمایششان کنیم و کسی که از یاد پروردگارش اعراض کند، خدا او را به راه عذابی دشوار می‌اندازد.»

علامه در تفسیر این آیه می‌گوید: «عذاب صعد» آن عذابی است که دائماً بیشتر می‌شود و معذب را مغلوب‌تر می‌کند. اعراض از ذکر خدا لازمه استقامت نداشتن بر طریقه است و اصل در سلوک عذاب همین است و به همین جهت به جای اینکه ملزوم را بیاورد و بفرماید: «و من لم يستقم على الطريقة يسلكه...»، لازمه آن را ذکر کرد تا به این وسیله بفهماند سبب اصلی در دخول آتش همین اعراض از ذکر خدا است. (طباطبایی، ۱۳۷۰، ج ۲۰: ۴۶)

دنیاگرایی و حب دنیا نتیجه پیروی از هوی و هوس و چنگ زدن است در زمین و اکتفا به آن چه زمینی است و پایبند شدن به امیال و شهوات این جهانی.. (مدرسی، ۱۳۷۷، ج ۳: ۴۲۳)

اراده خداوند، بستگی به عملکرد و کارکرد خود انسان دارد: «وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ» (اعراف / ۱۷۶) وصول به مقام نزدیکی خداوند، مشروط به ترک گناه و دوری از هوی و هوس است. (قرائتی، ۱۳۸۳، ج ۴: ۲۲۶)

### نتیجه

نظر به اینکه دنیا ظرف پرورش انسان‌ها است، رویکرد انتخابی انسان‌ها نسبت به آن، نقش اساسی و تعیین‌کننده در نوع و میزان بهره‌برداری از دنیا خواهد داشت و بدنبال آن در دستیابی به اهداف، تأثیرگذار خواهد بود. بر این اساس، تلاش شد تا با بررسی مفهوم دنیاگرایی و پیامدهای دنیاگرایی و نقش آن در بعد زندگی فردی به ضابطه‌ای مشخص و روشن برای بازشناسی دنیا و امور آن دست یابیم که به نتایج زیر رسیدیم:

۱. در رابطه با «تعابیر قرآن درباره دنیا» باید گفت؛ قرآن تعابیر متعددی را برای دنیا مطرح نموده است که برخی از آن‌ها ویژگی‌های خود دنیا است و برخی دیگر ویژگی‌های حیات دنیوی است.

۲. درباره مفهوم دنیای ممدوح و دنیای مذموم؛ قرآن کریم از یکسو، دنیا و مواهب مادی آن را مورد مدح قرار داده؛ از جمله اینکه با واژه‌هایی نظیر فضل الهی، خیر و زینت از آن یاد شده است. با توجه به این ویژگی‌ها است که قرآن مال و ثروت و فرزند را به خودی خود شرّ نمی‌داند، بلکه آن را به‌عنوان یک وسیله معقول می‌پذیرد تا انسان بتواند آسایش و راحتی را برای خود فراهم آورد. از سوی دیگر، قرآن کریم به تحقیر و مذمت دنیا پرداخته و آن را ناپایدار، بازیچه، سرگرمی و عامل فخرفروشی و فزون‌طلبی معرفی نموده است که با توجه به این توصیف‌ها مذموم بودن آن آشکار می‌گردد.

۳. دنیاگرایی به معنی بهره‌برداری بی‌ضابطه از خوشی‌ها و لذت‌های دنیا است؛ به گونه‌ای که در راستای تأمین خواسته‌ها و لذا ید هیچ‌گونه محدودیتی لحاظ نگردد. با توجه به این رویکرد است که بهره‌گیری از لذا ید دنیوی به هر شیوه‌ای مجاز شمرده می‌شود و عمده‌ترین هدف در این راه، اشباع خواسته‌ها و تمایلات حیوانی است تا جایی که پرده‌های غرور و غفلت و آرزوهای دراز، توانایی درک واقعیت را از انسان سلب نموده و امور مادی، حلال تمام مشکلات دانسته می‌شود و همه چیز با معیارهای مادی به سنجش در می‌آید.

۴. پیامدهای دنیاگرایی را می‌توان در دو حوزه فردی (اعتقادی، اخلاقی - روانی) و اجتماعی بررسی کرد. غفلت از یاد خدا، تکذیب و خیانت نسبت به خدا و رسولش، دین‌فروشی و لغزش و انحراف از دین، از پیامدهای فردی به شمار می‌روند. بخل، تفاخر و استهزاء و مسخره کردن مردم از پیامدهای اخلاقی - روانی دنیاگرایی هستند.

۵. راه درمان دنیاگرایی در آیات قرآن و سنت و سیره معصومان علیهم‌السلام که راهنما و نقشه رسیدن انسان به سعادت اخروی هستند، به‌زیبایی هر چه تمام بیان شده است. راه‌هایی مثل ایمان به خداوند، توجه به هدف خلقت انسان، زهد، فکر و شناخت دنیا و... که همه درصدد نجات انسان دنیازده هستند.

## منابع

\* قرآن کریم.

\* نهج البلاغه.

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم، ۱۴۱۴ق، لسان العرب، تحقیق و تصحیح جمال الدین میردامادی، بیروت، دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع.



۲. احمدپور، علی، ۱۳۹۹، بررسی لذت و لذت‌طلبی از منظر قرآن و مادی‌گرایان، فصلنامه علمی - ترویجی اخلاق، دوره ۱۶، شماره ۴۰.
۳. بنت، اندی، ۱۳۹۳، فرهنگ و زندگی روزمره، ترجمه لیلا جو افشانی و حسن چاوشیان، تهران، اختران.
۴. بیضاوی، عبدالله بن عمر، ۱۴۱۸ق، انوار التنزیل و اسرار التأویل تفسیر بیضاوی، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۵. تقوی، حسین، ۱۳۹۰، آیین زندگی، تهران، تجرید، آثار امین.
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد، ۱۳۷۸، غرر الحکم و درر الکلم، ترجمه سید هاشم رسول محلاتی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۷. جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، تفسیر تسنیم، قم، نشر اسراء.
۸. جوهری، اسماعیل، ۱۴۰۴ق، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، بیروت، دار العلم للملایین.
۹. دستغیب شیرازی، عبدالحسین، [بی‌تا]، قلب سلیم، تهران، دار الکتب اسلامیة.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، ۱۳۵۱، لغت‌نامه، تهران، انتشارات سیروس.
۱۱. دیلمی، حسن بن ابی الحسن، ۱۴۱۲ق، ارشاد القلوب، قم، الشریف الرضی.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین، ۱۳۷۵، معجم مفردات الفاظ قرآن، تهران، کتابفروشی مرتضوی.
۱۳. صدوق، ابوجعفر محمد، ۱۳۹۸، التوحید، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۱۴. صدوق، ابوجعفر محمد، ۱۳۶۶، علل الشرایع، ترجمه سید هدایت الله مسترحمی، تهران، کتابفروشی مصطفوی.
۱۵. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۰، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه موسوی همدانی، تهران، بنیاد علمی و فرهنگی علامه.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۸۰، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، ترجمه علی کرمی، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
۱۷. طریحی، فخرالدین، ۱۳۶۲، مجمع البحرین، قم، انتشارات کتابفروشی مرتضوی.
۱۸. عروسی حویزی، ۱۴۱۵ق، عبد علی بن جمعه، تفسیر نورالثقلین، قم، اسماعیلیان.
۱۹. فاضل، امین‌الله؛ حق‌شناس، حسن و زهرا کشاورز، ۱۳۹۰، قدرت پیش‌بینی و ویژگی‌های شخصیتی و سبک زندگی بر رضایتمندی زوجی زنان پرستار شهر شیراز، فصلنامه زن و جامعه، دوره ۲، شماره ۷.

۲۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، ۱۴۱۴ق.، ترتیب کتاب العین، قم، موسسه نشر اسلامی.
۲۱. فیض کاشانی، ملا محسن، ۱۳۷۳، تفسیر الصافی، تهران، مکتبه الصدر.
۲۲. قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، تفسیر نور، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
۲۳. قرشی، علی اکبر، ۱۳۶۴، قاموس قرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۲۴. محمدی ری‌شهری، محمد، ۱۳۸۴، دنیا و آخرت از نگاه قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا شیخی، قم، سازمان چاپ و انتشارات دار الحدیث.
۲۵. مدرسی، محمدتقی، ۱۳۷۷، تفسیر هدایت، مشهد مقدس، آستان قدس رضوی، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۲۶. مشکینی اردبیلی، علی، ۱۳۸۷، درس‌های اخلاق، ترجمه علیرضا فیض، قم، الهادی.
۲۷. مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۴، اخلاق در قرآن، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۸. معین، محمد، ۱۳۸۰، فرهنگ فارسی، تهران، چاپخانه سپهر.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۷۰، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.
۳۰. مهدوی کنی، محمد سعید، ۱۳۸۷، دین و سبک زندگی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق.
۳۱. موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۷۱، شرح چهل حدیث، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).



## گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی در مواجهه با جریان‌های تکفیری

طاهره کاظمی\*

دانشجوی کارشناسی ارشد تفسیر و علوم قرآن، مدرسه عالی بنت المصطفی

### چکیده

امروزه با توجه به گسترش روزافزون روابط بین‌الملل میان جوامع مختلف و شکل‌گیری سازمان‌های اجتماعی مردم‌نهاد جهت افزایش تعاملات میان ملت‌ها و دولت‌ها علی‌الخصوص جوامع مسلمان و غیرمسلمان، ضرورت سامان‌دهی سازمان‌ها جهت هدفمند کردن گفتمان دینی در میان ملت‌ها، پیش از قبل احساس می‌شود. یکی از نمونه‌های بارز گفتمان دینی در سطح جهان اسلام، نوع گفتمانی است که از سوی انقلاب اسلامی پایه‌ریزی شده است. اما در این بین در برخی از جوامع مسلمان، جریان‌هایی تکفیری ظهور کرده است که با اهدافی از قبیل عقل‌ستیزی، خشونت‌گرایی، از بین بردن آرمان وحدت اسلامی، ایجاد فاصله میان مردم و رهبران اسلامی، انحراف جوامع و... چالش‌های متعددی را علیه گفتمان انقلاب اسلامی به وجود آورده‌اند. ساده‌انگاری است که تصور کنیم شکل‌گیری جریان‌های تکفیری تنها به واسطه ریشه‌های جاهلیت در بین مردم شکل گرفته است و نظام سلطه در پیدایش این نوع تفکر نقشی نداشته است. برای مبارزه با این نوع از جاهلیت باید به‌خوبی با ریشه‌های پیدایش و شکل‌گیری آن‌ها آشنا شد. در این نوشتار با روش تحلیل محتوا با معرفی جریان‌های تفکر تکفیری به‌عنوان یکی از مصادیق جاهلیت مدرن در عصر حاضر، به تبیین برخی از عقاید این فرقه‌ها و آسیبی که به نظام سلطه وارد می‌کنند، می‌پردازیم و در پایان راهکارهایی جهت مقابله با جریان‌های تکفیری و افزایش سطح گفتمان انقلاب اسلامی در جوامع بین‌الملل ارائه خواهیم کرد.

**کلیدواژه:** جهل، جاهلیت مدرن، تکفیر، گفتمان، انقلاب اسلامی

### مقدمه

جاهلیت یکی از واژه‌هایی است که در فرهنگ قرآنی به‌طور مکرر مورد استفاده قرار گرفته است، بنابراین بررسی بار مفهومی آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌خصوص اینکه واژه مزبور در بیشتر موارد مقابل اسلام به

کار رفته است، در حالی که مکتب انسان‌ساز اسلام همواره با عادات، احکام و عقاید باطل، کج‌اندیشی‌ها و انحرافات جامعه به مقابله پرداخته و از آن به جاهلیت تعبیر کرده است. با اندکی تأمل می‌توان دریافت که بخشی از عقاید و اندیشه‌های نوظهور در جوامع پیشرفته امروزی که باعث ایجاد جریان‌های فکری خاص و ایجاد روحيات و تعصبات تکفیری در جهان شده است، ریشه در عصر جاهلیت دارد. در فرمایشات مقام معظم رهبری علیه السلام از این جریانات به‌عنوان یک جریان مضر و خطرناک برای دنیای اسلام یاد شده است که اگرچه تازه نیست و سابقه‌ای تاریخی دارد اما چند سالی است که با حمایت کشورهای استعمارگر به فعالیت خود ادامه می‌دهند و چهره اسلام را در دنیا مخدوش می‌سازند.

به‌طور مثال ظهور جریان‌هایی نظیر القاعده، طالبان و گروه‌های تکفیری داعش در سوریه و عراق و تأثیراتی که چنین جریاناتی در منطقه داشتند، سوالاتی را درباره خاستگاه این جریان‌ها و همچنین نقش کشورهای منطقه و فرمانطقه در شکل‌گیری و تقویت این جریان‌ها به وجود آورده است. تحلیل‌ها و بررسی‌ها نشان‌دهنده نقش بعضی قدرت‌های فرمانطقه‌ای در شکل‌گیری یا تقویت جریان‌های تکفیری در جهان اسلام است. این قدرت‌ها افزون بر ایجاد اختلاف در امت اسلامی، به‌ویژه بین شیعه و سنی، به‌دنبال نشان دادن چهره‌ای خشن و غیرمنطقی از اسلام برای شهروندان خود هستند.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، برخی قدرت‌های جهان و همچنین برخی قدرت‌های منطقه در واکنش به رویکردهای انقلاب اسلامی و گرایش فزاینده به اسلام در سطح منطقه و جهان، یک سری اقدامات محدودکننده‌ای علیه گفتمان انقلاب اسلامی انجام دادند. همچنین با توجه به اثرگذاری گفتمان انقلاب اسلامی در ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در جهان اسلام، نقش برخی کشورهای منطقه در تقویت و پشتیبانی جریان‌های تکفیری و استفاده از آن‌ها به‌مثابه وزنه‌ای علیه گفتمان انقلاب اسلامی درخور بررسی است.

گفتمان انقلاب اسلامی با شاخص‌های بین‌المللی همچون تأکید بر اسلام ناب، هم‌گرایی اسلامی و استکبارستیزی شکل گرفت و پس از پیروزی از نظر بین‌المللی و منطقه‌ای، خواستار نوعی نظم نوین منطقه‌ای شد که در آن کشورهای منطقه با نفی وابستگی به قدرت‌های بزرگ و استکبار استکباری، به‌گونه‌ای مستقل در مسائل منطقه‌ای تصمیم‌گیری کنند. راهکارهای پیشنهادی در چارچوب گفتمان انقلاب اسلامی، درباره خروج قدرت‌های بزرگ از منطقه، همکاری و اتحاد جهان اسلام و کشورهای منطقه بود.

این گفتمان از زمان شکل‌گیری تاکنون همواره با تهدیدهایی در عرصه‌های

مختلف به‌ویژه بین‌الملل روبرو بوده است. در این پژوهش این سوال مطرح می‌شود که چه ارتباطی میان جاهلیت مدرن و جریان‌های تکفیری در عصر حاضر وجود دارد و به چه ترتیبی جاهلیت مدرن باعث ایجاد تغییراتی در گفتمان سیاسی در سطح منطقه می‌شود؟

## ۱- مفهوم‌شناسی

### ۱-۱- جاهلیت

جاهلیت از نظر لغوی از ریشه «ج ه ل» اشتقاق یافته و در نقطه مقابل علم بکار می‌رود (هو و خالو نفس من علم هذا هو الحق؛ اصل در معنای جهل خالی شدن جان از آگاهی است). (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق. ۹۰۲) معنای دیگری نیز برای جاهلیت ذکر شده و به دو نوع مذموم و ممدوح نیز تقسیم شده اما از نظر لغوی، برگشت همه این موارد به عدم علم است. البته معنای اصطلاحی جاهلیت با معنای لغوی آن فاصله قابل توجهی دارد و معنای اصطلاحی جاهلیت را با تکیه بر معنای لغوی آن نمی‌توان به‌درستی درک نمود. (خرمشاهی، ۱۳۹۳، ج ۱: ۱۳۸)

آیاتی از قرآن کریم به تبیین و توصیف جاهلیت می‌پردازد و ما را به این نکته دقیق رهنمون می‌شود که از نظر قرآن جاهلیت نقطه مقابل اسلام است: «أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنْ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ»؛ (مائده/ ۵) آیا اینها حکم جاهلیت را می‌جویند؟ در حالی که برای مردم صاحب یقین کیست که حکمش بهتر از حکم خدا باشد؟»

در ذیل همین آیه امام صادق علیه السلام می‌فرمایند که حکم بر دو نوع است؛ یکی حکم خدا و دیگری حکم جاهلیت. قهرا کسی که به حکم الهی حکم نکرده باشد، به جاهلیت حکم نموده است. (طباطبایی، ۱۳۷۸، ج ۵: ۹۹۵)

مبنای حکم جاهلیت، هوای نفس و ترجیح آن بر حکم الهی است. از منظر قرآن، یک فرد مسلمان موظف است از هوای نفس خود بگذرد و به‌طور کامل تسلیم احکام الهی گردد و الا مؤمن حقیقی به حساب نخواهد آمد: «فَلَا وَ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَ يُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا»؛ (نساء/ ۶۵) به پروردگارت سوگند که آن‌ها ایمان نخواهند آورد، مگر اینکه در اختلافات خود، تو را به داوری طلبند و سپس از داوری تو، در دل خود احساس ناراحتی نکنند و کاملاً تسلیم باشند.»

آیه فوق ایمان را معادل تسلیم محض در مقابل حکم الهی می‌داند. تسلیم فوق قید و شرط خاصی ندارد و مطلق است و همه موارد اختلاف را شامل می‌شود. به‌بیان دیگر، آیه فوق به دو نکته در مورد تسلیم شدن در برابر

احکام الهی اشاره می‌فرماید؛ یکی تسلیم شدن در همه شئون زندگی و دیگری تسلیم محض و دخالت ندادن هوای نفس در این تصمیم. بر این اساس است که قرآن کریم کسانی را که در حکم خویش به احکام الهی توجه ندارند، فاسق و ظالم و کافر می‌داند. (ویسی کرمی، ۱۳۸۷: ۶۳)

## ۱-۲- انقلاب اسلامی

شاید به تعداد اندیشمندانی که در مورد انقلاب قلم زده‌اند، تعاریفی از انقلاب ارائه شده باشد. این تعاریف کم و بیش وجوه اشتراک و اختلافی نسبت به یکدیگر دارند و هر یک از آن‌ها زاویه‌ای از زاویه‌های انقلاب را آشکار می‌سازد. آنچه مسلم و قطعی است اینکه بر روی هیچ تعریف مفهومی رضایت‌بخش و مورد پذیرش عموم، اتفاق نظر وجود ندارد.

در کالبدشکافی تعاریف انقلاب، به مؤلفه‌هایی نظیر دگرگونی بنیادین و ساختاری، تغییر نهادها، جابه‌جایی نخبگان، خشونت و بی‌نظمی و... برمی‌خوریم که بر اساس تحلیل انقلاب‌های جهان، در تعریف انقلاب جای گرفته‌اند.

وقوع انقلاب اسلامی ایران که یکی از بزرگ‌ترین پدیده‌های تاریخ در قرن بیستم بود و در زمره مهم‌ترین جنبش‌های سیاسی اجتماعی بشمار می‌آید، تعاریف موجود و نیز نظریه‌های انقلاب را به چالش کشیده و ضرورت ارائه تعریف جدیدی از انقلاب را به دنبال آورد. انقلاب اسلامی خصوصیات منحصر به فردی دارد که آن را از دیگر انقلاب‌های جهان ممتاز می‌سازد و مفهوم جدیدی از انقلاب را ارائه می‌دهد. برخی از این خصوصیات از نظر معمار بزرگ انقلاب اسلامی از این قرارند:

- برخورداری از پشتوانه عظیم فلسفه و فقه و معارف شیعه در طول هزار سال.
- انقلاب اجتماعی همه‌جانبه همراه با تحول بنیادین در زندگی اسلامی.
- استواری بر پایه فرهنگ و اعتقاد و ایمان در مراحل اوج‌گیری و سازندگی انقلاب.
- بهره‌مندی از رویکرد ارزشی و هدف‌گیری اصلاح مفاسد جهانی و بشری.
- حاکم‌سازی فرهنگ توحیدی به‌جای فرهنگ استبدادی.

با توجه به این خصوصیات، انقلاب اسلامی یک تفسیر الهی و اسلامی بوده و به معنای زنده کردن دوباره اسلام است؛ چنان‌که رهبر انقلاب علیه‌السلام می‌فرماید: انقلاب یک تفسیر الهی و اسلامی است. ما انقلاب را یک تحول اخلاقی، فرهنگی و اعتقادی می‌دانیم که به دنبال آن تحول اجتماعی، اقتصادی و سیاسی و آنگاه رشد همه‌جانبه ابعاد انسان‌ها می‌آید و هر وقت انسان‌ها خصلت‌های بد، ضعف‌ها، نقص‌ها و بیماری‌ها را در خودشان تغییر دادند،

اوضاع و احوال اجتماعی آن‌ها تحول پیدا خواهد کرد. هیچ چیز هم جلوگیری آن نخواهد بود و برای شروع این حرکت و تحول همگانی، انسان‌ها باید احساس تکلیف کنند. (شفیعی، ۱۳۸۵: ۱۲)

### ۱-۳- گفتمان

گفتمان اصطلاحی گسترده دامن، چندوجهی، چندسطحی و با تعریف‌های متفاوتی است. گفتمان مجموعه‌ای از مفاهیم، انگاره‌ها، ایستارها، اصطلاح‌ها و معانی را یکپارچه نموده و پهنه‌ای بسیط، از ادبیات و زبان‌شناسی تا جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، علوم رسانه و ارتباطات، روان‌شناسی، فلسفه و دیگر حوزه‌های (عموماً میان‌رشته‌ای) علوم انسانی و اجتماعی را پوشش می‌دهد. تعریف گفتمان سیاسی به‌سختی می‌تواند از تعریف مفهوم «سیاست» و «امر سیاسی» اجتناب کند و از دیگر سو، سیاست و نیز امر سیاسی چیزی نیست که یک تعریف واحد، بدیهی و مورد اجماع داشته باشد.

### ۲- ماهیت جریان‌شناسی تکفیری

در کلام و فقه، یکی از معانی اصطلاح تکفیر، نسبت کفر دادن به مسلمانان است (صرامی، ۱۳۹۶: ۳۷) که همین معنی امروزه به‌صورت اصطلاح سیاسی معاصر، مورد توجه جهان قرار گرفته است. از این رو می‌توان گفت تکفیری عنوانی است که به فرد یا گروهی اطلاق می‌شود که بنا بر قرائت افراطی از قرآن و احادیث مسلمانان، مخالف عقیده خود را بر خلاف معیارهای شرعی شناخته، متهم به کفر و خروج از دین می‌کند.

ایدئولوژیک جریان‌های تکفیری به ایدئولوژی سلفیت برمی‌گردد. این جریان قرائت متفاوتی از اسلام دارد که خارج از موازین فقه مذاهب چهارگانه اهل سنت و حتی وهابیت است. مهم‌ترین مشخصه‌های پیروان این جریان که آنان را از مذاهب اهل سنت و حتی وهابی‌ها جدا می‌کند، تکفیر مسلمانان مخالف افکار خود و مبارزه مسلحانه و خشونت‌آمیز با آن‌ها تحت عنوان جهاد می‌باشد. از این رو تکفیری‌ها همچون خوارج صدر اسلام، هر مسلمانی که افکار باطلشان را نمی‌پذیرد، متهم به کفر و بی‌دینی می‌کنند و در برابر وی تحت عنوان جهاد مرتکب زشت‌ترین و ننگین‌ترین جنایات و منکرات می‌شوند. در واقع، وجود تفکرات جاهلانه و تعصب و افراطی‌گری این گروه‌ها باعث شده با کینه‌ای عمیق‌تر در ابتدا شیعیان را هدف بگیرند و همچنین در جهت موج اسلام‌هراسی، خدمتی را برای استعمارگران انجام دهند تا مجوزی برای دخالت سیاسی و نظامی آنان در کشورهای اسلامی فراهم گردد.



### ۳- شاخص‌های جاهلیت و مصادیق آن در انقلاب اسلامی

با عنایت به مؤلفه‌های قرآنی جاهلیت می‌توان ردپای فرهنگ جاهلی را در دنیای مدرن امروزی نیز جستجو کرد و آن را جاهلیت مدرن نامید. در این بخش مؤلفه‌های قرآنی جاهلیت با توجه به مصادیق امروز آن در انقلاب اسلامی واکاوی شده است.

#### ۳-۱- سوءظن نسبت به خداوند

از جمله عناصر سازنده فرهنگ جاهلیت در قرآن پندارهای باطلی هستند که قرآن از آن‌ها به ظن جاهلی تعبیر کرده است. این پندارهای باطل از سوءظن به خدا نشأت می‌گیرد که در نهایت جز عدم آرامش، تأثیری در فرد نخواهد گذاشت. نقطه مقابل چنین دیدگاهی، بی‌اعتمادی به خدا و دین الهی است که از سوءظن به قدرت یا حکمت یا مشیت خیر الهی ناشی می‌شود؛ همان گونه که قرآن از چنین پندار رایج در میان مشرکان مکه در دوران جاهلیت به ظن جاهلی تعبیر کرده است. بدیهی است سوءظن به خدا منجر به عدم پذیرش وعده هدایت و نصرت الهی خواهد شد. حاصل این پندار باطل، دل سپردن به مکاتب مادی و به حاشیه راندن دین از عرصه اجتماع و سیاست خواهد بود که مصادیق بارز سوءظن به خدا در جوامع مدرن است.

این اندیشه که دین امری متمایز از علم و عقلانیت نظری است، ساخته و پرداخته فلاسفه است؛ بدین‌سان خدا و دین عملاً محدود به اخلاق و عقل عملی و نظام‌های ارزشی شدند و بین آن‌ها و عقلانیت نظری بشر تفکیک شد. (باربور، ۱۳۹۷، ج ۱: ۱۳۱) برخی از موفقیت‌های نسبی علم تجربی و عقلانیت مدرن (عقلانیت نظری)، رفته‌رفته این تصور را ایجاد نمود که یکی از طرفین این تفکیک، یعنی علم و عقل مدرن، موفق و ناجی است و دین که جدا از عقل و علم انگاشته شده، سخنی نجات‌بخش و راهنما ندارد؛ یعنی تفکیک قائل شدن بین خدا و عقل و همچنین بین اخلاق و علم و مواردی از این قبیل، راه را برای بروز سوءظن به خدا فراهم آورده و بدین ترتیب علم و عقل بشری به‌عنوان نهادهایی جدا از خدا و رقیب‌های موفق در برابر خدا و دین دانسته شدند و عقل و علم بشری تنها راه نجات معرفی شده است. (صانع‌پور، ۱۳۸۰: ۱۲۰)

تمام این مسیر انحرافی در دو پندار باطل ریشه داشت؛ یک جدا انگاشتن بحث خدا و الهیات از عقل و علم و دیگری سوءظن به خدا و دین با این مضمون که توانایی علم و عقل بشری برای اداره جامعه و رهنمونی انسان به سعادت کافی نیست.

بشر زمانی که سوءظن خود را درباره برتری علم و عقل بشری بر خدا و

تمایز عقلانیت از الهیات کنار بگذارد، راه نجات و سعادت را خواهد یافت و از بحران‌های تمدن جاهلان‌های که با دست خویش برای خود ساخته، نجات می‌یابد و راه گفتمان انقلابی برای وی هموار می‌گردد.

انقلاب اسلامی ایران به‌مدد پیروی از رهبری متدین و مجتهدی وارسته، توانسته از این سد به‌راحتی عبور کند و انقلابی را در سطح جهان که اساس آن حسن ظن به خدا و اسلام است، پایه‌ریزی نماید.

### ۳-۲- تعصب

پیش‌تر تأسف و خشم شدید به‌عنوان مؤلف‌های دیگر از جاهلیت مطرح می‌گردید و منشأ آن عصبیت جاهلان‌ه غرور بود؛ غروری که جز عدم تسلیم در برابر حق و حقیقت حاصلی نداشته است. تعصب حاکم بر عصر جاهلیت در جوامع مدرن امروزی نیز به اشکال مختلف ظهور یافته و مؤلف‌های دیگر از جاهلیت مدرن را نمایان ساخته است؛ گونه‌ای از تعصب جاهلان‌ه در جوامع پیشرفته، آمیختن اعتقادات و خواسته‌های خود با حقایق است که مصداق بارز آن اروپامداری است که غرب را درون تاریخ منشا توسعه جهان و شرق را خارج از آن قرار می‌دهد.

نویسندگان اروپامدار همچون روپرت و لانس، تنها به‌دلیل غرور و تعصب که مانع درک حقیقت روشن می‌شود، چنین تفکری را حقایقی دانسته که در دنیای واقعیت رخ داده است. (شعبان‌پور، ۱۳۹۴: ۵۴)

نمونه‌ای دیگر از تعصب جاهلیت در جوامع مدرن تعصبات قومیتی است. با اینکه گفته می‌شود تعصبات قومیتی رو به افول است، باید اذعان نمود این امر تنها از دیدگاه کسانی است که مستقیماً از این امر آسیب ندیده‌اند. امروز بی‌اعتنایی به تبعیض‌های قومیتی پنهان از سوی دولت‌مداران کشورهای پیشرفته، امری کاملاً عادی به شمار می‌رود. حتی با وجود انقلاب اسلامی در کشوری همچون ایران، شاهد تمایز و نادیده‌انگاری این حقایق هستیم و بی‌توجهی به این موضوع منجر به اختلافات قومیتی و تداوم تبعیض در سطح جامعه خواهد شد.

### ۳-۳- خشونت‌یابی و افراطی‌گری

رژمی بلاشر، شرق‌شناس فرانسوی، در کتاب تاریخ ادبیات عرب درباره جاهلیت می‌گوید: «لفظ جاهلیت در حقیقت شامل تمام پدیده‌های خشونت و درندگی، استبداد، خودپرستی و... می‌شود.» (بهرروز، ۱۳۵۹، ج ۱: ۶۴)

در نگاهی به نقش و تأثیرات تفکرات جاهلان‌ه در شکل‌گیری بحران‌های جهانی باید توجه داشت که جهل جاهلیت صرفاً به‌عنوان نادان بودن نیست،

بلکه به تعبیر مقام معظم رهبری علیه السلام، جاهلیت به معنای وسیع عبارت است از غلبه و حاکمیت نیروی شهوت و غضب انسانی بر محیط زندگی. در چنین وضعیتی جوامع انسانی به شکلی در می‌آید که ارزش‌های اخلاقی و انسانی در آن گم می‌شود و رفتارهای رذیلانه عمومیت پیدا می‌کند. از مصادیق خشونت و افراطی‌گری که می‌توان به آن اشاره کرد، جریان‌های تکفیری و سلفی هستند که با انجام اقدامات وحشیانه خود سعی در ایجاد رعب و وحشت در میان مردم دارند تا برای خود نقابی ایجاد کنند که کم‌تر کسی جرأت رویارویی با آنان را داشته باشد و همچنین معرفی مسلمانان به عنوان تروریسم که برنامه‌ای جز نابودی بشریت ندارند.

به‌عنوان مثال اغتشاشات سال ۱۴۰۱ می‌تواند نمونه‌ای از خشونت‌گرایی و حملات جریان‌های تکفیری به جامعه باشد؛ حمله به شاهچراغ و کشتن زائران بی‌گناه، حمله به نیروهای بسیجی و انتظامی، حمله به صفوف نمازگزاران در مساجد، حمله به زنان محجبه و...

### ۳-۴- رشد اندیشه‌های انحرافی

با گسترش و ترویج جاهلیت، ناهنجاری‌ها بر اثر کم‌رنگ شدن اعتقادات و عبور از مقدسات بشری به رفتارهای غالب در جامعه تبدیل می‌شود و به تدریج معنا پیدا می‌کند. بنابراین این امکان دارد که جامعه از علوم تجربی و غیرتجربی بهره‌مند باشد، اما در عین حال جامعه‌ای جاهل باشد که مبنای آن پیروی از تفکرات جاهلانه است. عموماً این نوع از تفکرات لجام‌گسیخته برآمده از جهالت مدرنی است که بسترهای لازم را برای اندیشه‌های انحرافی و سر برآوردن سازمان‌های تروریستی از بستر ایدئولوژی‌های انحرافی و ساختگی فراهم آورده است. ظهور گروه‌های تروریستی تکفیری از القاعده تا داعش، محصول جاهلیتی است که امروز در دنیای پیشرفته پنهان است و هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد.

### ۳-۵- آسیب جریان‌های تکفیری در حوزه باورها و اعتقادات

اکثر محققانی که درباره گروه‌های تکفیری مطالعه کرده‌اند، متفق هستند که در جریان جایگاه ریشه‌یابی افکار این گروه‌ها هیچ‌کس را نمی‌توان یافت که به اندازه ابن تیمیه اهمیت داشته باشد. از شخصیت‌های مهم تاریخی دیگری که بر این گروه تأثیر گذاشته، می‌توان به محمد بن عبدالوهاب اشاره کرد. او کسی بود که افکار و عقاید ابن تیمیه را به مرحله عمل درآورد. ویژگی محوری و تأثیرگذار بر رفتار و عملکرد گروه‌های تکفیری که در توسعه مفهوم کفر و شرک اثر گذاشته است، برداشت اشتباه از مفهوم توحید می‌باشد. در کنار این مسئله، تعصب و عدم قبول قول و نظر دیگران در تشدید اقدامات آنان اثر

گذاشته و آنان را از مسیر حق منحرف ساخته است.

مقام معظم رهبری علیه السلام فکر، عقیده و روح حاکم بر این جریان‌ها را با صفاتی همچون باطل‌پلید معرفی می‌کند. عمق کج‌اندیشی و جهالت این گروه‌ها تا جایی پیش می‌رود که هتک حرمت به ساحت بزرگان را جزئی از وظایف دینی می‌شمارند.

بنابر این مطالب، یکی از آسیب‌های ریشه‌ای جریان‌های تکفیری از دیدگاه مقام معظم رهبری علیه السلام در سطح انحرافات است که در عقاید و باورهای آنان به وجود آمده است. عقایدی که پایه‌گذار رفتار خشن گروه‌ها و جریان‌های تکفیری شده است.

#### ۴- چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی

در تاریخ معاصر، ایران شاهد تحولات اساسی ناشی از ورود آن به دنیایی جدید و ستیز برای پیوستن یا دوری گزیدن از آن می‌باشد. در کنار تحولات بزرگی چون تجزیه سرزمینی، سلطه استعمارگران، شکل‌گیری جنبش‌های استقلال‌طلبی، تغییر سلطنت در ایران، نهضت ملی شدن صنعت نفت، کودتای بیست و هشت مرداد، از خودبیگانگی فرهنگی و فروپاشی اجتماعی ناشی از سیاست مدرنیزاسیون و ده‌ها وقایع دیگر، در ایران دوران جدید، دو تحول بنیادین رخ داد که بر سرنوشت کشور و حتی بسیاری از کشورهای جهان تأثیری عمیق نهاد. چنین تأثیری که نه تنها در حوزه سیاست، بلکه به‌طور فراگیر در همه حوزه‌های اقتصادی، فرهنگی، هنری، اجتماعی و حتی در حوزه بین‌الملل عمیق و ساختاری بوده است و می‌توان به‌عنوان یک فرضیه این مسئله را مطرح کرد که می‌بایست از پدیده جدیدی در ایران سخن گفت و آن ظهور گفتمان مستغلی با عنوان گفتمان انقلابی در دوره معاصر می‌باشد. (ملکوتیان، ۱۳۹۶: ۶۸)

اما از این نکته نمی‌توان غافل بود که گفتمان انقلاب اسلامی در ایران و در جهان اسلام با مشکلات و معضلات متفاوتی روبرو شده است. جریان‌های تکفیری همیشه تلاش داشته که مشکلات و چالش‌های متعددی را علیه گفتمان انقلاب اسلامی به وجود آورند. چالش‌هایی با ابعاد مختلف و مخاطبین متفاوت که در این پژوهش چالش‌های سیاسی مورد بررسی قرار می‌گیرد. در ادامه مقاله به بررسی این موارد می‌پردازیم.

#### ۴-۱- فراموشی آرمان وحدت اسلامی

یکی از شاخصه‌ها و اهداف گفتمان انقلاب اسلامی هم‌گرایی و وحدت مسلمانان است. انقلاب اسلامی در شرایطی این مهم را سرلوحه اقدامات خود قرار داده که زمینه‌های

تفرق و اختلاف میان کشورهای اسلامی از سوی دشمنان اسلام به شدت تقویت می‌شود. جهان اسلام در صورت عمل کردن به آموزه‌های دینی و قرآنی، امت واحد است. تصور جهان اسلام به‌عنوان امت واحد و یکپارچه که نیروی انسانی و منابع و انرژی بسیار زیادی دارد، منجر به ایجاد نظامی بین‌المللی و قدرتمند می‌شود که در سطح جهان جایگاه ویژه‌ای دارد.

در این زمینه حرکت‌هایی در جهان اسلام مانند شکل‌گیری کنفرانس اسلامی، حرکت‌های تقریبی و... نیز انجام گرفته است. گفتمان انقلاب اسلامی از منادیان این آرمان و پیگیر راهبرد وحدت اسلامی می‌باشد. اما مهم‌ترین موضوعی که باعث شد جهان اسلام در رسیدن به این آرمان ناکام بماند، درگیری‌های مذهبی و وجود نشست‌های تفرقه‌انگیز درونی است. کوبیدن بر طبل تکفیر و افراط‌گرایی، جهان اسلام را به درگیری‌های داخلی فرو خواهد برد و امت واحد در حد آرمانی دست‌نیافتنی باقی خواهد ماند. یکی از زمینه‌های هم‌گرایی در جهان اسلام، حرکت‌های تقریبی است که علمای شیعه و سنی به آن اهتمام می‌ورزند. علمایی مانند امام خمینی رحمته‌الله و... سیر تفکری را دنبال کرده‌اند که به هم‌گرایی جهان اسلام کمک می‌کنند و توجه به مشترکات در این اندیشه، فرصت‌های زیادی برای جهان اسلام فراهم می‌کند اما تحریک جریان‌های تکفیری و حمایت قدرت‌های بین‌المللی از آن‌ها، این سنت فکری و عملی را در تاریخ مسلمانان خدشه‌دار کرده است.

گسترش اندیشه‌های تکفیری به برجسته شدن افتراق‌های گروه‌های مختلف مسلمانان و فراموش شدن محور مشترک و در نهایت شکسته شدن استراتژی‌های تقریب منجر می‌شود.

با توجه به باورهای تنگ‌نظرانه این جریان‌ها در کشورهای اسلامی، اختلافات آن‌ها از گذرگاه عقیده عبور کرده، به همه ساحت‌های دیگر از جمله اقتصاد و اجتماع و سیاست سرایت کرده است؛ به‌گونه‌ای که در حلقه مسلمانان آنان مسلمانان کمی قرار می‌گیرد و بسیاری از آن‌ها مستحق قتل و غارت می‌شوند.

از جمله این موارد می‌توان به جریان‌های اغتشاشات اخیر اشاره کرد؛ جریان‌هایی که از طریق تغذیه رسانه‌های معاند و برنامه‌سازی‌ها در جهت فراموش شدن وحدت امت اسلامی به ایجاد تفرقه میان مسلمانان چه در بحث شیعه و سنی چه در بحث اقلیت‌های جامعه و قومیت‌گرایی و جداسازی اقلیت‌های کرد، بلوچ، عرب، ترک و... پرداخته است.

سلفی جدید با توسعه در دایره بدعت، بسیاری از مسائل علمی و مذهبی اختلافی را که سلفیه قدیم معمولاً در حوزه اختلافات اجتهادی قرار می‌دادند،

مشمول بدعت می‌دانند و مخالفان خود را به‌عنوان اهل بدعت تکفیر می‌کنند و گاهی نیز به ابزاری دلخواهانه در توجیه حمله به مخالفان بدل می‌شود. این اندیشه، مخالفان خود را به‌عنوان اهل بدعت طرد و تکفیر می‌کنند و بدون آنکه وجه مثبت آرا و اعمال انسان‌ها را ببینند، بیشتر دیدگاه بدبینانه و عیب‌جویانه دارند.

هرچند در طول تاریخ در کشورهای اسلامی فرقه‌ها و مذاهب مختلف مذهبی و کلامی در کنار هم زندگی کرده‌اند و قرن‌ها با هم و در کنار هم زندگی مسالمت‌آمیز و همراه با گفتگو داشته‌اند اما با نهایت تأسف باید باور کرد که در چند دهه اخیر گروه‌های تکفیری با فتواها و نوشته‌های خود زمینه آرامش اجتماعی را که لازمه پیشرفت جامعه است، از میان برده و زمینه‌های گسست اجتماعی و اختلافات خانمان‌برانداز را فراهم کرده‌اند. جریان‌های تکفیری با تأکید بر تکفیر فرقه‌های اسلامی به‌ویژه شیعیان، نقش مهمی در واگرایی شکاف و اختلاف در میان جوامع اسلامی دارد. این موضوع به‌ویژه به‌دلیل تعارض مبانی فکری و عملکردی آنان با شیعیان به‌عنوان روافض و تأکید بر اولویت جهاد با آنان حتی قبل از یهود از اهمیت بسیاری برخوردار است. در این زمینه باید دقت داشت که با توجه به اولویت ملت‌ها در سیاست صدور انقلاب اسلامی، گسترش اندیشه‌های تکفیری یکی از مهم‌ترین موانع جدی فراروی گفتمان انقلاب اسلامی برای دستیابی به وحدت جهان اسلام متصور می‌شود. گفتمان تکفیر با ایجاد انشقاق در بین امت واحده اسلامی و انحصار حقانیت بر خویش، عملاً در پیکره امت واحده اسلامی شکاف ایجاد کرده است. این در حالی است که مذاهب اسلامی همیشه در طول تاریخ در مسائل کلان امت اسلامی دارای وحدت بوده‌اند و با وجود اختلافات، هیچ‌گاه کلیت امت اسلامی را تهدید نمی‌کردند.

مبارزه با اسرائیل و نیز حرکت‌ها و نهضت‌های آزادی‌بخش، از برنامه‌های مهم و اصولی ایران در سیاست خارجی است.

#### ۴-۲- ایجاد فاصله بین نخبگان، مردم و رهبری انقلاب

با وجود تجربه‌های مختلف در انقلاب همچنان تئوری اختلاف بین نخبگان، مردم و رهبری انقلاب همواره در دستور کار مخالفان قرار دارد. این تقابل، گاه با نخبه‌های دینی اتفاق افتاده، گاه با نخبگان سیاسی و گاه با عوام مردم.

در اینجا به اجمال به چند نمونه از رویارویی نخبگان و رهبری در انقلاب اسلامی و شکل‌گیری فاصله بین آن‌ها اشاره شده است:

به‌طور مثال از چهره‌هایی که در مقابل رهبر انقلاب قرار گرفت، آیت‌الله

حسینعلی منتظری و جریان منتسب به او بود. کارشناسان آمریکایی با مخابره بینش سیاسی آیت‌الله منتظری دریافتند که وی مهره مناسبی برای رویارویی با حضرت امام است. با نفوذ در حلقه اطرافیان وی و ارائه اخبار نادرست، او را به رویارویی با امام سوق دادند. این فرایند همچنان ادامه دارد و طیفی از مراجع تقلید که از شاگردان حضرت امام رحمته‌الله بودند و نقش مؤثری در پیروزی و همراهی با امام و حتی حضور در مناصبی همچون امام‌جمعه، مجلس قانون‌گذاری، خبرگان رهبری و... داشتند، به سرنوشت انقلاب اسلامی بی‌توجه کرده و نوعی مصلحت‌سنجی برای ورود به عرصه‌های حمایت از رهبری انقلاب و حمایت از نیروهای انقلابی را در آن‌ها ایجاد کردند. (موسوی خمینی، ۱۳۸۵، ج ۱۵: ۵۴)

البته این امر در حال حاضر نیز قابل مشاهده است که برخی از نیروهای انقلابی که در صدر نظام حضور دارند و جزء خواص و رجال سیاسی محسوب می‌شوند، در مواجهه با اعتراضات و اغتشاشات سال ۱۳۸۸ و امسال، تصمیم به سکوت یا حمایت از معترضین گرفتند. مخالفان معمولاً از طریق نفوذ در دفاتر و بیوت آن‌ها، سعی در گمراه کردن و انحراف افکار رجال سیاسی دارند.

#### ۴-۳- پاسخ کاذب به نیازهای حقیقی جامعه و انحراف افکار عمومی

پس از اینکه بین نخبگان اختلاف پدید آمد، فرآیند به‌گونه‌ای هدایت خواهد شد که شعارها و اهداف اصلی انقلاب تغییر یابد و نیازهای اصلی و خواسته‌های واقعی انقلاب با تصویرسازی و هدف‌گذاری‌های غیرواقعی پاسخ داده شوند، در این صورت جامعه از مسیر اصلی انقلاب فاصله خواهد گرفت. با فضای پیش آمده بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جریان‌های مخالف و رقیب تفکر حضرت امام رحمته‌الله مانند لیبرال‌ها و سوسیالیست‌ها با رویکردهای خود به دنبال پاسخ به نیازهای جامعه و بهره‌وری از موقعیت موجود کشور بودند. این تلاش را در اوایل پیروزی انقلاب و دهه سوم و چهارم بسیار مشاهده می‌کنیم. اگرچه در اوایل انقلاب اسلامی سناریوی پاسخ کاذب به نیازهای جامعه نتوانست همانند انقلاب مشروطه، انقلاب را به انحراف بکشاند اما این شیوه به اشکال مختلف مورد استفاده قرار گرفت. این سوءاستفاده در حوزه سیاسی بیش از دیگر حوزه‌ها مورد استفاده و بهره‌برداری قرار گرفت. با پیروزی سیدمحمد خاتمی در انتخابات ۱۳۷۸ طرح جامعه مدنی و توسعه سیاسی و ارائه آن‌ها به‌عنوان اهداف حقیقی انقلاب اسلامی اختلاف شدیدی بین اقلیتهای مختلف به‌ویژه دانشجویان پدید آورد و طیف‌های مشهور اصلاح‌طلب با طرح مفاهیم موردنظر خود از این اصطلاحات، سعی در تحریف اهداف انقلاب داشتند. این طیف آشوب‌هایی را در جامعه ایجاد کرد که اغتشاشات سال‌های ۱۳۷۸، ۱۳۸۸ و ۱۴۰۱ از جمله آن‌ها بود. بعد از آن نیز با طرح شعار اعتدال، بدون ارائه

تعریف دقیقی از این مفاهیم، مخالفان راه خود را مخالف آزادی معرفی می‌کنند. مخالفان همیشه تلاش داشتند با طرح مفاهیم مبهم و کش‌دار در دوران اغتشاش از ناآگاهی طیفی از رهبران آن استفاده کنند و زمینه را برای انحراف افکار عمومی از اهداف اصلی انقلاب و همچنین ارائه پاسخ‌های کاذب به نیازها فراهم کنند. این فرایند در انقلاب اسلامی نیز با طرح مفاهیمی همچون توسعه سیاسی، آزادی، زنان، توسعه اقتصادی، جامعه مدنی و مانند آن پیگیری شده اما با وجود رهبری آگاه در این انقلاب بسیاری از این فتنه‌ها ناکام مانده است. با این حال خطرات زیادی از این حیث هنوز انقلاب اسلامی را تهدید می‌کند.

#### ۴-۴- تضعیف بسترهای گفتگو در سطح منطقه و بین‌الملل

یکی از شرایط حرکت در جهت پویندگی و پیشرفت، حاکم بودن شرایط تفاهم و گفتگوی منطقه‌ای در میان کشورها، دولت‌ها، مذاهب و جریان‌های فکری است. در فرآیند گفتگو، همه امور روندی استدلالی و همدلانه پیدا می‌کنند. برای رسیدن به پیشرفت نباید هیچ‌گاه باب گفتگو و استدلال منطقی بسته شود تا زمینه پیشرفت در جوامع فراهم شده و افراد به‌سادگی متهم به غیرخودی بودن، ارتداد، شرک، کفر و جاسوسی نشوند. با توجه به این نکته، جریان‌های تکفیری از مجموعه آرا و اندیشه‌های اجتهادی خود عنوان جداگانه‌ای برای شخصیت اسلامی خویش ساخته‌اند؛ به‌نحوی که آن‌ها را از دیگر مسلمانان دور کرده است. آن‌ها از تفکرات خود دژی ساخته‌اند تا از درون آن با هر کس که با رأی آن‌ها مخالفت کند، به‌صورت خشونت‌آمیز برخورد کنند. طبیعی است با این تصور، باب هر گونه گفتگویی بسته می‌شود و زبان منطق در کام می‌رود و زبان شمشیر حرف نهایی را می‌زند. آن‌ها با هر گونه فکر مغایر با اندیشه‌های خود شدیداً مخالفت کرده و حاضر به تحمل تفکر مخالف نبوده و برداشت خود را از دین، عین دین تلقی می‌کنند. بر پایه این پندارها و توهمات که پشتوانه تمام ایدئولوژی‌های آن‌ها است، در جریان تکفیری اصولاً هیچ جایگاهی برای تفاهم و گفتگو در سطح بین‌الملل وجود ندارد.

جریان‌های تکفیری با توجه به ابتلا به سطحی‌نگری و کوتاه‌بینی در سال‌های اخیر نشان داده‌اند که درک درستی از معارف و شریعت الهی ندارند. در این زمینه مقام معظم رهبری دام‌عزله با تأکید بر اینکه جریان تکفیری و افراطی، روحیه تحجر، ارتجاع و جمود را تقویت می‌کنند، معتقدند: «اسلام باید محور باشد، فکر اسلام و شریعت اسلام باید محور باشد. سعی کردند وانمود کنند که شریعت اسلام با پیشرفت و تحول و تمدن و این‌ها سازگار نیست، این حرف دشمن است. نخیر، کاملاً سازگار است. البته در دنیای اسلام کم نیستند کسانی که با روحیه تحجر و ارتجاع و جمود و عدم قدرت اجتهاد توانسته‌اند



این حرف دشمن را به‌نحوی تبیین و اثبات کنند. این‌ها مسلمان‌اند اما در خدمت آن‌هایند. ما در اطراف خودمان در برخی از این کشورهای اسلامی از این قبیل داریم که اسمشان مسلمان است اما یک ذره فکر نو، نگاه نو، فهم نو از معارف اسلامی، انسان در آن‌ها مشاهده نمی‌کند. بعضی‌ها فقط بلدند این را تکفیر کنند، آن را تفسیق کنند و اسم خودشان را مسلمان بگذارند.»

#### ۴-۵- تضعیف جایگاه فکری و ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی در سطح جهان

علت‌یابی این مسئله را باید در تأثیر انقلاب اسلامی بر معادلات کلان منطقه‌ای و نظام بین‌الملل طی دهه‌های اخیر جستجو کرد. مروری بر این تحولات بیانگر آن است که یکی از مهم‌ترین عوامل تغییر در معادله قدرت در مجموعه امنیتی خاورمیانه، تغییر معادلات ایدئولوژیکی بوده است. در این میان پیروزی انقلاب اسلامی نقطه عطفی در آخرین تحول ایدئولوژیکی به‌ویژه در منطقه پیرامونی بشمار می‌رود؛ زیرا پیرو آن ماهیت نزاع‌های اصلی در منطقه خاورمیانه تحت تأثیر اسلام‌گرایی قرار گرفت و چون اسلام‌گرایی دارای گرایش‌های مختلف و گاه متعارض با یکدیگر است، این مسئله اهمیت خود را بیش از پیش در این تحولات نشان داده است. از وجوه تمایز انقلاب اسلامی با سایر جنبش‌های سیاسی معاصر، توانایی ایدئولوژیک آن است؛ یعنی علاوه بر اینکه پیام و ایدئولوژی سعادت‌بخشی را برای نهضت‌های مردمی به ارمغان آورد، به‌نحوی که امروزه این انقلاب حتی در نظر غیرمسلمانان به نماد قدرت و افتخارآمیزی برای مبارزه با امپریالیسم و استکبار جهانی تبدیل شده‌است.

انقلاب اسلامی در حوزه جهان اسلام توانسته چشم‌انداز جدیدی ایجاد کند؛ از جمله موجب شده که جنبش‌های آزادی‌بخش در این حوزه چه به‌لحاظ ماهیت و راهبرد و چه به‌لحاظ تاکتیک و عناوین و شعارها، تحت تأثیر گفتمان انقلاب اسلامی قرار گیرد. نمونه آن تفاوت ماهوی جهت‌گیری جنبش‌های آزادی‌بخش فلسطین در قیاس با قبل از انقلاب اسلامی است. همچنین جهان اسلام به تأثیر از انقلاب اسلامی از رخوت و انفعال چندین قرن خارج شده و با ظهور بیداری اسلامی ظرفیت جدیدی نمودار گشته است. (حقی، ۱۳۹۷: ۲۶)

این جریانات همواره تلاش داشتند به چندین طریق منزلت انقلاب اسلامی را مخدوش سازند؛ اولاً با دستاویزهای قومیتی، همزیستی میان اقوام مختلف در منطقه را به هر شکلی به‌شدت به مخاطره انداخته و با تکیه به شکاف اجتماعی و فرهنگی سعی کردند تا ضمن کاستن از توان ایدئولوژیکی انقلاب اسلامی در پروسه نفوذ منطقه‌ای و احیاناً جهانی اخلاص ایجاد نمایند. ثانیاً تلاش کردند شکاف سنی و شیعه را در برابر شکاف اسلام و غرب تقویت کنند. از این

منظر، رویکرد تکفیری در تلاقی با جهت‌گیری قدرت‌های غربی و صهیونیسم قرار می‌گیرد که به‌جای خط‌مشی وحدت‌گرایانه، واگرایی را توسعه می‌دهد که به‌منزله تضعیف شأن ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران در بعد منطقه‌ای است. (پورسعید، ۱۳۸۵: ۸۴۰)

## ۵- راهکارهای سیاسی مقابله با جریان‌های تکفیری

### ۵-۱- تبیین صحیح گفتمان عقلانی انقلاب اسلامی

یکی از مهم‌ترین راهکارها در عرصه سیاسی جهت مقابله با چالش‌های جریان‌های تکفیری، تبیین صحیح گفتمان انقلاب اسلامی است. برای تبیین گفتمان انقلاب اسلامی باید عناصر اصلی آن را شناخت تا بتوان تهدیدات آن را نیز شناسایی کرد و در نهایت راه‌حل‌هایی متناسب با آن را ارائه نمود. انقلاب اسلامی ایران با تکیه بر مفاهیم اسلامی و تأکید بر حاکمیت اسلامی و ستودن گفتمان‌های لیبرالیسم و سوسیالیسم، هویت خود را با به‌عنوان الگویی مطابق با معیارهای اسلام قرار داد و منجر به تغییر در نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهای مستولی شده بر عرصه سیاسی شد. گفتمان انقلاب اسلامی بر محورهایی از جمله حاکمیت الهی، سیاست دینی و نفی سکولاریسم، عدالت‌خواهی، معنویت‌گرایی، مردم‌سالاری دینی، وحدت اسلامی، مبارزه با استبداد، استکبار، استعمار و... متمرکز شده است و به‌نحو بارز این ویژگی‌ها در مواضع جمهوری اسلامی ایران در طول سالیان بعد از انقلاب اسلامی جریان رو به رشدی داشته است. (حسینی‌زاده، ۱۳۹۶: ۳۱)

گفتمان انقلاب اسلامی بر آن اساس است تا سبک خاصی از زندگی را بر اساس آموزه‌های اسلامی و قرآنی تبیین و در جامعه بشری اجرایی کند. این گفتمان بر آموزه‌های وحیانی قرآن استوار یافته است و چون مقید به قرآن و آموزه‌های قرآنی است، راه نجات انسان را فراهم می‌کند. از این رو استفاده از عناصری مانند قرآن، سنت و عقل به‌عنوان مؤلفه‌های اساسی گفتمان در راستای مقابله با چالش‌های جریان‌های تکفیری ضروری می‌باشد و بایستی جریان گفتمان انقلاب اسلامی با مؤلفه‌های مذکور به‌خوبی تبیین گشته و مردم کشورهای مختلف دنیا با این نوع گفتمان آشنا شوند و متولیان امر نیز همواره علاوه بر تبیین درست این گفتمان، در عمل نیز بر آن تأکید داشته و از طریق ابزارهای مختلف سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به‌دنبال ترویج گفتمان انقلاب اسلامی باشند.

### ۵-۲- دیپلماسی سیاسی و تقریب مذاهب اسلامی

بر این اساس، پیرامون نقش دیپلماسی سیاسی در راستای مقابله با جریان‌های تکفیری باید گفت کشورهای اسلامی از طریق دیپلماسی و ارتباطات نزدیک با

یکدیگر می‌توانند با جریان‌های تکفیری مقابله کنند. ارتباطات گسترده میان گروه‌های اسلامی در گفتمان‌ها و نشست‌ها و کنفرانس‌های عمومی و تخصصی و همچنین نشست کشورهای اسلامی تا حدود زیادی می‌تواند رشد جریان‌های تکفیری در جهان اسلام و منطقه را کاهش دهد. این نشست‌ها و کنفرانس‌ها در سطح گروه‌ها و کشورهای اسلامی از دو جنبه می‌تواند مثمر ثمر باشد؛ در ابتدا گردهمایی گروه‌ها و کشورهای اسلامی می‌تواند منجر به درک خطر جریان‌های تکفیری و همچنین عمق تأثیر این جریان‌ها بر ثبات منطقه‌ای و جهانی شود و در مرحله بعد با گسترش ارتباطات، دیدگاه‌ها و رویکردهای این گروه‌ها و کشورهای اسلامی در قبال خطر جریان‌های تکفیری به هم نزدیک خواهد شد (خزاعی، ۱۳۹۳: ۲۰) برای محقق کردن این هدف باید چنین نشست‌ها و کنفرانس‌هایی تداوم داشته باشد و به‌دور از گرایش‌های شخصی و خواهش‌های نفسانی تشکیل شود تا حلقه ارتباطی بین سیاست‌مداران جهان اسلام باشد. بعد از گردهمایی اندیشمندان در این کنفرانس‌ها بایستی خطیر بودن مسائل جریان‌های تکفیری به شهروندان تبیین و تفهیم شده و مطالب ضد تکفیری از طریق رسانه‌های گروهی کشورها به اطلاع نسل جوان و اقشار مختلف مردم برسانند و با مطالب گمراه‌کننده تکفیری‌ها مقابله شود. (سبحانی، ۱۳۹۳)

یکی از نمونه‌های این دیپلماسی فرهنگی مسئله جهاد تبیین می‌باشد که مقام معظم رهبری دامت‌برکاته در سخنرانی‌های خود در چند سال اخیر به‌طور مستمر به این امر اشاره داشتند. رهبر معظم انقلاب اسلامی بر روی مفاهیمی مانند تحول، گفتمان‌سازی، نقد منصفانه و مطالبه‌گری تأکید دارند. اگر تبیین را در کنار این مفاهیم قرار دهیم، مشخص می‌شود که معنای عمیق آن چیست. در این صورت تبیین مقدمه‌ای خواهد بود برای اصلاح و تحول و مطالبه‌ای درست.

از سوی دیگر، تبیین یکی از راهکارهای جذب حداکثری در برابر طرد و راندن کسانی است که احیاناً برداشت صحیحی از حقایق انقلاب و جامعه ندارند و بر اثر تبلیغات و القانات دیگران، دچار تحلیل غلط از واقعیات می‌شوند. به هر حال عده‌ای هستند که اگر کسانی با آن‌ها هم‌نظر نباشند، آن‌ها را طرد می‌کنند. حتی ممکن است کسانی به‌نام انقلابی‌گری عده‌ای را ترک کنند یا بعضاً برخورد تهدیدآمیز داشته باشند و چنین افرادی را ضدانقلابی تلقی کنند. تبیین در مقابل این تلقی‌ها قرار دارد. تبیین به این معناست که در برابر افرادی که دریافت درستی از انقلاب، مفاهیم انقلابی، گفتمان، پیشرفت‌ها و پسرفت‌های آن ندارند، روشنگری انجام گیرد و به‌عنوان یک راهبرد برای انقلاب و نظام جامع و یک کار مستمر تلقی می‌شود.

### ۵-۳- تبیین و ترویج اسلام ناب محمدی

جریان‌های تکفیری با استفاده از ابزارهای مختلف خصوصاً فناوری‌های نوین رسانه‌ای، اندیشه‌های انحرافی خود را به نام اسلام منتشر کرده و چهره‌ای انحرافی و خشن از اسلام به نمایش می‌گذارد؛ به عنوان مثال وجود گروه‌های تکفیری مانند داعش، القاعده و گروه‌های تندرویی مانند طالبان این چهره را مخدوش می‌سازند. در چنین شرایطی یکی از راهکارهای مهم پیش روی جهان اسلام و نخبگان دینی و سیاسی جهت مقابله با این جریان‌های تکفیری، ترویج اندیشه‌ای مترقی و حقیقی از اسلام ناب و فاصله گرفتن از اندیشه‌های باطل و انحرافی، البته با استفاده بهینه از نقش رسانه برای آگاهی‌بخشی است. در این برهه حساس، تبیین آموزه‌های مکتب جهان‌بخش اسلام متناسب با مقتضیات زمان جامعه اسلامی یک نیاز راهبردی در راستای مقابله با جریان‌های تکفیری است. از این رو از نخبگان و سیاست‌مداران جهان اسلام بیش از همیشه انتظار می‌رود که به صورت علمی، هویت اسلامی را تبیین و به همه ادیان و جوامع بشری عرضه نمایند. بر این اساس شناخت و درک صحیح از اسلام و معرفت مبانی آن از اصول بنیادین در راستای مقابله با جریان‌های تکفیری است و با ترویج تعالیم صحیح دینی و معارف اسلامی واقعی می‌توان مقابل این جریان‌ها ایستاد. ([news.irib.ir/articles/item/59023](http://news.irib.ir/articles/item/59023))

### نتیجه

با توجه به مباحث فوق، نتایج مقاله را می‌توان در قالب نکات زیر خلاصه کرد:

- خداوند در قرآن ضمن معرفی برخی از مؤلفه‌های سازنده فرهنگ جاهلیت همچون سوءظن نسبت به خدا و تعصب که مانع به کارگیری عقل می‌شود، بر وضع احکام جاهلانه و رشد اندیشه‌های جاهلانه و... تصریح کرده و آن را مورد نکوهش قرار داده است.

- تکرار این مؤلفه‌ها در هر دوره‌ای از زمان انکارناپذیر نیست و بازگشت به فرهنگ جاهلیت حتی در جوامع مدرن و امروزی نیز قابل تصور است.

- ذات نظام سلطه و برتری‌خواهی و خودبزرگ‌بینی و عدم تمکین در برابر فرمان‌های خداوند و انبیای الهی است که در آیات و روایات بسیاری توییح شده است. بعد از جنگ سرد و فروپاشی شوروی، جهان شاهد نوع آرایش جدیدی از نظام سلطه به رهبری آمریکا بوده است. نظام سلطه با تغییر راهبرد، سعی در ترویج فرهنگ جاهلیت مدرن داشته و با استفاده از تمام روابط، نیروها و ابزارهای خود تلاش کرده تا اندیشه‌های جاهلیت در جوامع مسلمان قدرت بگیرند.

- به‌طور قطع توجه به عواملی از قبیل شاخص‌های جاهلیت و مصادیق آن در انقلاب اسلامی می‌تواند گام هدفمند و مؤثری را در جهت شناسایی ریشه‌های جاهلیت و از بین بردن و کمرنگ کردن این عوامل در سطح جامعه ایفا کند تا بتوان با این نوع از جاهلیت مقابله نمود و از عنصر گفتمان به‌عنوان یک عنصر اثرگذار در ترویج دین اسلام استفاده کرد.

- چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی از مواردی است که در این مقاله به نقد و بررسی آن‌ها پرداخته شده‌است؛ به‌طور مثال می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: از بین بردن آرمان وحدت اسلامی، ایجاد فاصله میان مردم و نخبگان و رهبری انقلاب، از بین بردن بسترهای گفتمان سیاسی انقلاب اسلامی در سطح منطقه و بین‌الملل.

## منابع

\* قرآن کریم

۱. باربور، ایان، ۱۳۹۴، علم و دین، خرمشاهی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۲. بهروز، اکبر، ۱۳۵۹، تاریخ ادبیات عرب، تبریز، انتشارات دانشگاه تبریز.
۳. پورسعید، فرزاد، ۱۳۸۵، ترویسیم نوین و منافع ملی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات راهبردی شماره ۳۴.
۴. حسینی‌زاده، سید محمدعلی، ۱۳۹۶، تحلیل دوره‌های زمانی گفتمان انقلاب اسلامی با تکیه بر رهبری امام خمینی، پژوهش‌نامه متین، شماره ۹۹.
۵. حقی، محمد، ۱۳۹۷، چالش‌های فرهنگی جریان‌های تکفیری علیه گفتمان انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۶.
۶. خرمشاهی، بهاء‌الدین، ۱۳۹۳، دانشنامه قرآن و قرآن‌پژوهی، ج ۱، تهران، انتشارات ناهید.
۷. خزاعی، جعفر، ۱۳۹۳، آسیب‌شناسی رشد جریان‌های تکفیری در خاورمیانه، فصلنامه حبل‌المتین، شماره ۹.
۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ق. مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دارالقلم.
۹. سبحانی، جعفر، ۱۳۹۳، سخنرانی در مراسم اختتامیه کنگره جهانی جریان‌های افراطی و تکفیری از دیدگاه علمای اسلام. (www.tasnimnews.com)
۱۰. شعبان‌پور، محمد، ۱۳۹۴، معرفی قرآنی فرهنگ جاهلی و مصادیق آن در جوامع مدرن، مجله تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی، شماره ۱۹.
۱۱. شفیعی، احمد، ۱۳۸۵، انقلاب اسلامی از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی، مجله حصون بهار، شماره ۷.

۱۲. صانع‌پور، مریم، ۱۳۸۰، عقل و دین، قم، انتشارات رواق اندیشه.
۱۳. صرامی، سیفالله، ۱۳۹۶، تکفیر چیست، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
۱۴. طباطبایی، محمدحسین، ۱۳۷۸، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۵، قم، بنیاد علمی و فرهنگی علامه طباطبایی.
۱۵. ملکوتیان، مصطفی؛ حقی، محمد، ۱۳۹۶، چالش‌های سیاسی جریان‌های تکفیری علیه انقلاب اسلامی و راهکارهای مقابله با آن، فصلنامه رهیافت انقلاب اسلامی، شماره ۴۰.
۱۶. موسوی خمینی، روح‌الله، ۱۳۸۵، صحیفه امام، ج ۱۵، تهران، انتشارات تنظیم نشر و آثار امام خمینی.
۱۷. ویسی کرمی، مهرداد، ۱۳۸۷، عقاید و اخلاق جاهلی از منظر قرآن کریم، مجله کوثر، شماره ۲۹.

- [news.irib.ir/articles/item/۵۹۰۲۳](https://news.irib.ir/articles/item/۵۹۰۲۳)



## هویت‌بخشی به زنان مسلمان با تأکید بر جامعیت قرآن

رضوان زمانی\*

مدیر گروه علوم قرآن، مدرسه عالی بنت‌المصطفی

### چکیده

جهت‌گیری کلی قرآن و روح حاکم بر آن، دفاع از برابری و استقلال زن و مرد بوده و همواره به دنبال هویت‌بخشی به زنان مسلمان در جامعه است، این مسئله به‌ویژه در چینش آیات مربوط به این حوزه بر اساس روایات معتبر ترتیب نزول سور هویدا می‌شود. روش تربیتی قرآن در جامعه عصر نزول به این صورت است که در اولین مراحل تعلیم خود در سوره‌های مکی به ایجاد نوعی بینش و معرفت بنیادین درباره این مفهوم و سپس به فرهنگ‌سازی به صورت گسترده و مستمر پرداخته است. پس از آن در سال‌های ابتدایی نزول قرآن در مکه به بسترسازی مباحث بنیادین و معرفتی و در مدینه هنگامی که افکار عمومی برای پذیرش قوانین آماده شد، با روش قانونگذاری به تشریح قوانینی درباره چگونگی التزام مسلمانان به اجرای احکام مربوط به این حوزه پرداخته است. بدون شک قرآن کریم با توجه به رسالت خود که هدایت انسان به سوی کمال می‌باشد، به تبیین تمام نیازهای او پرداخته است. از جمله مهم‌ترین آن‌ها به‌ویژه در عصر حاضر، موضوع هویت‌بخشی به زنان در حیطه عفاف و حجاب می‌باشد. به این صورت که زن مسلمان هویت اصلی خود را در پرتو عفاف و حجاب جستجو نماید. سه روش تبیین اصول و پایه‌های معرفتی، فرهنگ‌سازی و تشریح، برای نهادینه‌سازی حجاب و عفاف در جامعه زمان نزول در قرآن کریم به کار رفته است. از تحلیل روش‌های قرآن در نهادینه‌سازی حجاب و عفاف می‌توان به راهبردهای مهمی در قلمرو نهادهای آموزشی، فرهنگی و قانونگذار جامعه دست یافت. با تحلیل روش‌های موجود در قرآن کریم در این باره می‌توان راهبردهای عملی متناسب با فرهنگ جامعه فعلی ارائه نمود و هر یک از نهادهای آموزشی، فرهنگی و قانونگذار جامعه می‌توانند با استمداد از آن‌ها این مهم را در جامعه نهادینه ساخته و به وظیفه تربیتی خود در این حوزه عمل نمایند.

**کلیدواژه:** روش، قرآن کریم، هویت‌بخشی، زنان، جامعیت قرآن



## ۱- بیان مسئله

شناخت نوع نگرش به هویت دینی زن مسلمان و عوامل مؤثر بر آن از نیازهای ضروری جامعه کنونی ما است؛ زیرا در اثر دو جریان عمده‌ای که در سی سال اخیر روی داده، یعنی حکومت دینی و گسترش مدرنیته غربی، جامعه ما از یک سو با گرایش‌های سکولاریستی مواجه شده و از سوی دیگر در معرض هجوم افکار رادیکال فمینیستی قرار دارد. از این رو در این شرایط می‌توان پیش‌بینی کرد که یکی از عمده‌ترین مسائل جامعه، مسئله هویت دینی زن مسلمان باشد. شناخت روش قرآن کریم در هویت‌بخشی به زن مسلمان و عوامل مؤثر بر این منهج، اولین قدم در راه مقابله با چالش‌های هویتی زن مسلمان و بازاندیشی در جهت رفع آن است. در این مطالعه سعی شده از طریق پژوهش علمی در جهت شناخت تصویر کنونی از زن مسلمان و احیای هویت دینی زن مسلمان گام مؤثری برداشته شود. روشن است که نگرش مثبت یا منفی به مسئله جامعیت قرآن کریم تا چه حد می‌تواند هویت واقعی زن مسلمان را در پرتو عفاف و حجاب تبیین نماید. از این رو است که آگاهی از روش قرآن کریم در نهادینه‌سازی عفاف و حجاب در بین زنان می‌تواند به‌عنوان الگویی برای موسسات و سازمان‌های مرتبط با زنان مطرح گردد.

از طرف دیگر با توجه به اینکه دین در جامعه ما از جایگاه مهمی برخوردار است، اهمیت مطالعات مربوط به هویت دینی نیز دو چندان می‌شود و هرگونه ضعفی در این زمینه سبب می‌شود جامعه از ارزش‌های دینی و اعتقادات خود دور و شده و نسبت به آن‌ها بی‌تفاوت و سست گردد. یکی از پیامدهای این وضعیت، بروز و گسترش آسیب‌های اجتماعی در زمینه‌های مختلف خواهد بود. لذا به دلیل آنکه دین با ارائه الگو به‌طور خاص نقشی کنترل‌کننده در بروز آسیب‌های اجتماعی و به‌طور عام نقش بارزی در سعادت بشر دارد، تقویت هویت دینی در میان مردم حائز اهمیت است. بنابراین مهم این است که چه روش‌هایی در قرآن کریم به‌منظور نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه عصر نزول و در طی نزول تدریجی آیات و سوره به کار رفته است. در فضایی که مخاطبان قرآن کریم را دسته‌ای از اعراب تشکیل می‌دادند که زنانشان التزامی به پوشش کامل نداشته، گردن‌ها و جواهراتشان هویدا بود (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۴) و از طرف دیگر قید و بندی در رابطه بین زن و مرد وجود نداشت تا جایی که مورخان تا نه نوع ازدواج در جاهلیت عرب را برشمرده‌اند. (جواد، ۱۹۶۸م: ۱۴۱) قرآن کریم با چه روش‌هایی توانست فرهنگ التزام اعراب به پوشش و حفظ حریم در روابط بین زن و مرد را ایجاد کند؟

## ۲- تبیین مفاهیم

### ۲-۱- تعریف هویت

هویت عبارت است از مجموعه ویژگی‌ها و مشخصات فردی، اجتماعی و احساسات و اندیشه‌های مربوط به آن‌ها که فرد آن را از طریق توانایی کنش متقابل با خود یا بازیافتن تصوراتی از خود به دست آورده و در جواب پرسش من کیستم ارائه می‌دهد. در واقع هویت مفهومی است ناظر بر حالات و اعمال شخصی که ریشه در تربیت خانوادگی، آموخته‌های فرهنگی و باورهای اجتماعی دارد و تشخص و فردیت شخص یا جامعه را تشکیل می‌دهد. مفهوم هویت به صورت‌های گوناگونی دسته‌بندی شده است. ابتدایی‌ترین دسته‌بندی در مورد هویت، هویت فردی و هویت جمعی است. هویت فردی که به مجموع هویت‌های شخصی، شخصیتی و اجتماعی فرد اطلاق می‌شود، از بحث این پژوهش خارج است اما از آنجا که هویت دینی یکی از انواع هویت‌های جمعی است، لازم است با این مفهوم بیشتر آشنا شویم. (حقدار، ۱۳۸۰: ۱۸۸)

### ۲-۲- تعریف دین

واژه «دین» در لغت به معنای جزا و پاداش و مجازات است (منظور، ۱۴۱۶ق: ۴۶۰) اما به لحاظ اصطلاحی، شاید نتوان برای آن تعریفی ارائه داد که همگان بر آن متفق القول باشند؛ زیرا نگاه‌های متنوع و متفاوتی به این واژه شده است، آن گونه که گاهی زاویه دید محققان نه تنها مغایر، بلکه متناقض بوده و طبیعی است که نتوان امور متناقض را در تعریف واحد جمع کرد. بنابراین در اینجا، تعریف دین مورد نظر که درصدد بررسی نیاز انسان به آن هستیم، ارائه می‌شود: دین عبارت است از یک سلسله معارف علمی که معارفی عملی به دنبال دارد و جامع همه آن معارف یک کلمه است و آن عبارت است از «اعتقادات». (طباطبائی، ۱۳۷۰: ۴۸۳) در نظر آلن بیرو «دین‌گرایی شدید انسان‌ها به سوی وجود والای خداوند یا نیروهای برین یا احساس سادۀ وابستگی به آنان، به منظور تبیین علل وجودی خویشتن در جهان و بازبایی معنایی برای هستی است.» (بیرو، ۱۳۷۵: ۳۲۱)

ژان پل ویلم معتقد است: «دین به عنوان فعالیت‌های اجتماعی و یک نیروی جذاب عبارت است از نوعی پیوند و ارتباط نمادین و منظم میان افراد که توسط آیین‌ها و اعتقادات ناشی از یک بنیان‌گذار کاریزماتیک برقرار می‌شود و تداوم می‌یابد.» (ویلیامز، ۱۳۷۷: ۱۷۸)

### ۲-۲-۱- هویت دینی

در واژه هویت، دو معنای اصلی و عمده وجود دارد. اولین معنای آن ناظر بر

مفهوم تشابه و همسانی است و معنای دوم آن به مفهوم تفاوت و تمایز است، به این معنی که ما به وسیله تشابهات و تفاوت‌هایی که با هم داریم شناخته می‌شویم. (جنکینز، ۱۳۸۱: ۷)

با توجه به تعریف بالا هرگاه از هویت فردی صحبت می‌کنیم، بیشتر به تفاوت‌ها و تمایزهای افراد به لحاظ اسم، ملیت و قومیت و... توجه داریم و هرگاه از هویت اجتماعی سخن می‌گوییم، مرادمان مشابَهت‌ها و همسانی‌هایی است که میان یک جمع یا گروه وجود دارد. هویت دینی را برخی در زمره هویت ملی قرار داده‌اند. هویت ملی طبق تعریف، بالاترین سطح هویت جمعی در هر کشور است و هویت‌یابی در این سطح، موجب نوعی احساس «خود جمعی» است، اما هویت دینی متضمن آن سطح از دین‌داری است که با مای جمعی یا همان اجتماع دینی شکل می‌گیرد. در هویت دینی سه ویژگی هویت جمعی، یعنی ارزش‌ها و اهداف مشترک، آگاهی و علاقه و تعهد اخلاقی، وجود دارد و به شکل مشخص‌تری نمود می‌یابد. (Woodward، ۲۰۰۰م: ۳)

### ۲-۲-۲- ابعاد هویت دینی

ترنر دین را دارای سه بعد اصلی می‌داند: «باورها»، «ارزش‌ها» و «مناسک و مراسم». این ابعاد را می‌توان تحت عنوان ابعاد «اعتقادی»، «ارزشی» و «مناسکی» نام‌گذاری کرد و برای سنجش سه بعد دین‌داری به کار گرفت. (Abercrombie، ۱۹۹۴م: ۱۶) در حوزه جامعه‌شناسی دین گلاک و استارک با تأکید بر اینکه پابندی دینی پدیده‌ای چندبعدی است، برای سنجش دین‌داری از ابعاد اعتقادی، پیامدی، مناسکی، عاطفی و دانشی استفاده کرده‌اند. (ویلیامز، ۱۳۷۷: ۸۱)

الف) بعد اعتقادی یا باورهای دینی: این بعد نوعی ادراک برخاسته از معرفت دینی است که به معتقدان بینش خاصی در باب حقایق اصول دینی ارائه می‌دهد. بعد اعتقادی در اسلام عبارت است از باورهایی که انتظار می‌رود پیروان به آن‌ها اعتقاد داشته باشند.

ب) بعد پیامدی\*: این بعد ناظر بر تأثیر باورها، اعمال، تجارب و دانش دینی بر زندگی روزمره پیروان است. این بعد، برخلاف ابعاد دیگر که صرفاً ناظر بر اعتقادات یا اعمال‌اند، بر اثرات آن‌ها بر جامعه و افراد دلالت می‌کند. به عبارت دیگر، پیامدهای اعتقادات و رفتارهای دینی را در زندگی افراد مورد مطالعه قرار می‌دهد.

ج) بعد مناسکی\*\* (اعمال دینی): این بعد ناظر بر انجام سلسله اعمال

Consequential \*  
Ritual \*\*

عمدتاً بیرونی برای انجام عملی فردی یا جمعی است. به بیان دیگر، اعمال و مناسک مشخصی که پیروان هر دین آن را به جا می‌آورند، مانند نماز و روزه. (د) بعد عاطفی\*: این بعد ناظر بر احساس و ادراک است و به تجربه برقراری رابطه با شعوری برتر و قدرتی متعالی مربوط می‌شود. امید به خداوند، کمک خواستن از او و توبه و بازگشت به سوی او نمونه‌هایی از این عواطف هستند. (ه) بعد دانشی\*\*: این بعد شامل اطلاعات و دانسته‌های مبنایی و ضروری در مورد معتقدات دینی است که از پیروان هر دین انتظار می‌رود از آن‌ها آگاهی داشته باشند.

### ۲-۳- مسئله جامعیت قرآن

شناخت قرآن برای هر فرد عالم به‌عنوان یک فرد عالم و برای هر فرد مومن به‌عنوان یک فرد مومن، امری ضروری و واجب است و این ضروری بودن از آن جهت است که منبع اصلی و اساسی دین و ایمان و اندیشه یک مسلمان و آنچه که به زندگی او حرارت، معنی، حرمت و روح می‌دهد، قرآن است. قرآن ناب‌ترین و اعجاب‌برانگیزترین متن وحیانی و آسمانی است که از جانب مسلمانان با دو رویکرد مواجهه بوده است؛ رویکرد درونی که همان تلاش در جهت فهم معانی و مفاهیم ژرف این متن دینی است و رویکرد بیرونی که حاصل آن دانشی به‌نام علوم قرآنی است. حاصل رویکرد درونی که از دیرباز و شاید هم‌زمان با نزول وحی مورد توجه و استقبال مخاطبان وحی قرار گرفته، گسترش و نفوذ فرهنگ نوین و عمیق اسلامی در جامعه جهانی معاصر پیامبر ﷺ و تداوم آن تا هم اکنون بوده است.

علوم قرآنی که نتیجه رویکرد بیرونی مسلمانان به قرآن است، هنوز هم در میان ایشان قدر و منزلت خویش را پیدا نکرده است. این دانش گرچه جنبه تمهیدی و مقدماتی دارد اما ارتباط آن با تفسیر که رویکرد درونی به قرآن است، بسیار مهم و روشن است و در اهمیت این ارتباط بعضی صاحب‌نظران نوشته‌اند: «اهمیت علوم قرآنی به‌حدی است که فهم قرآن به‌صورت دقیق، بدون فهم آن مباحث ممکن نیست.» (معرفت، ۱۴۱۶ق: ۴۵) از جمله مباحث مبنایی مربوط به شناخت قرآن که در چگونگی فهم و تفسیر آن نقش دارد، جامعیت قرآن است. از نظر بسیاری از مفسران همچون علامه طباطبائی، جامع بودن قرآن، معنایی قریب به «کامل بودن» آن دارد و کمال قرآن هم از دو حیث می‌تواند ملاحظه شود؛ از جهت «نحوه بیان قرآن» و از حیث «گستره

موضوعات و مسایل آن». در آثار قرآنی علامه، به‌ویژه المیزان، می‌توان مستندات بی‌شمار و دلایل بر جامعیت قرآن به‌معنای کامل بودن گستره مسایل آن، فی‌نفسه و در محدوده‌ای خاص مانند نیازهای هدایتی سراغ گرفت. علامه جامعیت قرآن را در محدوده هدایت، نیازهای مرتبط با سعادت بشر، کمال اخروی، نیازهای دینی، شوون مربوط به انسانیت انسان و امثال آن مطرح کرده است. از مهم‌ترین این نیازها به‌خصوص برای زنان مسلمان، مسئله عفاف و پوشش می‌باشد.

### ۳- جایگاه و هویت زن پیش از اسلام

دنیای قبل از اسلام عصر فترتی بود که به‌واسطه اینکه دیر زمانی بود از بعثت رسل گذشته بود، مردم در بسیاری از زمینه‌ها دچار اغوجاج فکری و رفتاری شده بودند. یکی از رفتارها و عقاید که به‌شدت دچار آسیب شده بود، رفتار و افکار مردان اجتماع نسبت به مقوله زن بود. زن از نگاه مردان آن روزگار فقط رحمی برای بچه زاییدن بود. شأنیت انسانی برای او مفهوم نداشت و حتی در بسیاری از عقاید زن را انسان نمی‌دانستند، بلکه موجودی بود مابین انسان و حیوان. تفکر مرد سالار در دنیای گذشته درباره زن بسیار تأسفبار است. آنقدر درباره زن عقاید خرافی زیاد بود که بیان گوشه‌ای از آن عمق فاجعه را می‌رساند. «در بعضی قبایل زن و مرد یک جا نمی‌خوابیدند و گمان داشتند که زن نفسش از نیروی مرد می‌کاهد. اهل فیجی شایسته نمی‌دانند که مرد همه شب در خانه خود بخوابد و در کالدونی جدید، زن زیر سباباط بیرون اطاق می‌خوابید و مرد در داخل اطاق و همچنین در جزایر فیجی اجازه آن هست که سگان در بعضی از معابد داخل شوند، در صورتی که دخول زنان در معبد مطلقاً ممنوع است.» (زیدان، ۱۳۷۲، ج ۱: ۴۴) «در بین اقوام سومری، شوهرها مجاز بودند همسر خود را بفروشند یا این که او را به گرو بگذارد و وامی به‌مدت ۳ سال بگیرد. بعضی از قبایل هندوستان در حساب میراث بردن، زن را با حیوانات اهلی همسنگ قرار می‌دادند و قسمت می‌کردند.» (لینتون، ۱۳۸۸: ۲۹۵) در واقع مرد بعد از رسیدن به سالاری، زن را ملک خود می‌دانست؛ یک ملک را هم می‌توان فروخت، خرید، هدیه داد یا نابود کرد. چنان‌که در بعضی زمان‌ها وقتی مهمانی برای مرد می‌آمد، زن خود را وادار می‌کرد به هم‌خوابگی مهمان برود. این عمل را از آن رو می‌کردند که شوهر زن را از لحاظ جسد و روح ملک خود می‌دانست. (زیدان، ۱۳۷۲، ج ۱: ۶۰) آری زنی که خداوند برای آرامش مرد آفرید، تبدیل به موجودی عفریتی و منحوس شد که آثارش تاکنون که عصر فضا می‌باشد ادامه دارد.

صرف نظر از مسئله دخترکشی عرب‌ها که خود همین موضوع بیانگر خفت

زنان عربستان بود، عقائد و رسوم زیادی در بین عرب جاهلی مرسوم بود که هر کدام از آن‌ها به نوعی نشانه خفت و خواری زن در میان اعراب بود. عطاء بن ابی رباح می‌گوید: «زمان جاهلیت کسی که از دنیا می‌رفت و زنی باقی می‌گذاشت که دارای فرزند کوچک بود، به خاطر باقی ماندن برای فرزند کوچکش زندانی می‌شد. (الندوی، ۱۳۸۸: ۸۸) یا اگر کسی فوت می‌کرد و زنی از او باقی می‌ماند، پسران بزرگ شوهر زن برمی‌خاستند، اگر این زن موافق میل آن‌ها بود جامه خویش را بر زن می‌انداختند و زن او می‌شد اما اگر باب میل او نبود، برادران کوچک‌تر، آن زن را به نکاح خود در می‌آوردند. (الشهرستانی، ۱۴۱۵ق: ۴۰۹) عرب‌ها زن را تا مادر نشده بود، خوار می‌شمردند ولی همین که زن مادر می‌شد، احترام زیادی پیدا می‌کرد. از آن جهت مادران خویش را بیش از زنان (همسران) خود احترام می‌گذارند و می‌گفتند زن قابل تعویض است ولی مادر عوض شدنی نیست. همین که زن مادر می‌شد، حکمران خانه بود و ایلات عرب تا کنون همین رویه را دارند. (زیدان، ۱۳۷۲: ۶۵۶) با توجه به آنچه بیان شد زن تا پیش از اسلام مقامی بس نازل داشت و این اسلام بود که اولین بار در تاریخ از انسان بودن زن و هم‌ردیف بودن زن در جایگاه انسانی سخن گفت، برای نخستین بار ارزش حقوقی به زن داد و او را مالک بر دارایی‌های خود دانست. تا قبل از اسلام بر هر دین و تمدن و کشوری نظر کنیم، از بی‌ارزشی زن حکایت می‌کند.

#### ۴- تغییر جایگاه و هویت زن پس از اسلام

حضور زنان در اجتماع و مشارکت ایشان در فعالیت‌های اجتماعی در صدر اسلام از مسلمات تاریخی است که با مروری گذرا بر منابع تاریخی به سهولت می‌توان به آن دست یافت. از دیدگاه اسلام اصل فعالیت اجتماعی برای زنان نه تنها مذموم نیست، بلکه در برخی مواقع، ممدوح و مطلوب است. با توجه به آنچه که در بحث هویت گفته شد، هویت دینی را در دو سطح می‌توان مشاهده کرد؛ اول سطح فردی و شخصی که تقریباً مترادف با دین‌داری فردی است و سطح جمعی که با اجتماع دینی تقارن دارد. (دوران، ۱۳۸۲: ۸۴) سطح جمعی هویت دینی به معنای احساس تعلق و تعهد به جامعه دینی است.

#### ۴-۱- ابعاد هویت دینی زن مسلمان

هویت دینی زن مسلمان به معنای ویژگی‌ها، منزلت و حقوق و وظایفی است که شخصیت یک زن مسلمان را در ابعاد انسانی، خانوادگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تعیین می‌کند. در این ابعاد یاد شده سعی گردیده است مسائل مهم و عمده‌ای که در مورد هویت زنان از دیدگاه اسلام مطرح است، با استفاده از

قرآن شناسایی شود.

#### ۴-۱-۱- بعد انسانی

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً؛ (نساء/ ۱) ای مردم بپرهیزید از پروردگارتان، آنکه شما را از یک تن بیافرید و از آن تن همسر او را و از آن دو مردان و زنان بسیار پدید آورد.»

«خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا...؛ (زمر/ ۶) شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن جفت او را خلق کرد.»

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً؛ (روم/ ۲۱) و از نشانه‌های قدرت اوست که برایتان از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به ایشان آرامش یابید.»

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا؛ (اعراف/ ۱۸۹) اوست که همه شما را از یک تن بیافرید و از آن یک تن جفت او را نیز بیافرید تا به او آرامش یابد.»

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ...؛ (حجرات/ ۱۳) ای مردم همه شما را از زن و مردی آفریدیم و آن‌گاه به شعب و فرق مختلف درآوردیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا گرامی‌ترین شما نزد خدا با تقواترین شماست.»

مضمون این آیات همانندی زن و مرد و برابری آن‌ها در خلقت است و نشان می‌دهد که ملاک برتری و فضیلت نزد خداوند تقواست نه زن یا مرد بودن.

#### ۴-۱-۲- بعد خانوادگی

«هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا...؛ (اعراف/ ۱۸۹) او خدایی است که شما را از نفس واحدی آفرید و همسرش را نیز از جنس او قرار داد تا با او آرامش یابد.» این آیه دلالت بر این دارد که زن مسلمان مایه آرامش خانواده است.

«... وَ لَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ...؛ (بقره/ ۲۲۸) ... و زنان را بر شوهران حقوق مشروعی است چنان‌که شوهران را بر زنان...»

«إِلِّ الرِّجَالِ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَانِتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ؛ (نساء/ ۳۴) مردان سرپرستی زنان را به عهده دارند، به‌خاطر برتری‌های (مالی) که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و انفاق‌هایی که از اموالشان

می‌کنند و زنان صالح متواضع‌اند و آنچه را خدا به آنان داده حفظ می‌کنند.» این آیات بر حقوق متقابل زن و مرد در خانواده، وظیفهٔ مرد در سرپرستی خانواده و وظیفهٔ زن در حفظ حقوق و منافع همسر و خانواده دلالت دارد.

«وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمْلُهُ وَفِ صَالِهِ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ أَشُدَّهُ...؛ (احقاف / ۱۵) ما به انسان سفارش پدر و مادرش را کردیم که به ایشان احسان کند، احسانی مخصوص به آنان، مادرش او را به سختی حمل کرده، به دنیا آورد و شیرداد و تا سی ماه تا هنگامی که به حد بلوغ و رشد عقلی رسید، از خود جدا نساخت.»

این آیات بر اهمیت جایگاه زن به‌عنوان مادر و ضرورت تکریم او دلالت دارد.

#### ۴-۱-۳- بعد اجتماعی و اقتصادی

«لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبْنَ...؛ (نساء / ۳۲) هر کسی از زن و مرد را از کار و کسبی که دارند نصیبی است...». بر اساس این آیه زنان می‌توانند در ثمرهٔ کار و تلاش خود تصرف کنند و به مالکیت آن‌ها احترام گذاشته می‌شود.

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ... وَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَ يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ...؛ (توبه / ۷۱) ای مردان و زنان با ایمان... نماز را به پا دارید و زکات دهید.» زنان زکات‌دهنده توصیف شده‌اند، پس معلوم می‌شود از نظر اسلام زنان استقلال مالی دارند که باید زکات بدهند.

«قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَعْضُوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَ يَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ... وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَعْضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ...؛ (نور / ۳۱-۳۰) به مردان مؤمن بگو دیدگان خویش را از نگاه به نامحرم بازگیرند.»

«وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ... وَ لَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا...؛ (نور / ۳۱) به زنان بگو زینت خود را جز بر محارم خود آشکار نسازند.» این آیات بر برابری زن و مرد در رعایت عفت به‌طور عام و رعایت عفت در نگاه به‌طور خاص و بر ضرورت رعایت پوشش اسلامی زنان در زمانی که در اجتماع حضور دارند دلالت می‌کند.

«وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ الْمُنْكَرِ...؛ (توبه / ۷۱) مردان و زنان مؤمن بعضی از ایشان اولیای بعضی دیگرند، امر به معروف می‌کنند و از منکر نهی می‌نمایند.» این آیه نیز بر نقش و رسالت زنان در نظارت بر امور اجتماع (امر به معروف و نهی از منکر) دلالت دارد.



«إِنِّي وَجَدْتُ امْرَأَةً تَمْلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ؛ (نمل/ ۲۳) زنی دیدم که به آنان (مردم سبا) سلطنت می‌کند و همه چیز دارد و برای او تختی بزرگ است.» در این سوره خداوند از ملکه سبا به نیکی یاد کرده است.

«لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا؛ (نساء/ ۹۵) مؤمنانی که بی‌هیچ رنج و آسیبی از جنگ سر می‌تابند با کسانی که به مال و جان خویش در راه خدا جهاد می‌کنند، برابر نیستند. خدا کسانی را که به مال و جان خویش جهاد می‌کنند بر آنان که از جنگ سر می‌تابند، به درجاتی برتری داده است و خدا به همه وعده‌های نیکو داده است و جهادکنندگان را بر آن‌ها که از جهاد سر برمی‌تابند، به اجری بزرگ برتری نهاده است.» این آیه نشان می‌دهد که ارزش جهاد به جنسی خاص محدود نشده است.

«فَأَسْتَجِبَ لَهُمْ مِنْ رَبِّهِمْ أَنِّي لَا أَضِيعُ عَمَلَ عَامِلٍ مِنْكُمْ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ بَعْضُكُمْ مِنْ بَعْضٍ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ...؛ (آل عمران/ ۱۹۵) پروردگارشان دعایشان را اجابت فرمود که من کار هیچ کسی از شما را چه زن و چه مرد، ناچیز نمی‌سازم - همه از یکدیگرید- پس گناهان کسانی را که مهاجرت کرده‌اند و از خانه‌هایشان رانده شده‌اند و در راه من آزار دیده‌اند و جنگیده‌اند و کشته شده‌اند، می‌زدایم و آنان را در بهشت‌هایی که در آن نهرها جاری است، داخل می‌کنم...» این آیات نشان می‌دهد که هجرت به‌عنوان حرکتی اجتماعی و سیاسی در قرآن برای زنان مورد توجه قرار گرفته است.

#### ۴-۱-۵- جمع‌بندی آیات

از مجموعه آیات این‌گونه برداشت می‌شود که قرآن کریم با نزول خود به زنان جامعه در ابعاد مختلف هویت بخشید و معنای واقعی تاثیرگذاری و حضور زن در مسائل مهم جامعه را به همگان نشان داد. آنچه در سرتاسر آیات مشهود می‌باشد، روشی است که قرآن کریم با تکیه بر آن به زن مسلمان هویت بخشیده است که اگر غیر از این بود، باعث تحقیر شخصیت زن در جامعه می‌شد و این مسئله مهمی که قرآن در بستر آن هویت زن مسلمان را تعریف می‌کند، عفاف و حجاب است. لذا دین اسلام هویت واقعی زن را در امان ماندن او از طریق حجاب و عفاف مطرح کرده است. آنچه در این نوشته به‌دنبال آن هستیم، بیان روش قرآن کریم در

فرهنگ‌سازی مسئله عفاف و حجاب در بین زنان مسلمان می‌باشد تا از این طریق هویت اصلی و حقیقی زن به او بخشیده شود.

برخی محققان معتقدند پس از بررسی قرآن کریم با رویکرد ترتیب نزول آیات، می‌توان به بسیاری از روش‌های تربیتی آن دست یافت. (بهجت‌پور، ۱۳۸۷: ۳۷)

بنابراین مهم این است که چه روش‌هایی در قرآن کریم به‌منظور نهادینه‌سازی فرهنگ حجاب و عفاف در جامعه عصر نزول و در طی نزول تدریجی آیات و سوره‌ها به کار رفته است. در فضایی که مخاطبان قرآن کریم را دسته‌ای از اعراب تشکیل می‌دادند که زنانشان التزامی به پوشش کامل نداشته، گردن‌ها و جواهرانشان هویدا بود (مطهری، ۱۳۷۰: ۲۴) و از طرف دیگر قید و بندی در رابطه بین زن و مرد وجود نداشت تا جایی که مورخان تا نه نوع ازدواج در جاهلیت عرب را برشمرده‌اند. قرآن کریم با چه روش‌هایی توانست فرهنگ التزام اعراب به پوشش و حفظ حریم در روابط بین زن و مرد را ایجاد کند؟

مسئله دیگر نحوه بهره‌برداری مخاطبان کنونی قرآن از این روش‌ها به‌منظور نهادینه‌سازی این دو رفتار در جامعه است. نهادهای علمی، فرهنگی و دستگاه‌های اجرایی و قانون‌گذار ما می‌بایست با تمسک به قرآن کریم چه روش‌هایی را به‌منظور ایجاد ثبات و استمرار حجاب و عفاف در جامعه به کار گیرند؟ به‌طور کلی به‌منظور نهادینه‌سازی این دو رفتار در جامعه به چه راهبردهایی می‌توان دست یافت؟

## ۵- رابطه بین هویت و عفاف

هر عملی که افراد جامعه انجام می‌دهند، در نگاه کلان اثر مستقیم در اجتماع دارد؛ زیرا جامعه از خانواده که واحد کوچک اجتماعی است، تشکیل می‌شود و همان‌گونه که رفتار فرد در جامعه موثر است، اشخاص نیز از اجتماع و قوانین آن تاثیر می‌پذیرند. عفاف و حجاب علاوه بر آثار شخصی و شخصیتی، دارای آثار اجتماعی است. جامعه‌ای که در آن بانوان با حفظ حدود و حقوق دیگران ظاهر می‌شوند و موجب تخریب روح و جسم هم‌نوعان خود نشده و محیط آرام و امنی را برای جوانان فراهم سازند، به‌سوی سعادت و سلامت روانی پیش خواهد رفت. اگر زنان جامعه باحجاب باشند، هم مردان از نظر طهارت روح و جسم سالم می‌مانند و هم در جامعه، سلامت خانوادگی حفظ خواهد شد و محیط خانواده تحت تاثیر خودنمایی‌های عده‌ای از زنان بدحجاب و بی‌حجاب قرار نمی‌گیرد و هم مراکز اجتماعی مثل اداره‌ها و بیمارستان‌ها و... در کمال سلامت رفتاری خواهند بود و بزهکاری‌های اجتماعی به حداقل خواهد رسید.

حضرت امام خمینی رحمته الله علیه در مورد فعالیت اجتماعی و اشتغال زنان همیشه این نکته را بیان می‌کردند: «فعالیت اجتماعی\_سیاسی کنید ولی حدود شرعی از جمله رضایت همسر را رعایت کنید.» یکی از آثار اجتماعی حجاب، حفظ اجتماع و سلامت اجتماعی خانواده است، بالا رفتن درصد طلاق در کشور ما زنده‌ترین شاهد این مطلب است.

اسلام به دنبال رشد فکری، اجتماعی، سیاسی، علمی و بالاتر از همه فضیلتی و معنوی زنان در حد اعلا می‌باشد. همه تعالیم اسلام از جمله مسئله حجاب، بر این اساس است. مسئله حجاب به معنی منزوی کردن زن نیست، بلکه به معنای جلوگیری از اختلاط و آمیزش بی‌قید و شرط زن و مرد در جامعه است. بنابراین حجاب به هیچ وجه مزاحم و مانع فعالیت‌های سیاسی، اجتماعی و علمی نیست. در سایه حجاب زنان مسلمان می‌توانند هویت واقعی خود را محقق نموده و فعالیت‌های اجتماعی داشته باشند. به هر اندازه که زن عفیف باشد، می‌تواند رشد اجتماعی هم داشته باشد؛ چرا که عوامل مزاحم در این حالت نمی‌توانند کوچک‌ترین آسیبی به او وارد سازند. به نظر می‌رسد هویت واقعی زن جز با عفاف و حجاب تحقق نمی‌یابد؛ زیرا خداوند متعال در آیات مختلف قرآن به این مهم اشاره نموده و نهادینه‌سازی عفاف و حجاب را در جامعه اسلامی امری ضروری دانسته که می‌تواند سلامت کل جامعه را تأمین نماید.

## ۶- روش نهادینه‌سازی عفاف و حجاب در قرآن بر مبنای ترتیب نزول

برای دستیابی به روش قرآن کریم در نهادینه‌سازی حجاب و عفاف در عصر نزول، توجه به هندسه طرح این دو مقوله در قرآن کریم بر مبنای ترتیب نزول سوره حائز اهمیت است. در ترتیب نزول سوره‌ها روایاتی موجود است که مورد اعتماد بزرگان بوده و بیشتر از ابن عباس نقل شده است. (معرفت، ۱۴۱۶ق: ۷۷) به‌طور کلی، در ۲۱ سوره از سوره‌های قرآن مفهوم حجاب و عفاف بررسی می‌شود و بر اساس چینش خاصی که ابن عباس درباره ترتیب نزول سوره‌ها ارائه می‌دهد، عبارت‌اند از: سوره‌های اعراف، مریم، طه شعراء، نمل، قصص، هود، یوسف، حجر، صافات، انبیاء، مؤمنون، معارج، عنکبوت، آل عمران، احزاب، نساء، الرحمن، نور، تحریم، مائده (همان: ۷۸ و ۷۹) طرح مسئله حجاب و عفاف در سوره‌های مکی که پس از سال سوم بعثت، یعنی پس از دعوت علنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، نازل شده‌اند آغاز می‌شود. حجم وسیعی از طرح این دو مسئله در قرآن کریم در سوره‌های مکی به چشم می‌خورد (۱۴ سوره از ۲۱ سوره).

قالب طرح در این سوره‌ها اغلب بیان داستان است. خداوند متعال در خلال بیان

داستان آدم و حوا عليهما السلام، مریم عليها السلام، قوم لوط، موسی و یوسف عليهم السلام بسیاری از مفاهیم مربوط به این دو مقوله را بیان کرده است. علاوه بر قالب داستان، وجه تشویقی نیز در برخی سوره‌ها مانند صافات، مومنون و معارج وجود دارد که در آن خداوند متعال ارزش عفت‌ورزی و پاکدامنی را در قالب توصیف بهشتیان به تصویر کشیده است. قالب بیان در سوره‌های مدنی، بیشتر تشریح احکام مربوط به حجاب و عفاف است که در خلال شکل‌گیری جامعه مسلمین در مدینه در سال‌های سوم هجرت به بعد نازل می‌شد. بیشتر احکام و آیات صریح مربوط به حجاب و عفاف در دو سوره احزاب و نور وجود دارد که به‌گواهی مفسران در سال پنجم هجرت و در خلال وقایع مربوط به جنگ احزاب، ازدواج پیامبر صلی الله علیه و آله با زینب بنت جحش و همچنین جریان افک که در این سال‌ها واقع شد نازل شده‌اند. (قرشی، ۱۳۷۱: ۳۰۲) در سوره‌های نساء و مائده نیز برخی احکام مربوط به عفاف وجود دارد. علاوه بر قالب تشریح، وجه داستان نیز در برخی آیات مربوط به حجاب و عفاف به چشم می‌خورد که البته این وجه در سوره‌های مدنی که آیات مربوط به حجاب و عفاف در آن‌ها وجود دارد، کم‌رنگ شده و فقط در مورد حضرت مریم عليها السلام آن هم به‌دلیل هم‌جواری مسلمانان مدینه با مسیحیان نجران مشاهده می‌شود (سوره‌های آل عمران و تحریم). بر اساس این هندسه به بررسی روش‌هایی می‌پردازیم که قرآن کریم به‌وسیله آن به نهادینه‌سازی این دو مفهوم در جامعه پرداخته است.

#### ۶-۱- ایجاد بینش از راه تبیین اصول و قواعد

تجربه نشان داده است انسان‌ها هنگامی که نسبت به مسئله‌ای شناخت کافی داشته باشند و ریشه‌ها و زیربنای آن را به‌خوبی بشناسند، با اشتیاق بیشتری آن را می‌پذیرند. به‌خصوص هرگاه که آن مسئله جنبه شرعی و دینی داشته باشد. اساساً علت گریز بسیاری از انسان‌ها از احکام دینی این است که گمان می‌کنند دین با نیازهای طبیعی انسان مخالف بوده و می‌خواهد آن‌ها را از زندگی طبیعی‌شان جدا کند. این طرز تفکر درباره مسئله حجاب و عفاف نیز مشهود است. امروزه، بسیاری از جوانان جامعه ما گمان می‌کنند اسلام با نیازهای طبیعی آن‌ها مخالف است. جوان امروز می‌خواهد زیبا باشد، لباس‌های زیبا بپوشد و حضور خود در جامعه و برخورد با جنس مخالف را نوعی نیاز می‌داند و بر اساس این نیاز، گاه دچار افراط‌ها و تفریط‌هایی می‌شود. از طرفی، گروهی ممکن است به مبارزه با این رفتارها بپردازند یا در رفع نیازهای طبیعی خود دچار تفریط شوند. در حالی که با مراجعه به قرآن کریم می‌توان به زیربنایی‌ترین اصول رفتاری در این باره دست یافت. قرآن کریم در اولین مراحل که درباره این دو مقوله سخن می‌گوید در سوره‌های اعراف و طه با به‌کارگیری نوعی مکانیزم شناختی به بیان اولین پایه‌های

معرفتی می‌پردازد. البته این خصیصه، یعنی تبیین اصول عقاید، از ویژگی‌های شاخص سوره‌های مکی است. (سید قطب، ۱۴۱۲ق: ۳۱۶)

با ذکر این مقدمه اصول مطرح شده توسط قرآن کریم که موجب شکل‌گیری بینش و معرفت زیربنایی در انسان می‌شود را بیان می‌کنیم.

### ۲-۶- فرهنگ‌سازی

حجم وسیعی از آموزه‌های قرآن کریم درباره نوع ارتباط میان زن و مرد و عفاف و پاکدامنی در این عرصه به چشم می‌خورد. فرهنگ‌سازی قرآن کریم در خلال بیان داستان‌هایی در سوره‌های مکی و وصف برخی نعمت‌های بهشتی آغاز می‌شود و این روش همچنان در سوره‌های مدنی ادامه می‌یابد. مصادیق انسان‌های عفیف و پاکدامن در سوره‌ها معرفی می‌شوند و شناعت و زشتی برخی انحرافات به تصویر کشیده می‌شود. نزول تدریجی آیات قرآن کریم در خلال زندگی مخاطبان خود و تکریم ارزش‌ها و نکوهش ضد ارزش‌ها که اغلب از طریق بیان داستان‌ها و سرگذشت انسان‌های گذشته صورت می‌پذیرد، به‌صورت ناخودآگاه و نامحسوس ارزش پاکدامنی و رعایت حریم‌ها را گوشزد و با اعلام زمینه‌های خطر، این دو مفهوم را در زندگی مخاطبان خویش نهادینه می‌سازد. اختصاص حجم وسیعی از این آیات فرهنگ‌ساز و استمرار آن هم در سوره‌های مکی و هم در سوره‌های مدنی دلالت بر اهمیت این روش دارد.

### ۳-۶- تشریح

چنان‌که بیان شد، هرگاه با ایجاد زمینه‌های شناختی مردم دانستند که پوشش برای آن‌ها یک ارزش و زندگی در مسیر فطرت ایشان است، با مشاهده بی‌عفتی‌ها و ناهنجاری‌های اخلاقی، خود پا پیش نهاده و خواستار مجازات متخلفان می‌شوند. اصولاً تشریح و قانون‌گذاری، نیازمند ایجاد زمینه‌هاست. خداوند متعال در آیات قرآن کریم زمینه‌های شناختی و ارزشی عفاف و حجاب را ایجاد کرده و در سال‌های نزول قرآن کریم در مدینه و پس از انسجام و استقرار جامعه مسلمین و معرفی پیامبر به‌عنوان حاکم دینی جامعه آن روز، تشریح احکام مربوط به عفاف و حجاب آغاز شد. بررسی روش قرآن کریم در تشریح یا به‌عبارتی مراحل تشریح نیز در جایگاه خود حایز اهمیت است که در ذیل به این مراحل اشاره می‌شود.

### ۱-۳-۶- اولویت حاکم دینی و خانواده او برای عمل به احکام شرعی

خداوند متعال در اولین آیات سوره احزاب در وهله اول پیامبر را الگویی نیکو معرفی می‌کند: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَن كَانَ يَرْجُو

اللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا» (احزاب/ ۲۱) مراد از بیان اسوه بودن رسول خدا ﷺ، لزوم اقتدا کردن دیگران به آن حضرت است. (مغنیه، ۴۲۴ق: ۲۰۵) با ذکر این مقدمه، خداوند متعال مسئولیت زنان آن حضرت را در عمل بیان نموده است.

### ۶-۳-۲- تشریح به همراه بیان فلسفه احکام

انسان هنگامی که دلیل و فلسفه عمل به قانونی را بداند و قانون‌گذار منافع عمل به قانونی را برای او روشن کند و از خطرات و مضراتی که سرراز زدن از قانون می‌تواند برای او به وجود آورد، آگاه شود، با رغبت بیشتری قانون را پذیرفته و به آن ملتزم می‌شود. خداوند متعال در مسئله تشریح احکام مربوط به پوشش زنان و عفت‌ورزی و پاکدامنی ایشان، دلایلی را به شرح زیر بر می‌شمرد:

الف- پوشش و حجاب زنان مایه حفظ طهارت و پاکی درونی خود و مردان: «... وَ إِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَاسْأَلُوهُنَّ مِنْ وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَ قُلُوبِهِنَّ؛ (احزاب/ ۵۳) ... و هرگاه از زنان (رسول) متاعی می‌طلبید از پس پرده بطلبید که حجاب برای آنکه دل‌های شما و آن‌ها پاک و پاکیزه بماند بهتر است.»

ب- پوشش و حجاب زنان مایه حفظ امنیت زنان و مصونیت از تعرض بیگانگان: «يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَ قُلْنَ قَوْلًا مَعْرُوفًا؛ (احزاب/ ۳۲) ای زنان پیغمبر، شما مانند دیگر زنان نیستید (بلکه مقامتان رفیع‌تر است) اگر خداترس و پرهیزکار باشید، پس زنهار نازک و نرم با مردان سخن مگویید. مبادا آنکه دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد، بلکه متین و درست و نیکو سخن گوید.»

«يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأَزْوَاجِكُمْ وَ بَنَاتِكُمْ وَ نِسَاءَ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَابِيبِهِنَّ ذَلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا؛ (احزاب/ ۵۹) ای پیغمبر، با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو که خویشتان را به چادر فرو پوشند که این کار برای اینکه آن‌ها به (عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعریض و جسارت (هوس‌رانی) آزار نکشند، بر آنان بسیار بهتر است و خدا (در حق خلق) آمرزنده و مهربان است.»

### نتیجه

همان‌گونه که بیان شد، علامه طباطبایی جامعیت قرآن را در محدوده هدایت، نیازهای مرتبط با سعادت بشر، کمال اخروی، نیازهای دینی، شوون مربوط به انسانیت انسان و امثال آن مطرح کرده است. از جمله نیازهای مرتبط با سعادت زنان در جامعه اسلامی، هویت‌بخشی در ابعاد گوناگون انسانی، خانوادگی و اجتماعی و اقتصاد و سیاست است که اسلام در تمامی این ابعاد با توجه به

مقتضیات زمان موارد مورد نیاز اساسی را بیان نموده است. از اساسی ترین نیازهای فطری زن مسئله پوشیدگی و عفاف او بوده که این امر موجب تضمین سلامت خانواده و اجتماع می گردد و در همین بستر زن مسلمان می تواند هویت واقعی خود را در ابعاد گوناگون بیان شده، به منصفه ظهور برساند. پوشش زن و مرد و حفظ حریم در روابط بین آنها دو ابزاری است که با نهادینه سازی آنها سلامت جامعه تضمین می شود. سه روش تبیین اصول و پایه های معرفتی، فرهنگ سازی و تشریح برای نهادینه سازی حجاب و عفاف در جامعه زمان نزول در قرآن کریم به کار رفته است.

از تحلیل روش های قرآن در نهادینه سازی حجاب و عفاف می توان به راهبردهای مهمی در قلمرو نهادهای آموزشی، فرهنگی و قانون گذار جامعه دست یافت. این مهم می تواند به عنوان راهبردی برای مؤسسات مرتبط با زنان در جامعه اسلامی تعریف شود.

## منابع

### \* قرآن

۱. الحسنی الندوی، ابوالحسن علی، ۱۳۸۸، کند و کاوی در اوضاع جهان اسلام، ترجمه عبدالحکیم عثمانی، تهران، احسان.
۲. الشهرستانی، عبدالکریم، ۱۴۱۵ق، الملل و النحل، ترجمه علی فاعور، بیروت، دار المعرفه.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۶ق، لسان العرب، ج ۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۴. بیرو، آلن، ۱۳۷۵، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران، انتشارات کیهان.
۵. بهجت پور، عبدالکریم، ۱۳۸۷، همگام با وحی، قم، سبط النبی.
۶. جنکینز، ریچارد، ۱۳۸۱، هویت اجتماعی، ترجمه تورج یاراحمدی، تهران، نشر شیرازه.
۷. جواد، علی، ۱۹۶۸م، المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام، بیروت، دار المعلم الملایین.
۸. حقدار، علی اصغر، ۱۳۸۰، فراسوی پست مدرنیته. تهران، انتشارات شفیعی.
۹. دوران، بهزاد، ۱۳۸۲، تاثیر فضای سایبرنتیک بر هویت اجتماعی. پایان نامه دکترای دانشگاه تربیت مدرس.

۱۰. زیدان، جرجی، ۱۳۷۲، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهرکلام، تهران، نشر امیر کبیر.
۱۱. قطب، سید ابراهیم حسین، ۱۴۱۲ق.، فی ظلال القرآن، بیروت، دار الشروق.
۱۲. طباطبائی، سید محمد حسین، ۱۳۷۰، المیزان، قم، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبائی.
۱۳. قرشی، علی اکبر، ۱۳۷۱، قاموس قرآن، تهران، دار المکتبۃ الاسلامیة.
۱۴. لیتون، رالف، ۱۳۸۸، سیر تمدن، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
۱۵. مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، صدرا.
۱۶. معرفت، محمدهادی، ۱۴۱۶ق.، التمهید فی علوم القرآن، قم، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۷. مغنیه، محمدجواد، ۱۴۲۴ق.، تفسیر الکاشف، تهران، دار الکتب الاسلامیة.
۱۸. ویلیامز، ژان پل، ۱۳۷۷، جامعه‌شناسی ادیان، ترجمه علیرضا خدامی، تهران، مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
- Abercrombie, france, 1994, The Dictionary of Sociology, London, Penguin.
  - Woodward, Karlos, 2000, Questioning Identity, Gender, London, Routledge in association with the Open University.











## Journal of Quranic - Narration Studies

Two educational-specialized quarterly journals

Second Year, No. 3, Winter 2023

# 3

- \* Reflecting the Qurānic discourse of the Iranian Islamic Revolution in the lifestyle of the Indian subcontinent
- \* The surrender of all in the Mahdavi government from the point of view of the commentators of the Fariqs and hadithss
- \* Factors of secularism from the perspective of the verses of the Holy Quran and its consequences in individual lifestyle
- \* The political discourse of the Islamic revolution in the face of Takfiri currents
- \* Giving identity to Muslim women with an emphasis on the completeness of the Qurān